کۆڵبەرنامە...

هیچ کولبری زندە از مرز بازنمی‌گردد

اولین کسی که به کولبر رنج روا می‌دارد خود اوست، کولبر دچار خود استثماری می‌شود، در اولین اقدام عزت‌نفس خود را می‌بازد، غرور انسانی‌اش بعدها پایمال می‌شود و عملاً دچار بحران هویت انسانی می‌شود. هیچ کولبری زنده از مرز بازنمی‌گردد، یا جسمش را جا می‌گذارد یا روح و روانش را.

لاپەڕەی۶

چیا
کوردی - فارسی
ماڵنامەی فەرهەنگی - کۆمەڵایەتی

تخریب و شایعات در فضای مجازی

هنگام مواجهه با پست‌هایی که بدون هیچ‌گونه محمل قانونی و مستند اقدام به سیاه نمایی و ایجاد شائبه در خصوص افراد، فعالین، سیاسیون و مسئولین نموده، اخلاقی‌تر آن است که به‌هیچ‌عنوان آن را بازنشر ننموده و در نقطه مقابل آن به تولید و نشر محتواهای محیط زیستی بپردازیم.

صفحه۴

▪ شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۶ ▪ ۱۵ی ڕەزبەری ۲۷۱۷ی کوردی ▪ ۷ اکتبر ۲۰۱۷ ▪ سال دوم ▪ شمارە۲٤ ▪ ۸ صفحه ▪ قیمت ۱۰۰۰ تومان ▪

زریبار خط قرمز ماست

شکایت انجمن سبز چیا از هنگ مرزی مریوان

سال‌های سال است که زریبار از سایه سرِ بی مدیریتی دولتی‌ها، از اصلاح‌طلب گرفته تا اصولگرا، توسط ادارات، ارگان‌های نظامی و خانه باغ‌ها، در حال نابودی است. شهرداری، امور آب، محیط‌زیست، گردشگری و میراث فرهنگی ، جهاد کشاورزی و حتی ارگان‌های نظامی هرکدام خود را مدیر و مالک بخشی از حریم زریبار می‌دانند، درواقع آن را به‌مانند گوشت قربانی بین خود تقسیم کرده‌اند!

ادامه در صفحه۱

ئازاری جنسی منداڵان

لە پۆل(لمس)کردنی ئەندامی جنسیی منداڵ، چ بە شێوەی ڕووت یان شاراوە، یان هاندانی منداڵ بۆ ئەنجامدانی ڕەفتاری جنسی وەهە ڕوە هەڵە نجامدانی هەر کردەوەیەکی جنسی لە پێش چاوی منداڵ و کەڵکوەرگرتن بۆ کاری پورنۆگرافی ،ئەمانەهەموی دەکەونە چوارچێوەی ئازاری جنسیی منداڵان.

لاپەڕەی٤

خورما فرۆش...

خۆشەویستی بوو بە میوانی دڵە مێهرەبانەکەی «ئاکۆ» وڕەگی داکوتا، بەڵام قەت نەیدەتوانی وەک هەواڵێ بیر لە ژیانی هاوبەش بکاتەوە و قەدەر ئەمەشی پێ ڕەوانە بینی وداخێکی لەسەر داخان کەوت.

لاپەڕەی۵

نقش نمایندگان کورد مجلس در تغییر نگرش مقامات به کوردستان

اگر ملاک توانایی و شایستگی واقعی افراد باشد و افراد شایسته تائید صلاحیت شوند، مردم ابدا چنین کسانی راکه تاکنون انتخاب شده‌اند انتخاب نخواهند کرد، البته به‌جز تعدادی از نمایندگان مجلس ششم. چون چنین نمایندگانی توان تغییر نگرش مسئولین مرکزی به ملت کورد را ندارند و حتی به نظر نمی‌رسد جرئت بحث در این مورد را نیز به خودبدهند.

صفحه۳

آسیب‌شناسی ارتباط معلولیت و فقر مزمن در کشورهای در حال توسعه

نیروهای یاری‌رسان به‌دولت برای گنجاندن معلولان در جایگاه‌های روزمره، گوناگون و کاربردی اجتماع عبارتند از: سازمان‌های مردم‌نهاد، وزارت بهداشت و درمان، بنگاه‌های کاریابی، آموزش و پرورش، مراکز آموزش عالی

صفحه٦

ای قوم به حج رفته ...

نسل ما هم که با اردنگی و ترکه و چوب و سیلی، زورچپان، وارد مدرسه و معرکه شدیم، کم‌کم و به‌ناچار، عادتمان دادند که بزرگی و عمق را از دهان کسانی بجوییم که اهل نوشتن و کتاب و کتابخانه‌اند و همین باعث شد؛ بت‌های ذهنی‌مان نه در محیط ملموس دوروبر، که در شهرهای دوروبلاد بعید جای داشته‌باشند

صفحه۳

شانۆی سەرشەقام، مایەی سەربەرزی و ناوداریی مەریوان

وتوویژێک لەگەڵ دوکتور قوتبە دینی سادقی

یەکێ لەوەهە نگاوە گەورانەئەتوانین هەڵی بگرین بۆئەوەی گەشە بدەین بە فەرهەنگ و هونەرلە وڵاتەکەمانا، هەرئەم شانۆی سەرشەقامەیە.

لاپەڕەی ۷

▪ سخن چیا ▪
بخشش لقا به بقا

مگر می‌توان زیست‌محیطی بود و پیرامون و اتفاقاتی را که در حال رخ دادن‌اند را ندید. چشم و گوش بسته ماندن در مقابل رخدادهای پیرامون بسیار ساده‌لوحانه خواهد بود اگر بگوییم حقوق آن خوک و بیماری آن درخت و خشکی آن چشمه بهمن مربوط است و بر زندگانی ما و بشریت تأثیر خواهد گذاشت، اما هزاران معتاد و خیل عظیم بیکاران در انظار ما ناچیز است. حیات این دنیا با تمامی جزییاتش بسیار به هم وابسته است. وابستگی‌ای که برای زیستی مشترک و سرشار از آرامش به حمایت همگانی نیاز دارد، اما عجبا که در واقعیت همه بر ضد موضوع موضع‌گیری می‌کنند. همه چون دیگری از جنگل‌هایش سود مادی می‌برند، جنگل‌هایشان را نابود می‌کنند. برای منابع نفتی و ... هم اوضاع به همین منوال است. این چشم و هم‌چشمی‌ها که گاها احمقانه می‌نماید در سایر ابعاد زندگی نیز وجود دارد. فلان شهر در میدان اصلی شهر فواره دارد و من نیز باید داشته باشم. فلان کشور اسکی روی چمن دارد و توریست زیادی را به خود جلب کرده، چرا ما نداشته باشیم؟ در اعتقاداتمان نیز گاها برخلاف واقع از همین چشم و هم‌چشمی استفاده می‌کنیم. اعیاد و تعزیه‌هایمان را در تنگنای مسابقاتی عجیب قرار داده‌ایم. این موضوع در سیاست هم رسوخ کرده است. البته در عالم سیاست با معکوسانی عجیب و پیچیده. ما چون از قطر حمایت کرده‌ایم پس عربستان از لج ما هم که شده بر ضد او می‌ایستد. ما چون با سوریه میانه خوبی داریم پس دیگران نباید داشته باشند. اصلاً بعضی کشورها ایستاده‌اند تا ببینند دیگری چکار می‌کند تا یا حمایت کنند و یا علیه آن قد علم کنند. این بازی کودکانه اما در این دنیای اغلب خشونت‌بار سیاست، الکی الکی آدم‌های واقعی را قربانی می‌کند. تن میلیون‌ها هکتار از طبیعت با تمامی موجوداتش نیز از این بازی‌ها زخمی است.

همین اواخر حکومت اقلیم کردستان در رفراندومی استقلال خود را در میان شهروندانش به رأی گذاشت و چیزی حدود ۹۳ درصد به استقلال رأی دادند اما برخلاف خیلی از موضوعات با مخالفت شدید اطرافیان روبه‌رو شد و حتی با تهدید نظامی مواجه شده است. به همین راحتی چراغ‌های جنگی تازه را در منطقه به راه انداخته‌اند و بعضی‌ها انگار فراموش کرده‌اند که جنگ یعنی چه و یا نمی‌خواهند بفهمند که جنگ چه عواقبی را با خود به همراه دارد. اعلام جنگ برای چه؟ برای کدام اقلیم؟ اقلیمی که سالیان سال تحت کنترل امپراتوری‌های ایرانی بوده و به‌مانند ایالاتی مستقل هزاران سال زیسته‌اند و بعداً مدام بین صفویان و عثمانیان دست‌به‌دست شده و دست‌آخر طی قرارداد سایکس –پیکو در کشوری نوظهور به نام عراق گنجانده‌شده است. همین اواخر نیز حکومت پهلوی سلیمانیه را معامله می‌کند و به‌راحتی می‌بخشدش.

از طرف حکومت خود نسل‌کشی می‌شود و وحشیانه‌ترین تازیانه‌ها را از صدام می‌خورد. اینک نمی‌دانم چرا باید آن را هیزم جنگی دیگر نمود، جنگی که خدا می‌داند به کجا کشیده خواهد شد. نمی‌دانم ایران چرا با آن مخالفت می‌کند؟ چون چشم و هم‌چشمی است بازار سیاست؟ یا نه فراموش کرده‌ایم در همین ۲۰۰ سال اخیر چه مناطقی از خود ما جداشده است و اینک دوست و برادریم. ای‌کاش سیاسیون به‌جای تعارض با هسته عریان واقعیت روبه‌رو می‌شدند و درصدد ایجاد روابطی عمیق بودند نه اینکه با دولت‌هایی هم‌راستا می‌شدند که اختلافشان عمقی به ژرفای تاریخ دارد.

به‌هرحال آنچه هویدا است این است که اگر آتش دیگر در منطقه افروخته شود دود آن به چشم همه خواهد رفت و به‌مانند جنگلی آتش‌گرفته، نخواهیم توانست درختی بی‌طرف بیابیم و از همه بیشتر فعالین مدنی و زیست‌محیطی لطمه خواهند دید که هر آنچه درراه اعتلای فرهنگی و اجتماعی بافته‌اند ریسه خواهد شد و بر جنگل آهن و دود هیچ‌چیزی حکم نخواهد کرد مگر قانون جنگل.

در این برهه بسیار ضروری است که مردم هم‌صدا در تمامی نقاط این خاورمیانه صدا برآورند که دیگر از جنگ خسته‌ایم. دیگر از بازی و بازیچه بودن مانده‌ایم. می‌خواهیم کودکی را بی‌صدای گلوله بخوابانیم. می‌خواهیم دمی از طبیعت لذت بریم و می‌خواهیم طعم صلح و آرامش را اندکی بچشیم.

ادامه مطلب...

زریبار خط قرمز ماست

طرح‌های نابودگرانه ای چون ساخت دایک خاکی در جنوب زریبار و انتقال آب رودخانه قزلچه سو به داخل زریبار، نفس آن را بند آوردند. ساخت‌وسازهای بی‌مورد، تقسیم زمین‌های کشاورزی و تبدیل آن‌ها به خانه باغ، کشاورزی بی‌برنامه و ورود کود و سموم، چاه‌های فراوان و...زریبار را به سمت نابودی سوق می‌داد.

همه این موارد ناشی از آن بود که حریمی برای آن متصور نبودند و تنها آن را یک استخر بزرگ می‌پنداشتند. به همین خاطر انجمن سبز چیا با همکاری دفتر حفاظت از تالاب‌های ایران و اداره کل محیط‌زیست اقدام به برگزاری چهار دوره دوروزه کارگاه، به نام مدیریت یکپارچه زیست بومی تالاب زریبار نمود. در این هشت روز، همه ادارات مریوان، ارگان‌های نظامی و امنیتی، ذینفعان حاشیه تالاب، دهیاران و شوراهای روستاهای اطراف، نماینده تعاونی صیادان و...حضور داشتند. قرار براین بود که خروجی این کارگاه‌ها درنهایت به‌صورت کتابی درآید و این کتاب راهنمای هر نوع بهره‌برداری و مدیریت تالاب زریبار باشد؛ اما ازآنجاکه مسئولان و در رأس آن‌ها استاندار کردستان .آقای زاهدی . خواب‌های دیگری برای زریبار می‌دیدند، این برنامه لغو و دست در آستین مبارک کردند و طرح دیگری به نام ستاد نجات بخشی زریبار را درآوردند.

این ستاد که درواقع می‌توان عنوان ستاد کفن‌ودفن زریبار را بیشتر نام نهاد تا نجات بخشی، زیرا تابه‌حال جز جلسات کذایی اداری، کار آن‌چنان مثبتی انجام نداده حتی برای ساخت پالایشگاه در حریم تالاب، تصرف حریم تالاب توسط ارگان‌های نظامی و این اواخر ساخت بنای چهارطبقه توسط هنگ مرزی مریوان بدون اخذ مجوز از ادارات مربوطه ازجمله محیط‌زیست، حتی یک کلمه اعتراض از سوی این ستاد کسی نشنیده است.

سال‌هاست انجمن‌های مختلف مریوان در تلاش‌اند تا جامعه مدنی را در مریوان تقویت کرده و قانون مداری را رواج دهند؛ اما ارگان‌هایی که خود باید مدافع قانون و الگوی قانون مداری باشند، بازیرپاگذاشتن قانون و تخریب محیط‌زیست تالاب زریبار، به عده‌ای تخریبگر، سودجو و جنگل خوار شرعیت داده که از هنگ مرزی الگو گرفته و اقدام به ساخت‌وساز کنند.

اما در این میان انجمن سبز چیا به همراه سایر انجمن‌های مریوان، طی بیانیه‌ای نگرانی خود را به اطلاع مردم و مسئولان رساندند؛ اما ازآنجاکه از نگاه هنگ مرزی قانون فقط برای مردم است و آن‌ها فراتر از قانون‌اند، به ساخت و تکمیل بنا ادامه داده و در اقدامی عجیب از نشریه چیا در دادگاه مریوان شکایت کردند که چرا به کار غیرقانونی ما اعتراض کرده‌اید! و تلاش کردند که چیا را وادار به سکوت کنند؛ اما زهی خیال باطل زریبار خط قرمز ماست؛ بنابراین از تمام راه‌های قانونی و مدنی برای جلوگیری از اقدام اشخاص و نهادهایی که زریبار را تخریب کنند استفاده خواهیم کرد.

در همین راستا انجمن سبز چیا با طرح شکوائیه‌ای در دادگاه مریوان، از هنگ مرزی مریوان شکایت نمود. امید است که با اجرای عدالت با قانون‌شکنان برخورد جدی شده و بنای مذکور نیز تخریب شود زیرا زریبار برای ما تنها یک کاسه آبی بزرگ نیست بلکه هویت و شناسنامه ماست، محل خاطرات، غم‌ها، شادی‌ها، آرزوها و عشق‌های ماست.

چرا باید تالاب زریبار بدون حریم باشد؟ چگونه حریم خصوصی محترم است اما حریم‌های عمومی توسط نگهبانان قانون نابود می‌شود.

انجمن سبز چیا این کار هنگ مرزی و اصرار بر نگهداری این بنا را دهن‌کجی به مردم مریوان، قوانین کشور و به‌ویژه محیط‌زیست منطقه و زریبار زیبا می‌داند.

پیام تشکر و قدردانی دبیر دوازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان

حمد وسپاس فراوان، محبوب بیکران را که از سر لطف، توفیق خدمت به عاشقان فرهنگ وهنر را نصیب گردانید.
برگزاری دوازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان برگ زرین دیگری بود در تاریخ سرزمین فرهنگ وهنر. و بی شک اعتلای این جشنواره و دست یابی به اهداف تعیین شده، جز با کوشش ومساعی یکایک نقش آفرینان این عرصه مهیا نمی شد که از آنجمله اند:
مردم بزرگوار،شریف وهنر دوست شهر مریوان- صاحبان اصلی جشنواره- که با همدلی، همراهی وهمکاری خود باعث قوام این جشنواره در مریوان شدند که به گواهی شرکت کنندگان ایرانی وخارجی، مهمانان ومسئولین ، فهیم ترین، نجیب ترین و حرفه ای ترین تماشاگران تئاتر خیابانی به شمار می روند.کلیه شرکت کنندگان در جشنواره، جناب آقای مهدی شفیعی مدیر کل محترم هنرهای نمایشی وهمکاران محترم ایشان، جناب آقای دکتر بهداروند مدیر عامل محترم انجمن هنرهای نمایشی ایران وهمکاران محترم انجمن ،جناب آقای مرادی نماینده محترم مردم مریوان وسروآباد در مجلس شورای اسلامی،جناب آقای شفیعی فرماندار محترم ودلسوزمریوان، جناب آقای دکترنصرالهی زاده ریاست محترم سازمان مدیریت وبرنامه ریزی استان کردستان، جناب آقای دکترهمت پورمعاون محترم هماهنگی بودجه سازمان مدیریت وبرنامه ریزی استان کردستان وهمکاران محترم ایشان،جناب آقای سامان خلیلیان مسئول دفتر تخصصی تئاتر خیابانی،جناب آقای مهدی حاجیان مدیر محترم دبیرخانه جشنواره های اداره کل هنرهای نمایشی، اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی کردستان، اداره فرهنگ وارشاد اسلامی مریوان،اداره کل بهزیستی استان کردستان، نیروهای نظامی و انتظامی شهرستان مریوان، شهرداری و شورای اسلامی شهر مریوان،ادرات سطح شهرستان به ویژه اداره بهزیستی، اداره برق،اداره آموزش وپرورش،سازمان تبلیغات اسلامی، اداره ورزش وجوانان، جهاد کشاورزی،هلال احمر،
خبرنگاران واصحاب رسانه، انجمن نمایش استان کردستان، شرکت مهندسی مشاور راه یاب ملل به مدیریت آقای مظفر بیگلر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن وکشاورزی استان کردستان (جناب آقای محمدنجیب اداک)، شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان کردستان(جناب آقای سلیم کریمی)، جناب آقای فاضل سنندجی، همکاران بزرگوارو همدل وسختکوش ستاد اجرایی جشنواره شهرستان.
کمال تندرستی ودوام توفیقات این بزرگواران را از ایزد یکتا خواستارم.

فاتح بادپروا
دبیر دوازدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان

نامه انجمن سبز چیا به معاونت محترم ریاست جمهوری و ریاست محترم سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور

جناب آقای دکتر کلانتری
موضوع: ساخت‌وساز غیرمجاز در داخل محدوده پناهگاه حیات‌وحش تالاب زریبار در استان کردستان

با سلام و عرض ادب

احتراماً به استحضار می‌رساند علی‌رغم اهمیت حیاتی تالاب زریبار در استان کردستان-شهرستان مریوان، برای مردم این شهر و استان و نیز حساسیت و توجهاتی که مسئولین در رسانه‌ها و جلسات اداری به نسبت این زیست‌بوم مهم ابراز داشته‌اند، به دلیل ضعف مدیریت و یا چند مدیریتی، هرروز بخشی از آن مورد هجوم و تعرض واقع می‌شود. بر طبق شواهد و بررسی‌های به‌عمل‌آمده، در اواسط خردادماه، یکی از ارگان‌های نظامی مریوان (هنگ مرزی)، در داخل محدوده پناهگاه حیات‌وحش تالاب زریبار، بر روی تپه مشرف‌به آن، بدون حتی درخواست مجوز از ادارات محیط‌زیست و منابع طبیعی قبل از ساخت، اقدام به احداث ساختمانی سه‌طبقه نموده است که نشان از اوج بی‌توجهی به عرصه‌های طبیعی و اکوسیستم حساس و باارزش زریبار دارد. بدیهی است ادارات و ارگان‌های دولتی، به‌ویژه در شهرهای مرزی، خود باید الگوی قانونمندی برای مردم باشند که متأسفانه اکنون عکس آن عمل شده است. واضح است این ساخت‌وساز، بر طبق آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، غیرمجاز بوده و در تضاد با فرمایشات مقام معظم رهبری در رابطه با محیط‌زیست و منابع طبیعی می‌باشد.
لازم به ذکر است که متأسفانه ورود ارگان‌های مختلف نظامی به اطراف و نقاط حساس زریبار روزبه‌روز در حال افزایش است که این مسئله می‌تواند انواع آلودگی و تخریب زیستگاه حیات‌وحش را به همراه داشته باشد و توسعه گردشگری در شاخص‌ترین مکان گردشگری کردستان را با چالش جدی مواجه کند.
لذا انجمن سبز چیا مریوان با توجه به حساسیت‌های مردمی، نگرانی عمیق خود را نسبت به تعرض جدید به زریبار و محدوده تالاب توسط ارگان‌های نظامی ابراز داشته و از جنابعالی می‌خواهیم ضمن انتقال مراتب اعتراض و نگرانی شدید این تشکل به مراجع و ارگان‌های ذی‌ربط در این مسئله، در اسرع وقت هرگونه ساخت‌وساز متوقف گشته و بر اساس قوانین و ضوابط بدون تبعیض، حکم تخریب آن بنای مذکور صادر و اجرا گردد.

با تشکر
سید عرفان حسینی
مدیرعامل انجمن سبز چیا

آیا موقع خرید آب‌معدنی، به عددهای زیر بطری پلاستیکی توجه کرده‌اید؟

■ **مصلح حسامی**

۰ عدد درج‌شده ۱ تا ۷ داخل مثلث، نشانه قابل بازیافت بودن یا نبودن بطری پلاستیکی، سمی بودن یا نبودن و کیفیت آن است.

۱- عدد ۱ رایج‌ترین نوعی است که در دنیا برای بطری‌های آب‌معدنی استفاده می‌شود و حاوی ترکیبات شیمیایی پلی‌اتیلن ترفتالات (pETE) است که باعث آزاد شدن گاز تری اکسید آنتیموئین می‌شود.
مواجهه طولانی‌مدت با این ماده می‌تواند سبب حساسیت تنفسی و پوستی و بروز اختلالات ماهانه و سقط جنین در خانم‌ها شود. یک‌بار استفاده، مشکلی ندارد ولی بار دوم این گاز از بطری به آب منتقل می‌شود.
از این ترکیبات، برای ساختن بطری‌های آب، نوشیدنی‌ها، دهان‌شویه‌ها، ظرف کره بادام‌زمینی، ظرف سس‌ها، آبمیوه و روغن‌های مایع استفاده می‌شود.
۲- حاوی مواد شیمیایی مضر نیست و به محیط‌زیست هم آسیب نمی‌رساند و ترکیبی بی‌خطر است.
از ترکیب پلی‌اتیلن سنگین (HDPE) برای ساختن بطری‌های مات شیر، روغن‌های خوراکی شیشه پاکن مایع سفیدکننده محلول‌های ضدعفونی‌کننده و شوینده، شامپو، روغن‌موتور، کیسه‌زباله بسته‌بندی ماست و کره و... استفاده می‌شود.
۳- pvc به معنی وجود پلی وینیل کلراید است که برای سلامت انسان و محیط‌زیست خطرناک است. باید از تماس مواد غذایی گرم با این نوع پلاستیک و یا سوزاندن آن جداخودداری گردد.
از این ترکیب، برای درست کردن ظروف شیشه‌پاک‌کن، روغن‌های خوراکی، شامپو و... استفاده می‌شود.
۴ .(LDPE) پلی‌اتیلن سبک. پلاستیک آن هیچ نوع ماده سمی وارد آب درون بطری نمی‌کند. ولی اکیداً توصیه می‌شود هیچ نوع مواد دیگری داخل آن ریخته نشود.(دوغ و...).
از این ترکیب در ساخت بطری‌هایی که باید قابل فشرده شدن و انعطاف‌پذیر باشند استفاده می‌شود.(کیسه‌های نان، بسته‌بندی مواد غذایی یخ‌زده و...).
۵ .پلی‌پروپیلن (pp) مناسب آب‌معدنی نیست و گرچه پلاستیک سالمی است اما برای ماست یا شربت استفاده می‌شود.
این ترکیب، بی‌خطر است و اگر چنانچه در مجاورت مواد غذایی داغ قرار گیرند خطری ایجاد نمی‌کند.
برای ساختن ظروف محلول‌های غلیظ، ظرف ماست، بطری سس گوجه‌فرنگی، درب پلاستیکی بطری‌ها، نی نوشیدنی، بطری شربت‌های دارویی مورداستفاده قرار می‌گیرد.
۶ .پلی استرن (ps) که حاوی استیرن است و به اعصاب آسیب می‌رساند. ریختن مواد گرم یا گرم کردن خود ظرف ممنوع و سبب آزاد شدن مواد شیمیایی می‌شود. این ترکیب خطرناک است و در مجاورت با غذای داغ، آن را به‌شدت سمی می‌کند.(ظروف یک‌بارمصرف، شانه تخم‌مرغ، بسته‌بندی انواع گوشت، بطری حاوی قرص‌ها و کپسول‌ها و...)
۷ .(OTHER) حاوی بیسفنول A است که باعث اختلالات هورمونی می‌شود و در کاهش تدریجی ترشح هورمون استروژن در زنان دخیل است و در ساختن بطری‌های آب ۱۰ و ۲۰ لیتری مورداستفاده قرار می‌گیرد.
بطری‌هایی که در انتهای آن‌ها عددهای ۲،۴،۵ درج‌شده است برای فریز کردن آب و چندین بار مصرف آن مناسب است. ولی در کل، تأکید می‌شود تا جایی که امکان دارد از بطری استفاده مجدد نشود و به‌هیچ‌عنوان، ماده دیگری مانند دوغ در آن ریخته نشود زیرا:
خطر ابتلا به سرطان (سرطان سینه) را افزایش می‌دهد چون پلاستیکی هستند که پایه‌ی نفتی دارند.
آب گرم داخل اتومبیل را مصرف نکنید زیرا:
گرما باعث واکنش شیمیایی در پلاستیک شده و درنهایت باعث آزاد شدن مولکول‌های آن در آب می‌شود. این مولکول‌ها به‌صورت سم مهلکی موجب تشکیل بافت سرطانی در ناحیه‌ی سینه می‌شوند.
باترک خوردن این بطری‌ها ماده‌ای سرطان‌زایی به نام DEHA وارد آب می‌شود.
ماده پلیمر چیست؟
ماده‌ای است نگهدارنده برای نرمی، براقی، ... که از ۶۰-۷۰ نوع مواد درست شده است که این عددها نوع پلیمر را مشخص می‌کنند.
توصیه‌ها:
هیچ‌وقت بطری‌ها را روی زمین نریزیم و آن را نسوزانیم زیرا:
۶۰ نوع گاز خطرناک ازجمله دی‌اکسید کربن را بیرون می‌دهد که با چشم دیده نمی‌شود.
در به ناسازی خانه‌ها حتی‌الامکان از پلاستیک استفاده نکنیم. در خانه‌ای، اگر پلاستیک زیاد باشد هوای اتاق را آلوده می‌کند، درنتیجه یادگیری بچه‌هایمان، کندتر می‌شود. همان‌طور که از هر ۱۰ بچه، ۸ بچه ماده پلاستیکی وارد بدنش می‌شود و ۹۰٪ در ادرار، ماده پلاستیکی وجود دارد.
همان‌طور که زنجیره‌ی خوراک انسان‌ها، آب‌وخاک و هوا است، درنتیجه تا می‌توانیم از پلاستیک استفاده نکنیم. مثلاً به‌جای پلاستیک آب‌معدنی، قمقمه استیل، یا بطری‌های شیشه‌ای جایگزین شود.
بطری آب‌معدنی را هیچ‌وقت فشار ندهیم چون دیرتر تجزیه می‌شود.
زمین تا حالا ۵ بار قربانی شده است و آخرین بار، ۶۵ میلیون سال پیش در زمان دایناسورها بوده است و اگر به همین روال پیش برود در چند صدسال آینده هم این فاجعه تکرار خواهد شد براثر گرم شدن زمین که همه از مشتقات نفت است و مواد پلاستیکی یکی از آن‌ها است.
آب‌ها هم از مواد پلاستیکی به دور نبوده‌اند. درنتیجه ۲۵۰ موجود آبزی ماده پلاستیکی می‌خورند.
سروشت، به ته‌نیا ملّکی ئیمه نییه، به‌لّکوو ملّکی هه‌موو بوونه‌وه‌رکانه. با بپاریّزین.

افتتاح تونل جاده‌ی مریوان- سنندج در سال آینده

نماینده‌ی مردم مریوان و سروآباد در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که بدهی پروژه‌ی جاده مریوان سنندج پرداخت شده است و در طول چند ماه اخیر که پروژه به دلیل ریزش‌های تونل باغان متوقف شده بود مجدداً از سر گرفته شده و ریزش‌برداری تونل شروع شده‌است.
ایشان افزودند که با اختصاص ۱۹ میلیارد تومان اعتبار به جاده‌ی مریوان سنندج، این پروژه در سال آینده افتتاح می شود و جاده‌ی فعلی این محور نیز که ۴۰ نقطه‌ی حادثه‌خیز دارد با اعتباراتی که جذب شده، روکش آسفالت‌می‌شود.
محو ر مریوان- کامیاران هم با توجه به وعده‌های پیمانکاران در سال آینده به بهره‌برداری خواهد رسید.

نمایشگاه عکس

ما از طریق عکسی که با دوربین‌مان می گیریم، می توانیم به تمام کتاب‌هایی که خوانده‌اند، تمام موسیقی‌هایی که تا امروز شنیده اند و تمام عشق‌ها و علاقه‌هایی که بین‌شان وجود داشته است،دست‌یابیم.«انسل آدامز»
نمایشگاهی از آثار هنرجویان عکاسی کانون فرهنگی-هنری «ڤه‌ژین» و «انجمن هنرهای تجسمی مریوان» از تاریخ ۲۷ الی ۳۰ شهریور در نگارخانه‌ی مریوان برپا شد که شامل آثار ۳۳ هنرجو و ۷۹ اثر عکس بود. بیشتر آثار در اردوی عکاسی به روستای «گێڵێکه‌ران» ثبت شده بودند.
این نمایشگاه با استقبال چشمگیر بازدیدکنندگان همراه‌بود.
لازم به ذکر است که هرساله کلاس‌های آموزشی بسیاری توسط کانون فرهنگی-هنری «ڤه‌ژین» برپا می‌شود و کارگاه عکاسی امسال علی‌رغم آتش‌سوزی عمدی «ڤه‌ژین» مانند کلاس‌های دیگر برپا شده و خللی در برپایی کلاس‌ها به وجودنیامد.

تلاش برای از بین بردن منطقه حفاظت‌شده شاهو و کوسالان

درحالی‌که در تمام دنیا کشورها در حال تلاش و صرف هزینه برای حفاظت از زیست‌بوم‌های باارزش و غنی خود هستند اما این قضیه در کوردستان برعکس شده است. کانال تلگرامی نماینده محترم مریوان در مجلس شورای اسلامی افتخار گونه از تلاش برای کاهش منطقه حفاظت‌شده شاهو و کوسالان خبر می‌دهد چراکه ایشان معتقدند محیط ایست مانع توسعه اورامانات شده است. ازآنجاکه تلاش‌ها برای احداث جاده روستایی روار به عباس‌آباد در تنها زیستگاه باقی‌مانده پلنگ در منطقه حفاظت‌شده شاهو بعد از چندین و چندین بار پیگیری به دلیل امکان ایجاد تخریبت گسترده در داخل منطقه حفاظت‌شده بارها از سوی سازمان محیط‌زیست رد شده است اما باز باروی کارآمدن دولت جدید تلاش‌های مجددی از سوی نماینده برای این تخریبت و بیشتر از آن یعنی کاهش سی‌درصدی منطقه حفاظت‌شده شاهو و کوسالان در حال جریان است که بی‌شک این رویه نمی‌تواند خبرهای خوبی برای سرزمین اهورایی کوردستان باشد.
طبق گزارش‌های رسیده به دفتر انجمن سبز چیا در اوایل پاییز سال جاری با برگزاری جلسه‌ای در اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان کوردستان تلاش‌ها برای نابودی بیست هزار هکتار از منطقه حفاظت‌شده شاهو و کوسالان آغازشده و حتی این درخواست به سازمان حفاظت محیط‌زیست ارسال‌می‌شود.
منطقه حفاظت‌شده، یکی از مناطق چهارگانه حفاظت محیط‌زیست ایران می‌باشد محدوده‌ای از منابع طبیعی چون جنگل، مرتع و ... است که به جهت ضرورت حفظ و تکثیر جانوران و رستنی‌هایش تحت حفاظت قرار دارد و در آن قطع درختان و تخریب و شکار بدون مجوز ممنوع می‌باشد. این مناطق باهدف حفظ و احیای رویشگاه‌های گیاهی و زیستگاه‌های جانوری انتخاب می‌شوند و اهمیت بالایی در حفظ و نگهداری زیست‌بوم‌های باارزش جهت نسل حاضر وآینده دارد.

حدود ۱۵۰ منطقه حفاظت‌شده در ایران وجود دارد و میانگین کشوری حدود ۱۲ درصد از اراضی هر استان را شامل می‌شود که استان کوردستان باوجود عرصه‌های پهناور و تنوع زیستی غنی این آمار متأسفانه پایین‌تر از میانگین کشوری است و در حدود ۹ درصد با مساحت حدود ۲۶۶ هزار هکتار می‌باشد. یکی از این مناطق، منطقه کوسالان و شاهو طی مصوبه شماره ۳۰۳ شورای عالی محیط‌زیست (کمیسیون زیر بنائی دولت) در سال ۱۳۸۸ به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده به مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست پیوسته است. این منطقه با وسعت حدود پنجاه‌وهشت هزار هکتار در کوردستان حدفاصل شهرهای سروآباد، مریوان و کامیاران و هم‌مرز با کوردستان عراق واقع‌شده است. در این منطقه بیش از هزار گونه گیاهی و جانوری از پرنده، پستاندار، خزنده و ... شناسایی‌شده است. از گونه‌های شاخص جانوری می‌توان به سیاه‌گوش، کل و بز، خرس قهوه‌ای، پلنگ، کرکس، هما، عقاب طلائی و سمندرآتشین‌اشاره‌کرد.
تعارضات و تهدیدهای منطقه با آبگیری سد داریان اکنون بیش از همیشه به جان شاهو و کوسالان افتاده و خبر درخواست برای کاهش منطقه حفاظت‌شده تا از طریق آن بتوان مجوز تخریبت گسترده جاده‌سازی و سدسازی گرفته شود همه دوستداران طبیعت و سرزمین اهورایی را نگران کرده است و بدین‌وسیله انجمن سبز چیا هم‌صدا و در کنار بومیان این منطقه ضمن اعتراض به هرگونه تخریب و تلاش برای کاهش منطقه حفاظت‌شده شاهو و کوسالان از مسئولین محترم ازجمله نماینده محترم مریوان و سروآباد در مجلس و اداره کل حفاظت محیط‌زیست کوردستان درخواست می‌نمایند که تلاش برای کاهش منطقه حفاظت‌شده را کنار بگذارند چراکه کاهش بیست هزار هکتاری این منطقه که طبق شواهد و گزارش‌ها ارتفاعات تته" تا ارتفاعات "هه وار ده ره ویان" در نزدیکی روستای سلین و بلبر را شامل می‌شود (بی‌شک از بخش‌های باارزش منطقه شاهو و کوسالان است) صدمات و تبعات جبران‌ناپذیری زیستی، فرهنگی و اجتماعی را به همراه خواهد داشت. در پایان لازم است اشاره‌کنیم وجود مناطق حفاظت‌شده در هر سرزمینی به‌راحتی می‌تواند موجبات توسعه انواع بخش‌های زیست‌محیطی، آموزشی، اکو توریسم، فرهنگی و... را فراهم نماید چرا در این مسیر قدم برنمی‌دارید؟ آیا سد داریان با تخریبت گسترده و صدمات جبران‌ناپذیری که به منطقه وارد کرد توانست سهمی در توسعه اورامان داشته باشد؟

کولبری به‌مثابه‌ی بحرانی انسانی

■ وریا تاسه
کارشناس ارشد حقوق بشر

■ مقدمه

کولبری مدلی از نقض فاحش حقوق بشر است که از جنبه‌ی نوع‌دوستی این قضیه آن‌قدر بُرنده و غیرانسانی است که بحث از آن انسان را به تفکر عمیقی وامی‌دارد، شاید بتوان آن را یکی از هزار بحران انسانی خاورمیانه دانست که سه دولت ایران، عراق و ترکیه در مرزهای خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر آن می‌باشند، کولبر و کاسب‌کار مرزی با توجه به آنچه در مرزهای ایران با عراق و ترکیه رایج است کسی است که باری را با کول خود یا از طریق حمل با حیوانات باربر از کشوری به کشور دیگر خواه به‌صورت قانونی و مدیریت‌شده (بازارچه‌های مرزی) و خواه از طریق راه‌های غیرقانونی وارد می‌نماید. این پدیده شاید قدمت طولانی نداشته باشد اما با توجه به وضعیت اقتصادی مردم شدت آن در مناطق مختلف ایران متفاوت است، با توجه به هم‌مرز بودن کردستان ایران (ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی) با عراق و ترکیه شمار زیادی از کولبران در این مناطق ساکن و متأسفانه از این طریق طاقت‌فرسا و غیرانسانی مشغول به امرارمعاش می‌باشند. کولبری با توجه به وجهه‌ی غیرانسانی و غیرقابل‌دفاع آن هیچ‌یک از معیارهای شغل و کار را ندارد، اگر شغل را با لنزی حقوق بشری، وضعیتی تعریف نماییم که انسان از روی اراده و اختیار خود اقدام به انتخاب آن می‌نماید کولبری آخرین امید و آخرین انتخاب سخت و صعب بخشی از ساکنان مناطق مرزی است که هر تلاشی برای سازمان‌دهی و ترویج این فرهنگ بزرگ‌ترین خیانت انسانی در حق ساکنان این مناطق است. هر شغل و حرفه‌ای باید بتواند محرک خلاقیت و توانایی فرد باشد، کار و حرفه‌ای که انسان را تحقیر نماید و زمینه‌ی شکوفایی استعدادهای وی را فراهم ننماید نمی‌تواند کاری انسانی و رضایت‌بخش باشد و در چهارچوب هیچ-کدام از اسناد حقوق بشری جای نمی‌گیرد. این نوشتار با نگاهی حقوق بشری در تلاش برای انگشت نهادن بر نقض‌های مرتبط با این بحران انسانی است و در تلاش است تا حقوق بشر کولبران و کاسب‌کاران مرزی را موردبررسی قرار دهد، نویسنده به‌هیچ‌عنوان تمایلی به معرفی و شناساندن کولبران و کاسب‌کاران به‌عنوان قاچاقچی ندارد و هرگونه تلاش برای سازمان‌دهی و ترویج کولبری را تلاشی غیرمسئولانه و غیرقابل‌دفاع می‌داند و دلایل خود را در ادامه مطرح و از این پیش‌فرض خود نیز دفاع می‌نماید.

کولبران و حق آزادی کار و معیشت

بدون شک کسانی که مشغول کار طاقت‌فرسا و غیرمنصفانه‌ی کولبری و سایر اشکال آن در مرزها می‌باشند، از طرفی آزادی آن‌ها برای انتخاب و اشتغال به کار موردنظرشان نادیده گرفته‌شده و از طرف دیگر حق برا حترام به کرامت ذاتی حین انجام کار، شرایط مطلوب کار، مزد کافی و... نادیده و اشکالی از استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها دیده می‌شود، اعلامیه جهانی حقوق بشر ازجمله ماده ۳، ۲۲، ۳۲ بر حق زندگی، آزادی و امنیت افراد تأکیددارند، همچنین مطابق مفاد این مواد کار باید رشد و نموی آزادانه‌ی شخصیت انسان را فراهم نماید و آزادی انتخاب شغل و منع کار اجباری در کانون توجه اعلامیه جهانی است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان بازوی اجرایی و نظارتی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در تفسیر عمومی شماره ۸۱ خود (tnemmoC lareneG) از ماده ٦ میثاق، حق کار را برای سایر حقوق بشری ضروری می‌داند که جزئی جدانشدنی از کرامت ذاتی انسان را تشکیل می‌دهد، هرکس باید بتواند کار کند اما کاری که امکان زندگی توأم باکرامت انسانی را فراهم نماید، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید می-کند که حق بر کار به حیات فرد و خانواده وی کمک می‌کند و انتخاب آزادانه نیز در توسعه و رشد فرد و شناسایی او در جامعه تعیین‌کننده است، مزدی که از کولبری نصیب کولبران می‌گردد بسیار ناچیز است و کفاف معیشت آن‌ها را نمی‌کند، پس خارج از غیرقابل‌دفاع بودن کولبری به‌مثابه شغل و حرفه این وضعیت کولبران از جهات حقوق و مزایا غیرمنصفانه و مخالف شئون انسانی آن‌ها می‌باشد. با توجه به بیمه نبودن کولبران و نبود امنیت کاری دفاع از حقوق کار قابل‌پیگیری و مطالبه برای این قشر نمی‌باشد، مقاوله نامه شماره ۲۲۱ سازمان جهانی کار که در رابطه با سیاست اشتغال است، اشاره به اشتغال کامل، مولد و آزادانه دارد و تأکید می‌کند که حق بر انتخاب آزادانه کسب‌وکار اهمیت تعیین‌کننده‌ای در تضمین سایر حقوق افراد دارد که بستر و شرایط آن باید از جانب حاکمیت تأمین گردد تا زمینه‌ی روی آوردن افراد به کولبری در مرزها کاهش و در درازمدت از بین برود؛ اما ظاهراً حق انتخاب آزادانه شغل برای کولبران و میلیون‌ها انسان در سراسر جهان همچنان در افقی دوردست قرار دارد.

کولبری و استثمار

مزد و شرایط منصفانه و رضایت‌بخش شغلی که فرد بتواند از طریق آن زندگی خود و خانواده‌اش را مطابق شئون انسانی بچرخاند در اعلامیه جهانی (ماده ۳۲) و سایر اسناد مورداشاره قرارگرفته است، امری آشکار است که اکثر کسانی که به پیشه‌ی کولبری و کار در مرزها مشغول می‌باشند از طبقات پایین و قشر بی‌بضاعت اجتماع می‌باشند که در نبود موقعیت شغلی مناسب تن به کولبری داده‌اند، با واکاوی این مسئله و تحلیل جریان قدرت (قدرت اقتصادی) آشکار است که در عمق نابرابری‌های حاکم بر روابط کولبر و تاجران مرزی استثمار این گروه بیداد می‌کند، رنج و مشقتی که نصیب کولبران می‌گردد هرگز با مزد و سودی که نصیب کولبران می‌شود برابر نیست، در بطن روابط کولبر و تاجر استثماری نهفته است که بیکاری حاکم بر مناطق کوردنشین آن را کمرنگ کرده است، استثمار در روابط کولبر و تاجر به شکلی است که بیشترین سود برای تاجر همیشه بیشترین مشقت را برای کولبر به همراه داشته و بیشترین مشقت کولبران همراه با مزد و منفعت بیشتر برای آن‌ها نبوده، کولبران به‌هیچ‌عنوان نقشی در تعیین میزان دستمزد خود نداشته‌اند و همیشه دستمزد آن‌ها تابعی از خیل عظیم بیکاران بوده است، پس استثمار و بهره‌کشی متأسفانه امری آشکار است که باز روابط نابرابر قدرت اقتصادی، حاکم بر این مسئله بوده و می‌باشد. روابط نابرابر کولبر و تاجر زمینه استثماری را فراهم نموده که موجب مزد کم، فقدان امنیت و تحمل مشقت و سختی‌های متعدد گردیده است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر شماره ۸۱ از ماده ٦ میثاق از حقوق کار، اشاره به کار آبرومندانه دارد، کمیته تأکید دارد که کار باید آبرومند باشد و بتواند حقوق بنیادین انسانی و حقوق کارگران در زمینه شرایط ایمنی کار و دستمزد را محترم بشمارد، کمیته کار آبرومند را درگرو تأمین حقوق بنیادین فرد و خانواده وی می‌داند که باید ضامن تمامیت جسمی و روحی کارگر باشد؛ و مشارکت افراد در اقتصاد غیررسمی را نیاز به ادامه حیات می‌داند نه یک انتخاب آزادانه افراد.

کولبری و حق حیات

حق حیات کولبران هم در رابطه با تأمین حداقل‌های معیشتی و تأمین نیازهای اولیه و هم در رابطه با حیات جسمی و جانی آن‌ها قابل‌تحلیل است. فارغ از تعهد دولت بر حمایت و ایفاء حق بر کار و معیشت، لزوم حمایت از حق حیات جانی و جسمانی افراد امری آشکار و بدیهی است، حق حیات حقی بنیادین است که سایر حقوق در سایه‌ی آن رشد و نمو می‌کنند، حق حیات در اسناد حقوق بشری از حمایتی مطلق برخوردار است، یعنی هیچ‌کس تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند این حق را تعلیق یا از افراد سلب نماید، اگر حق حیات محترم شمرده نشود دیگر حقوق و آزادی‌ها معنا ندارد، پس کشتن کولبر به بهانه‌ی حفظ امنیت و آزادی شهروندان و برای حفظ امنیت و آسایش مرزها حتی در شرایط اضطراری غیرقابل‌توجیه است، همیشه حاکمیت در برخورد با کولبران و کاسب‌کاران مرزی در تلاش بوده تا میان کولبران دارای مجوز رسمی و کولبران بدون مجوز تفاوت قائل گردد، اما باید هوشیار بود این مسئله که کولبری از یک بازارچه‌ی قانونی اقدام به حمل کول نموده یا از یک مرز غیرقانونی از اهمیت لزوم توجه به‌حق حیات نمی‌کاهد، پس در هر حالت جان و حیات کولبر مصون از تعرض می‌باشد و تمام تلاش نیروهای انتظامی و پلیس باید در راستای توقیف و بازداشت افراد باشد نه هدف قرار دادن و شلیک به آن‌ها. کمیته حقوق بشر که ناظر بر کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد بی‌تفاوتی دولت نسبت به کسانی که حق حیات افراد را هدف قرار می‌دهند، نقض حق حیات می‌داند، خواه قانونی در رابطه با مجازات افراد موجود باشد یا موجود نباشد، کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ٤١ ماده ٦ میثاق به لزوم

حمایت کیفری دولت از افراد در برابر سلب خودسرانه حیات از جانب سایر اشخاص اشاره می‌کند و همچنین به لزوم جلوگیری از کشتار افراد از جانب نیروهای نظامی دولتی تأکید می‌کند. این واقعیت باید برجسته گردد که اساساً حق حیات با هیچ‌کدام از حقوق و آزادی‌های دیگر تداخل یا تزاحم ندارد و در رویکرد اسناد حقوق بشر، حقوق و آزادی‌هایی همچون امنیت ملی، امنیت اجتماعی، امنیت فردی دستاویزی برای نادیده گرفتن این حق نمی‌باشد، شلیک به کولبران به بهانه پاسداری از امنیت مرزها هیچ توجیه حقوقی و قانونی در اسناد بین‌المللی ندارد، اما مطابق قوانین ایران در مواردی استثنایی دست مأموران برای شلیک تحت شرایط خاصی باز است، اما برداشت رایج در این رابطه این است که شلیک نباید برای سلب حق حیات افراد باشد بلکه باید شلیک آخرین تدبیر نیروهای انتظامی باشد و نهایت تلاش برای متوقف کردن کولبران و کاسب‌کاران باشد. خارج از لزوم تأمین حق حیات جسمی و جانی توجه دولت به تامین حداقل‌های زندگی و رفاهی افراد از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا ارتباط مستقیمی با حق حیات انسان دارد.

توسعه‌ی اقتصادی یا توسعه‌ی کولبری؟

حق توسعه‌ی اقتصادی یکی از حقوق بشری است که پیش‌شرط احترام به سایر حقوق بشری می‌باشد، توسعه‌ی اقتصادی در سایر بخش‌های اقتصادی یکی از راه‌حل‌های مقابله با بحران انسانی کولبری در مناطق کردنشین می‌باشد، با توجه به مواردی که مورد اشاره قرار گرفت، کولبری اساساً یک بحران است و بحران نباید موردحمایت و توسعه قرار بگیرد، بلکه باید زمینه ریشه‌کن کردن آن فراهم گردد، پیشه‌ای که هیچ‌کدام از استانداردهای جهانی کار و معیشت را در خود نداشته باشد غیرقابل‌دفاع و غیرانسانی می‌باشد. باید فعالین مدنی و مدافعین حقوق کارگران و کولبران گفتمانی را در پیش بگیرند که در تلاش برای زدودن این پیشه‌ی غیرانسانی باشد، تضاد و پارادوکسی حقوقی و انسانی است اگر به نام دفاع از حقوق کولبران تلاش نماییم تا کولبری سازمان‌دهی گرد. گفتمانی که در تلاش برای سازمان‌دهی کولبری و کولبران برای تداوم این پیشه است در حال فرهنگ‌سازی در این زمینه است، باید هوشیار بود زیرا کولبری فرهنگ خاص خود را ایجاد می‌کند، فرهنگی که شیوه خاصی از زندگی را می‌طلبد که به‌جز استثمار و بهره‌کشی و فقر و فلاکت بیشتر، خروجی‌ای ندارد، توسعه و سازمان‌دهی کولبری بزرگ‌ترین خیانتی است که به کولبران و فرزندان و نوه‌های آینده می-گردد، فرهنگ کولبری نباید بیش از این گسترش یابد، هیچ منطق و عقلانیتی قبول نمی‌کند در مرزهایی که ماشین به‌راحتی رفت‌وآمد می‌کند اسباب و کالاها با کول افراد حمل گردد، مگر عقلانیتی که هیچ برنامه و هیچ راه‌حلی برای حل بحران بیکاری در این مناطق نداشته باشد. دولت و نهادهای وابسته باید از طریق توسعه و ترغیب اشتغالی انسانی و آبرومند به جنگ با بحران کولبری بروند. تلاش برای ترویج و سازمان‌دهی کولبری و کولبران مرزی هیچ کمکی به رفع نابرابری‌های اقتصادی و تبعیضی که در حق کولبران روا داشته شده نمی‌نماید و همچنان به تشدید و بازتولید این نابرابری دامن می‌زند.

تعهدات دولت در قبال بحران کولبری

در رابطه با تعهدات دولت در قبال حقوق رفاهی دیدگاه رایج و کلی این است که تعهد دولت در قبال حقوق افراد در مواردی تعهد به‌وسیله و در مواردی تعهد به نتیجه می‌باشد. تعهد به‌وسیله؛ تضمین تدریجی و مستمر حق کار است که همان‌قدر از دولت انتظار می‌رود که امکانات، ظرفیت‌ها و منابع وی همراهی می‌کند، تضمین تدریجی حق کار در این موارد بیشتر مشتمل بر برنامه‌های بلندمدت می‌باشد؛ اما تضمین و تعهد به نتیجه بیشتر در قالب تعهدات فوری دولت و نیازمند اقدامات جدی و کوتاه‌مدتی جهت حل بحران و تضمین حقوق کار است، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رابطه با تحقق تدریجی در تفسیر عمومی خود اشاره دارد که تحقق تدریجی نباید به‌طوری تفسیر گردد که در گذر زمان تعهدات دولت نادیده گرفته شود بلکه باید با شتاب و کارایی ممکن برای تضمین این حقوق گام برداشته شود، مطابق اسناد حقوق بشری به‌طور خلاصه دولت در قبال کولبران و کاسب‌کاران مرزی متعهد به تأمین حقوق کار برای آن‌ها فارغ از هرگونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، زبان، ملیت و قومیت... و تأمین فرصت‌های برابر در عمل می‌باشد و دو سطح از تعهد در رابطه با تضمین حقوق کار برای کولبران و کاسب‌کاران مرزی مطرح است که باید موردحمایت قرار بگیرد:

۱. تعهد به احترام

۲. تعهد به حمایت و ایفاء

تعهد به احترام دولت به معنای عدم‌مداخله دولت و تأمین آزادی افراد برای انتخاب شغل و حرفه دلخواه می‌باشد، یعنی دولت باید با تسهیل شرایط به انتخاب شغل و حرفه افراد احترام بگزارد. تعهد به احترام در ذات خود به معنای پرهیز از هر اقدامی که منجر به تبعیض و رفتار نابرابر در بخش‌های عمومی و خصوصی با افراد و گروه‌های محروم و در حاشیه می‌شود یا باعث تضعیف سازوکارهای حمایت از چنین افراد و گروه‌هایی می‌گردد. این تعهد تعهدی منفی است و دولت صرف عدم‌مداخله تعهد به احترام را اجرا نموده است. تعهد به ایفاء متضمن تسهیل، تأمین و ترویج حقوق کار برای کولبران و ساکنان مناطق نوار مرزی می‌باشد، این تعهد دولت تعهدی گسترده در حوزه‌ی تقنینی، اداری و تخصیص بودجه و حتی حمایت قضایی و غیره می‌باشد که این سیاست باید در راستای زدودن پیشه کولبری و حمایت در سایر بخش‌های اقتصادی باشد که نیازمند انجام اقدامات ایجابی و مثبت می‌باشد. تعهد به حمایت در حق کولبران نیازمند ارائه بدیلی مناسب برای پیشه کولبری می‌باشد و نیازمند گام‌هایی جدی برای اجتناب افراد از این پیشه می‌باشد که گامی ایجابی در تضمین کار و پیشه‌ای آبرومند است، امری آشکار است که بیشتر کولبران در مناطق کردنشین ایران مشغول به این پیشه‌ی می‌باشند، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فارغ از تعهدات کلی دولت در قبال حق کار اشاره به تعهدات حقوقی خاصی در قبال گروه‌های محروم، زنان، جوانان و اعضای اقلیت‌ها و کارگران مهاجر دارد و دولت‌های عضو را به لزوم مبارزه با تبعیض و فراهم نمودن دسترسی برابر افراد به کار فرامی‌خواند.

درنهایت با سیر در اسناد حقوق بشری و رویه و تفاسیر این اسناد امری بدیهی است که کولبری پیشه‌ای غیرانسانی، طاقت‌فرسا و خالی از معیارهای جهانی کار می‌باشد و افراد و قربانیان این پیشه درنهایت بیکاری، ناامیدی از اشتغالی ایمن و آبرومند روی به آن آورده‌اند و با توجه به شاخص‌ها و معیارهای کار آبرومندانه که در اسناد مورداشاره قرارگرفته است، این پیشه در ذات خود یک بحران است که نیازمند راهکاری جدی و فوری می‌باشد و اساساً دفاع از این پیشه و تلاش‌های صورت گرفته برای سازمان‌دهی و سمت‌وسو دادن آن کاری غیرمسئولانه و نادرست است و هر تلاشی در این زمینه مساوی با ترویج فرهنگ فقر و فلاکت است که با هیچ معیاری انسانی و حقوق بشری همخوانی و سازگاری ندارد، حل این بحران نیازمند حذف تدریجی کولبری و اتخاذ تصمیمات جدی برای تأمین امنیت انسانی به‌طورکلی و امنیت اقتصادی به‌طور خاص در نوار مرزی و مناطق کوردنشین می‌باشد.

نقش نمایندگان مجلس در تغییر نگرش مقامات به کوردستان

■ تحسین مصطفی

■ مجلس به‌عنوان دستگاه قانون‌گذاری بالاترین نقش را در سیاست‌گذاری کلان کشور دارد. بخشی از نگرش متقابل مردم و نهادها، افراد جامعه به یکدیگر از سیاست‌گذاری‌های مجلس نشائت می‌گیرد.

تفاوت فاکتورهای ناسیونال طبیعی و تاریخی ملت کورد با سایر ساکنین ایران از بدیهیات انکارناپذیر است که بعد از شکل‌گیری دولت ملت رضاخانی این تفاوت‌ها توسط نهاد مجلس با اعمالی از قبیل تخلف سید حسن امامی رئیس مجلس شورای ملی و انتخابش به‌عنوان نماینده مهاباد به‌جای صارم الدین صادق وزیری که رأی مردم را کسب کرده بود تفاوت‌ها را برجسته نموده و این تفاوت‌ها که ازنظر جامعه شناسان فرصت تلقی می‌شوند به تبعیض تبدیل شد و تفاوت‌ها را به‌جای استفاده بهینه دستمایه شکل دادن تخاصم کردند و این مخاصمات تا جایی پیش رفت که به بن‌بست دیپلماتیک کوردها با دولت دوم پهلوی برای تبدیل شد و دولت پهلوی به پیمان خود با کوردها پایبند نماند تا جایی که ماندن در چهارچوب سرزمینی ایران برای کرده آن‌چنان ناامیدکننده بود که کوردها چاره‌ای بهتر از اعلام استقلال برای خود متصور نبودند. دولت پهلوی از انحلال جمهوری کوردستان بر توافقات مبنای انحلال پایبند نماند با روند دامن زنی به اختلافات و تبعیض علیه کوردها بازهم کوردها در چهارچوب سرزمینی ایران باقی ماندند تا جایی که در سال ۷۵ برای پایان بخشیدن به این تبعیضات در انقلاب مشارکت فعال نمودند با این امید به که ملل ایران مساوی و برابر باشند اما در بادی امر مذاکرات کوردها با دولت‌های بعد از انقلاب یکی پس از دیگری شکست خورد و درگیری‌های خونین بین کوردها و دولت مرکزی شکل گرفت هرعقل سلیمی بر این مسئله واقف بوده که جنگ راه‌حل نیست و باید آن را کنار گذاشت اما کنار گذاشتن جنگ در هیچ مقطعی بدون امید انجام نمی‌پذیرد در آن مقطع هم یقیناً کوردها به اصل نوزدهم قانون اساسی امیدوار بوده‌اند و هنوز هم هستند چون ذات و بیان اصل بی‌عیب است و عدم تحقق آن به خود اصل برنمی‌گردد بلکه مهم‌ترین عامل اجرایی نشدن این اصل سیاست‌گذاران می‌باشند.

در عمل کوردها سال‌هاست طبق یک قانون نانوشته صلح و تعامل با دولت مرکزی را برگزیده‌اند و آن را بهترین راه می‌دانند و سال‌هاست در انتخابات به کسانی رأی می‌دهند که داعیه اجرای این اصل را دارند اگرچه همه مسئولین ادعا می‌کنند که این اصل را تمام و کمال اجرا کرده‌اند ولی در عمل شاهد اتفاقات مخالف این اصل هستیم به‌هیچ‌عنوان قصد ندارم که مسئولین مرکزی دولت ایران را مبرا کنم چون مشکل اصلی اجرا نشدن این اصل به‌طور کامل نگرش آن‌هاست. مهم‌ترین ایراد هم ایرادی است که بر سازوکار تائید نامزدهای نامزدی مجلس وارد است که در این نوشته جای تشریح آن نیست البته بارها این موضوع توسط اهل خبره تشریح شده است. افراد تائید کننده

بر اساس ساختار حقوق اساسی فقط و فقط کسانی را تائید می‌کنند تا مردم انتخاب کنند که هم‌فکر خودشان باشند نه هم‌فکر عامه مردم درواقع اگر ملاک توانایی و شایستگی واقعی افراد باشد و افراد شایسته تائید صلاحیت شوند ابداً چنین کسانی را که تا اکنون انتخاب شده‌اند انتخاب نخواهند کرد البته به‌جز تعدادی از نمایندگان مجلس ششم

طبیعی است چنین نمایندگانی توان تغییر نگرش مسئولین مرکزی به ملت کورد را ندارند و حتی به نظر نمی‌رسد جرئت بحث در این مورد را نیز به خود بدهند چون بحث اولا قدرت تفهیم چنین پارادیم های پیچیده‌ای را ندارند در ثانی در مورد تائید صلاحت دور بعدی‌شان ریسک نخواهند کرد. قضیه به همین‌جا ختم نمی‌شود نمایندگان مجلس باقدرت سازمانی خودشان مانع اعتلای افراد شایسته کورد در پست‌های اجرایی خواهند شد چون چنین افرادی را تهدیدی جدی برای انتخاب دور بعدی خود می‌دانند و فقط اعتلای معدود افراد دوروبری خود که مورد وثوقان هستند و جایگاهشان را تهدید نمی‌کنند را در دستور کار خود قرار می‌دهند جالب است در این زمینه رقابت هم می‌کنند برای مثال اگر نماینده قبلی از ده نفر از تیم خود برای کسب کسوت مدیریت حمایت کرده باشد، بعدی تلاش می‌کند رکوردش را بشکند. از افراد بر مبنای کسب پایگاه آرا جدید در دور بعد حمایت خواهند کرد نه شایسته‌سالاری و ایجاد تغییر از قاعده جامعه به رأس. به‌نوعی حمایت‌شدگان را مدیون و وام‌دار خود می‌کنند که از منویات آن‌ها خارج نشود و هر نوع کار مثبتش به‌حساب نماینده واریز شود. ابداً در دستگاه‌های اجرایی به افراد غیرهم‌فکر خود اجازه رشد نمی‌دهند. نمایندگان مجلس کردستان در تائید افراد برای پست‌های مدیریت تا جایی پیشرفته‌اند که این تأییدیه و رد کردن‌ها را برتر از وظیفه قانون‌گذاری خودفرض می‌کنند.

گواه این مدعا نبود حتی یک قانون است که نمایندگان کردستان پایه‌گذار طرح آن بوده باشند که سبب رفاه و توسعه کردستان و ایران شده باشد یا تغییر نگرش مسئولین را سبب شده باشد. تغییر نگرش مسئولین با آوردن وزیر یا معاون وزیر برای یک ساعت به استان کوردستان حل نخواهد شد. همچنین ترتیب دیدار نزدیکان با مسئولین رده‌بالای نظام نمی‌تواند نگرش نامناسب مسئولین به کوردستان را تغییر بدهد اگر این‌گونه بود در حال حاضر اکثریت مدیران کل، فرمانداران کوردستان غیربومی نبودند. اگرچه در ظاهر اوضاع زیاد تغییر کرده اما این‌گونه نیست و نگرش مرکز به ملت کورد سنی چه‌بسا بدتر نیز شده است و تا جایی پیش رفت است که مولوی عبدالحمید به رهبری نامه نوشتند. تقصیر تنها از مسئولین مرکزی نیست بلکه نمایندگان مجلس فعلی و سابق هم در این زمینه مقصرند. چیزی که نگران‌کننده است نمایندگان فعلی نوعی جدید نگرش منفی خاصی را در مدیران کلان کشور به وجود آورده‌اند که بسیار خطرناک است این نوع نگرش منفی که نمایندگان مجلس بانی آن هستند نبود افراد توانا در میان ملت کورد که توانایی مدیریت پست‌های کلان کشور را داشته باشد همچنین ایجاد شکاف و اختلاف میان طیف تحصیل‌کرده و روشنفکر برای ایجاد بی‌اعتمادی دولت نسبت به روشنفکران کورد و فراهم نمودن زمینه محول نمودن پست‌های مدیریت استان به افراد غیربومی تا مبادا فردی بومی در پست مدیریت توانش اثبات شود و تهدیدی برای نمایندگان باشد. لازم به ذکر است اگر مسئولین بالادستی کشور به تجربه مدیریتی کوردها ایراد وارد کنند مقصر نمایندگان مجلس هستند که از مدیریت میانی و جزئی کوردها حمایت نمی‌کند در برای برعهده‌گرفته سمت‌های کلان تجربه کسب کنند و مراتب ترقی را طی کنند.

ئازاری جنسی منداڵان

■ خەلیل خاوەریان

ئازاری جنسیی منداڵ، بریتییە لەوەی کە کەسێکی گـەورە و بـاڵـق لـە بـەر هەبوونی هێز و کنترۆڵی زیاتر بە سەر منداڵانەوە بتوانێ دەسدرێژیی جنسی بکاتە سەریان. لاوازتـریـن بـوونـەوەر لە ڕووی پاراستن لە بەرانبەر توندوتیژییەوە منداڵان، بە تایبەت ئەگەر توندوتیژیی جنسی بێت. لـەپـۆل(لمـس) کردنی ئەندامی جنسیی منداڵ، چ بە شێوەی ڕووت یان شـاراوە، یان هاندانی منداڵ بـۆ ئەنجامدانی ڕەفـتـاری جنسی و هەروەها ئەنجامدانی هەر کردەوەیەکی جنسی لە پێش چاوی منداڵ و کەڵک وەرگرتن بۆ کـاری پورنۆگرافی، ئەمانە هەمووی لە چوارچێوەی ئازاری جنسیی منداڵاندا جێگیر دەبـن. پێویستە ئەوە بزانرێ کە توندوتیژیی جنسی بۆ سەر منداڵ، هەمیشە تەنها جەستەیی نییە؛ بەڵکوو منداڵ ناچار کردن بۆ ناو هەر چوارچێوەیەک کە پێوەندی بە بابەتی جنسییەوە بێت، خۆی تووندوتیژی یان ئـازاری جنسییە. ئـازار و دەسدرێژیی جنسی بۆ سەر منداڵان زۆربـەی کات شـاراوەیـە، بـەڵام زۆر کـات لـە ڕووی هەڵسوکەوت و ڕەفتاری منداڵەوە ئەتوانین ئاگاداری ئەوە ببین کە منداڵ ڕووبەڕووی دەسدرێژیی جنسی بووەتەوە. زۆرێک لە منداڵان بە هۆی شەرم و هەروەها ترس لە گەورەکان و ئەو کەسەی کە دەسدرێژیی جنسی کردووەتە سەریان، ناوێرن دەری بخەن کەوا بە شێوازێک ئازاری جنسییان بینیوە و لە بـاری دەروونییەوە تووشی ناڕەحەتی و بێ متمانەیی بە گەورەکان ئەبن.

بەپێچەوانەی بـاوەڕی گشتی، کە وا هەست ئەکەن تەنها کچان ڕووبـەڕووی تووندوتیژیی جنسی ئەبنەوە، مەترسیی جنسی هەمیشە وەک هەڕەشەیەک بەسەر منداڵانەوە هەیە، چ منداڵی کچ و چ منداڵی کوڕ. لە زۆر حاڵەتدا دەسدرێژیی جنسی بۆ سەر کچان ئاشکرا دەکرێت و سکاڵا لە دژی دەسدرێژکەر دەکرێت، یان منداڵە کچەکە بەناوی ماف نەفەوتانەوە ئەکرێتە هاوسەری کەسی دەسدرێژکەر. بەڵام بۆ کوڕان لە بەر ئابڕوو نەچوون و شـەرم کە وەک عورفێکی کۆمەڵایەتی وایە، شاراوە دەمێنێتەوە؛ کە ئەمە خۆی لە بنەڕەتدا هەڕەشەیەکی گەورەیە بۆ سەر کۆمەڵگا، تووندوتیژی بۆ سەر منداڵ، دیـاردەی قـەڕەبـوو نـەکـراوەی لە سەر دەروون، جەستە و ژیانی منداڵ دەبێت و پێویستە بە ساکاری لەم دیاردانە نەڕوانین و هەڵوێستی گرنگ بگرین.

لـە ئـەگـەری ڕووداننـــی هـــەر جـۆرە تووندوتیژییەکی جنسی بۆ سەر منداڵان، پێویستە گەورەکان بە نەرمی و دوور لە تووڕەیی مامەڵە لەگەڵ منداڵە کەدا بکەن. ئاشکرا بوونی دەسدرێژیی جنسی بۆ سەر منداڵ لە گۆمەڵگایەک کە باس کردن لە سێکس و جنسیەت وەکوو شەرم و تاوان سەیر دەکـرێ، بۆ منداڵان زۆر سەختە و منداڵ و لەوانەیە ئەو تووندوتیژییە تا تەمەنی گەورەیی لە ناخی خۆیدا هەڵگرێ. جیاواز لـەوەی کە دەسدرێژیی جنسی بۆ سـەر منداڵان ئەتوانێت ئاسەواری فیزیکی بە سـەر جەستەیەوە دابنێ، ئاسەواری دەروونی زۆر زیاترە و دەرمان و چارەسەریشی گرانترە و ئاستەنگی زیاترە. تێگەیشتن لە هەستی منداڵێک کە ئـازاری جنسی دیوە، زۆر دژوار و گرانە؛ دەسدرێژکەر هێز و کونترۆڵی هەست و فیزیکی خۆی بە سەر منداڵدا زاڵ کردووە؛ هەر بۆیە منداڵ زۆربەی کات بێدەنگە و بەم ئازارەوە ژیان کردن زۆر ئەستەمە .

ئازاردانی جنسی لە لایەن هەر پیاو، ژن، پا گەنجێک و مێرمنداڵێکەوە بۆ سەر منداڵ ئەتوانرێ ئەنجام بدرێت؛ ئەو کەسەی ئـازاری جنسی منداڵ ئەداتم لەوانەیە گـەورەتـر بێ لە منداڵ یـان نزیکترین کەسی منداڵ بێت؛ گرنگ نییە کەسی ئازاردەر لە چ کۆمەڵگا و بە کامە کولتوور و یا خود لە سەر چ بیر و بڕوایەک بێت. پیاوان زیاتر لە ژنـان ئـازاری جنسیی منداڵان ئەدەن و ئەم کەسانە هەر وەک مرۆڤێکی ئاسایی خۆیان نیشان دەدەن و ناسینی ئەم کەسانە زۆر ئاستەمە؛ منداڵ بە باشی ئەو کەسانە ئەناسن و زۆر جار متمانەی تەواویان پێیان هەیە. بەڵام لە بەرانبەر ئازاردانیان بێدەنگ دەبن و ئەو بێدەنگییە بە تاوانباری و هەڵەی خۆیان دەزانن و بەردەوام لە لۆمەی کەسانی تر دەترسن کە دەربکەوێ لە لایەن کەسێکی تروە دەسدرێژی کراوەتە سەریان.

منداڵان لەوانەیە لە لایـەن نزیکترین کەسی خۆیانەوە یـان هـەر کەسێکی تـر کـە سەرپەرشتیی ئـەوان ئەکەن، ئازاری جنسی بدرێن. منداڵە نیسبەت بچووکەکان یان ئەو منداڵانەی لە باری جەستەیی و دەروونییەوە ناتەواوییان هەیە، بە شێوەیەکی ئاسایی زیاتر لە منداڵانی دیکە، ئەگەونە بەر هێرشی ئازاری جنسیی گەورەکانەوە. چونکە ئەوان توانای دەربڕینی ناڕەحەتی و سکاڵایان نییە و بەئاسانی متمانە بە کەسی ئازاردەر دەکەن.

منداڵان بە شێوەیەکی ئاسایی کەسی ئـازاردەر وەکـوو کەسایەتییەکی ئـارام و خـاوەن سۆز دەبینن؛ بەتایبەتی ئەگەر منداڵێک لە کەشێکی ناسالم و پڕ لە ئاڵۆزی و ناشادی بژیەت، دەرحـەق بە هەست و سۆزی کەسی ئـازاردەر دەبێتە منداڵێکی فەرمانبەر و گوێڕایەڵ.

منداڵانێک کە دەبنە قوربانیی ئـازاری جنسیی گـەورەکـان، هەڵسوکەوتیان جـیـاوازتـرە و خـۆیـان لـە بـنـەمـاڵـە و هاوڕێکانیان دوور و گۆشەگیر دەکەن؛ لە خوێندنگاکانیشدا زۆر چالاک نین. هەندێ جار تووشی خەمۆکی دەبن و یا گوێڕایەڵ نین و هاروهاج تر لە منداڵانی دیکە دەردەکەون. لەوانەیە هیچ کام لەم دیاردانەیان تێدا نەبینین و هیچ کات حەز نەکەن لەگەڵ گەورەکان بە تەنیا بن. ئاکامی ئەم جۆرە ئازارنە، لە تەمەنی گەورەسالێدا زیاتر بەرچاوە؛ کاتێ دەکەونە ناو ئەزموونێک وەکوو ژیانی هاوبەشی، کە ڕەفتاری جنسیی خۆیان دەربخەن، ئـەوان ڕەفتاری هاوشێوەی تووندوتیژیی جنسی دەنوێنن و ئـەو منداڵانەی کە دەرگیری ئازاری جنسین، زۆر جار لەگەڵ کێشەکانی خۆیان زیاتر لە چەندین مانگ و ساڵ دەرگیر دەبن.

چۆنیەتی دوور خستنەوەی منداڵ لە ئازاری جنسی:

ـ پێویستە دایکان و باوکان هـەر بەو شـێـوەیـەی ئـەنـدامـە ئاساییەکانی جەستە بە منداڵ دەناسێنن، ئەندامە جنسیەتییەکانیشیان پێ بناسێنن و ئاشنایان کـەن بۆیان و فێریان بکەن کە ئەندامی جنسیی منداڵ، بەشێکی جەستەیی تایبەتی خۆیانە و کەسی دیکە مافی نییە بیانبینێت و دەستیان لێ بدات.

ـ دایکان و باوکان دەبێ منداڵەکانیان فێر بکەن کە لە نێوان ئەوان و منداڵانیان هیچ نهێنییەک لەو بارەیەوە نییە کە بیشارنەوە. منداڵ بەبێ هیچ ترس و دڵەڕاوکێ و دوو دڵییەکەوە بتوانن قسە لەگەڵ دایک و باوکیان بکەن و بۆ هەر بابەتێک چ باش و چ خـراپ، سەخت و ئاسان، شاد یان غەمگین لەگەڵیان ڕاوێژ بکەن.

ـ پێویستە کە دایـکـان و بـاوکـان ئەو شوێنانە باش بناسن کە منداڵەکانیان ئامشۆورەوتی تێدا دەکەن و بە شێوەیەکی هەستیار مامەڵە لەگەڵ ئەو گەورەسالانەدا بکەن کە منداڵانیان پێوەندییان لەگەڵیان هەیە و چاودێریی باشی هەموو لەپۆل کردنێکی گەورەکان بکەن لە منداڵانیان.

ـ نابێت منداڵان لەگەڵ گەورەسالاندا لە ژووری چۆڵ بە تەنیا بن و گەر کەسێکیش وەکوو پەرستار چاودێریی منداڵ دەکات، باشتر وایە هەڵسوکەوت و ڕەفتاری لەگەڵ منداڵەکە ڕەچاو و چاودێری بکرێت.

ـ باشتر وایـە دایکان و باوکان هەر لە سەرەتای تەمەنی منداڵییەوە لە ناو خێزاندا باسی ئازاری جنسی بۆ منداڵانیان بکەن و بتوانن بەئاسانی منداڵانیان لەو دیاردە قیزەونە تێبگەیەنن.

ـ بە شێوەیەکی گونجاو دەبێ پێوەندیی دایک و باوک و منداڵ لە سەر بنەمای هەڤاڵێەتی بێت؛ ئەگەر بە شێوەیەکی ئەستەم و ترساوی باس لە تابۆی جنسی و سکسی لەگەڵ منداڵدا بکرێت، دەرفەتی باس کردنی ئازاری جنسی و هۆشیاری بۆ منداڵ لە دەس دایک و باوک دەردەچێت و ناتوانن باش لە ئازاری جنسیی منداڵانیان لە لایەن کەسانی تروە تێبگەن.

ـ منداڵ دەبێ فێر بکرێت لە ئەگەر داوا کردنی دەسدرێژیی جنسیدا بتوانێ بڵێت «نە» و بزانێت کە ئەندامی جنسی ئەو بەشی نێهێنی و تایبەتی جەستەی خۆیەتی و هەموو کەس ناتوانێ بە هیچ بیانوویەکەوە لەپۆلی ئەو شوێنانەی بکات.

ـ منداڵ نـابـێـت بـە تـەنـیـا لـەگـەڵ گەورەسالان پێوەندی پێک بهێنێ و بچێتە ناو شەقام و ماڵە دروانسێ و هاوڕێکانی و ئەو پێوەندییانە دەبێ لە سەر بنەمای متمانەی تەواو و لە ژێر چاودێریی بەهێزی دایک و باوکی بێت.

چۆنیەتی مامەڵە کردن لە ئەگەری ڕووداننی ئازاری جنسی بۆ منداڵان:

ـ منداڵ دەبێ هەر جۆرە ئازاردانێکی جنسی بۆ سەر خۆی بناسێت و بەبێ نیگەرانی لەگەڵ دایک و باوکی باسی بکات؛ ئەگەر هات و ئازاردانەکە لە لایەن کەسێ لـە ئەندامانی خێزانەکەیەوە بوو، بە شێوەیەکی توند لەگەڵ کەسی دەسـدرێـژکـەر هەڵسوکەوت بکرێ و نەهێڵرێت منداڵەکە ترس لە ناخیدا جێگیر ببێ و دایک و باوکیش بە بێ تووندوتیژی و تووڕەیی، گوێ لە منداڵەکەیان بگرن و دڵخۆشی بدەنەوە لە دووبـارە ڕووداننی ئـەو ئـازارنـە و خۆیان وەکـوو پشتیوانی منداڵەکەیان مامەڵە لەگەڵ ئەو دیاردەیە بکەن.

ـ منداڵی ئـازاردراو دەبـێ لە هەموو بوارێکەوە پشتیوانی لێ بکرێ و هەست بکات کە ئەو هیچ بەرپرسیار نییە لەو ئازارە جنسییەی چێشتوویە.

ـ منداڵ دەبێت لە بنکەی تەندروستیدا لە بواری تەندروستییەوە تاقی کردنەوەی تەواوی بۆ بکرێ و بۆ بەدەستهێنانەوەی تەندروستیی دەروونیشی ببریەتە لای پزیشکی دەروونییەوە.

ـ دایکان و باوکان دەبێت لە گەڵ ئازاری جنسیی منداڵەکانیان، بە دوور لە باوەڕ و نەریتی باوی کۆمەڵگا، مامەڵەیان لەگەڵ بکەن و بەبێ ئەوەی نیگەرانی ئابڕووی خۆیان بن لە دژی کەسی دەسدرێژکەر سکاڵای یاسایی تۆمار بکەن و ئەو کەسە بە پۆلیس بناسێنێت و ناوەندەکانی دادگاە و یاسا نەهێڵن مافی منداڵەکە لەم بوارەدا پێشێل بکرێ.

امپدوکلس
(۴۹۰-۴۳۵)

■ گلریز سلامی

امپدوکلس اهل آکراگاس در قرن پنجم ق.م. می‌زیست و یکی از هواداران سرسخت دموکراسی در آکراگاس بود و به همراه پدرش برای استقرار دموکراسی با اشراف مبارزه می‌کرد. پدرش توانست فرمانروای خودکامه آن شهر را به سال ۴۷۲ سرنگون و حکومت دموکراسی را مستقر کند. گفته می‌شود که حکومت شهر را به امپدوکلس پیشنهاد کردند ولی نپذیرفت. (فلسفه یا پژوهش حقیقت، جمعی از فیلسوفان غربی، سید جلال‌الدین مجتبوی) سیاستمداری بود دمکرات که درعین‌حال داعیه‌ی خدایی هم داشت (تاریخ فلسفه غرب، برتراند راسل ص ۵۹)

امپدوکلس وارث چند گرایش فلسفی بود یکی گرایش دینی – فلسفی فیثاغورسیان و دیگری فلسفه‌ی هراکلیتوس و گرایش سوم مکتب فلسفی القایی به‌خصوص پارمنیدس. (تاریخ فلسفه، فردریک کاپلستون، سید جلال‌الدین مجتبوی، ۷۷)

امپدوکلس اندیشه‌های خود را در دو کتاب به نام درباره‌ی طبیعت» و «پالایش‌ها» به‌صورت منظوم منتشر ساخت (نخستین فیلسوفان یونان، شرف‌الدین خراسانی، ۳۴۳) در فلسفه امپدوکلس نظریه‌ی آرفه ای نفس و فلسفه‌ی طبیعی ایونیایی به هم‌آمیخته‌اند و این آمیزش نشان می‌دهد که چگونه دو شیوه‌ی نگرش کاملاً مختلف به جهان توانسته‌اند در ذهن شخص واحد یکدیگر را تکمیل کنند (پایدیا، ورنر یگر، محمدحسن لطفی، جلد اول، ۲۴۲) امپدوکلس که پارمنیدسی است معتقد است که هیچ عنصری به عنصر دیگر تبدیل نمی‌شود و هر عنصر همان خاصیت هستی پارمنیدس را داراست لذا جهان از چهارعنصر آب، خاک، آتش و هوا ساخته‌شده است؛ یعنی این چهارعنصر همیشه بوده‌اند و هستند (متفکران یونانی ۲۵۱)

اگرچه تالس باور کرده بود که همه‌ی اشیا نهایتاً در اصل آب‌اند و آناکسیمنس همین را در مورد هوا معتقد بود و آنان معتقد بودند نوعی ماده می‌تواند به نوع دیگری از ماده مبدل می‌گردد، لااقل به این معنی که آب خاک و هوا آتش می‌شود، اما امپدوکلس که به طریق خاص خود اصل پارمنیدس یعنی تغیر ناپذیری وجود را تفسیر می‌کرد معتقد بود که یک نوع ماده نمی‌تواند نوع دیگر ماده شود بلکه انواع اساسی و ازلی ماده یا عناصر خاک، هوا، آتش و آب وجود دارند، بنابراین طبقه‌بندی مشهور چهارعنصر اختراع امپدکلس بود (فردریک کاپلستون، ت سید جلال‌الدین مجتبوی ص ۹۴) این عناصر به‌وسیله‌ی مهر باهم ترکیب می‌شوند و درنتیجه‌ی ستیزه از هم جدا می‌گردند، در نظر امپدوکلس مهر و ستیزه مواد اصلی و نخستین هستند که در ردیف خاک و هوا و آتش و آب قرار دارند (تاریخ فلسفه غرب، برتراند راسل، ص ۵۶)

فعالیت عشق و نفرت به طریق گوناگون تصویر شده است (این یعنی رقابت و کشمکش بین آن‌ها) در جمع اندام‌های فانی ظاهر است (تاریخ فلسفه فردریک کاپلستون، ت سید جلال‌الدین مجتبوی، ص ۷۶) چشم از دو عنصر آب و آتش تشکیل‌شده است و در اثر نفوذ عناصر آب و آتش در چشم است که ما اشیاء را می بینیم؛ و ازآنجایی‌که مقدار آب و آتش در چشم فرق می‌کند و یا اینکه جایگاه هر یک در وسط چشم باشد یا در آخر چشم، دیدها فرق دارد، اما شنوایی در اثر آوازهای بیرونی روی می‌دهد هوا که به‌وسیله‌ی آواز به جنبش درآمده است چیزی در گوش ما را تکان می‌دهد مثل زنگ و به صدا درمی‌آید. بو به‌وسیله‌ی بازدم روی می‌دهد و از چیزهای سبک و لطیف بو بیشتر برمی‌خیزد و درباره‌ی چشایی و لامسه همان قانون کلی عبور عناصر هم‌جنس از منفذها را بیان می‌کند، معتقد است که انسان ازآنجایی‌که شروع به کشتار دیگر حیوانات کرده و شکم خود را گورستان حیوانات دیگر کرد مرتکب گناه شده است (پایدیا، ورنر یگر، محمدحسن لطفی، جلد اول، ۲۴۲)

مهم‌ترین کمکی که امپدوکلس به سرمایه‌ی علم کرد این بود که هوا را به عنوان یک ماده جداگانه شناخت، وجود هوا را وی با این آزمایش ثابت کرد که اگر سطل یا ظرف دیگری را وارونه در آب فروبریم آب وارد آن نمی‌شود، امپدوکلس می‌گوید: هنگامی‌که دختری سرگرم بازی با یک ساعت آبی است که از برنج درخشان ساخته شده اگر سوراخ لوله را روی دست زیبای خود بگذارد که آنگاه ساعت را در آب روان سیمگون فروبرد، جریان آب وارد لوله نخواهد شد زیرا مقدار هوایی که درون لوله است و بر سوراخ‌های مسدود فشارمی وارد آب را در لوله راه نمی‌دهد تا آنکه دختر دست خود را از روی سوراخ مسدود بردارد، آنگاه هوا خارج می‌شود و معادل حجم آن آب به درون می‌آید. تاریخ (فلسفه‌ی غرب، برتراند راسل ص ۵۶)

در شکل‌گیری جهان کنونی که عشق در ابتدا در مرکز عالم به‌واسطه‌ی جوهرها از نفرت جدا بود گرد بادی به وجود آورد که جوهرها به‌تدریج به اندرون آن کشیده شدند، از این ترکیب هوا یا اثیر نخستین جوهری بود که به‌واسطه‌ی حرکت جوهری جدا شد و تاق آسمان را تشکیل داد بعدازاین جوهر نوبت به آتش رسید که بلافاصله در زیر هوا جای گرفت، از خاک، آب به‌واسطه‌ی عمل چرخش به بیرون رانده شد و از آب دوباره هوا (هوای جوی پایین‌تر) تبخیر شد. آسمان از دونیمه تشکیل شده است، نیمه‌ای آتشین و نیمه‌ای تاریک که اجزای آتش بر آن پاشیده شده است اولی آسمان روز و دومی آسمان شب. امپدوکلس همانند فیثاغورس خورشید را همچون آینه‌ای دانست که پرتوهای آتش آسمانی را جمع و منعکس می‌کند بدان گونه که ماه در خصوص پرتوهای خورشید عمل می‌کند، این واقعیت که زمین و جهان به نظر امپدکلس جانوران از خاک نشاءت می‌گیرند اما درست همان‌طور که اتحاد جوهرها فقط به‌تدریج به‌وسیله‌ی ((عشق)) تحقق‌یافته، بر همین سیاق بر پیدایش موجودات زنده نیز امپدکلس فرایندی تدریجی به‌سوی موجودات کامل‌تر را مطرح کرد.(کلیات تاریخ فلسفه غرب، ادوارد تسلر ص ۱۰۱،۱۰۰)

کشف چهارعنصر آب، خاک، آتش، هواشناختی پرثمر و در طول زمان همچنان حول محور علم و طبیعت پرثمرتر بوده، امپدوکلس با تفکری چندگانه نشان می‌دهد وجود چهارعنصر یکی از راه‌های شناخت بنیادین طبیعت همچنین جهان هستی است که با اختلاط خود جهان اشیا را تشکیل می‌دهد و با افتراق ازهم‌گسسته می‌شوند، بنابراین طبیعت در این مقوله با نگرشی فکری و حسی در ارتباط با شناخت هستی پیوند می‌خورد، عشق و نفرت در این نظرگاه نشان می‌دهد هر برخوردی بسته به پیوندی است که در میان است، عشق می‌تواند آسمان و زمین را برعرصه‌ی وجود باهم گردآورد و نفرت عاملی برای تمایز، این فراگرد با توجه به نگرش امپدوکلس دایره‌وار است و همچنان ادامه دارد.

تخریب و شایعات در فضای مجازی

■ امید باتو

شـایـد بـتـوان گفت پیشرفت‌های صـورت گـرفـتـه در حـوزه ارتـبـاطـات و رسـانـه، شاه‌بیت پیشرفت‌های بشر از آغاز تاکنون بوده است. این عصر که عصر انفجار اطلاعات نیز نامیده می‌شود، شیب بسیار تندی در صفحه نمودار دانش بشری دارد. اگرچه در دنیای امروز فاصله انسان‌ها از همدیگر به‌صورت واقعی هرروز بیشتر می‌شود اما فن‌آوری ارتباطات و در میان آن فضای مجازی دنیای به‌هم‌پیچیده و درهم‌تنیده‌ای از روابط مجازی و حذف فاصله‌ها در دسترس قرار می‌دهد. فن‌آوری فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) نیز همانند هر دستاورد انسانی دیگری به‌مثابه سکه‌ای است که دو رو دارد. یکروی آن روی مثبت یعنی همان جنبه خدمت به جامعه بوده ولی روی دیگر این سکه دارای کارکرد منفی می‌باشد. هرچند که مصادیق فراوانی برای کارکردهای مثبت و منفی فضای مجازی می‌توان بیان کرد اما این نوشتار تخریب فعالین و شخصیت‌های اجتماعی، تخریب محیط زیست و همچنین تبعات ناشی از آن همچون انواع بیماری‌ها، از بین رفتن منابع و ... به افزایش حساسیت و توجه بیشتر جوامع توسعه‌یافته (در قرن گذشته) نسبت به این موارد و درنهایت به شکل‌گیری حرکت‌های محیط زیستی از قبیل تشکل‌ها، جریانات و احزاب محیط زیستی انجامید. افزایش توجه به محیط زیست سبب رشد دوباره علوم و فنآوری چه در حوزه محیط زیست و چه در سایر حوزه‌ها گردیده است. امروز جایگاه محیط‌زیست در کشورهای توسعه‌یافته تا جایی ارتقا یافته است که فرایند توسعه را بر اساس منافع و مواضع محیط‌زیست طراحی نموده و حتی احزاب سیاسی نیز برنامه‌ها و اهداف خود را مبتنی بر حفاظت محیط‌زیست قرار می‌دهند. نتیجه این پیشرفت‌ها ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی جامعه بوده و این آگاهی‌ها و اطلاعات با فراگیرشدن اینترنت و فضای مجازی که خود به شکل رسانه‌های مؤثر عمل نموده است در دسترس جوامع جهان سوم قرار می‌گیرد. این رسانه‌ها تا اندازه زیادی هوشیاری جوامع جهان سوم و جامعه ایرانی را افزایش داده و منجر به شکل‌گیری یک نوع حساسیت جمعی نسبت به محیط زیست گردیده است.

نتیجه‌گیری

نگارنده هیچ‌گاه قائل به توهم توطئه نبوده و اساساً چنین تحلیلی را قبول ندارد که تخریب اشخاص و فعالین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سایر حوزه‌ها به‌منظور دور نمودن اذهان از تخریب محیط‌زیست صورت می‌گیرد. هرچند که می‌توان فاکت‌ها و مستندات زیادی را به‌صورت هم‌زمان با افزایش تخریب‌ها و شایعه‌پردازی‌های فضای مجازی در این خصوص ارائه نموده و از آن جمله؛ افزایش شدت و فراوانی وقوع آتش‌سوزی بخصوص در اراضی مشجر و جنگلی، بالا گرفتن شایعه انتقال آب از کردستان به‌منظور مصارف صنعتی در همدان بدون توجه به نیاز آبی کوردستان، افزایش سدسازی بدون رعایت حق آبه های محیط‌زیست، عدم اختصاص بودجه‌های جهشی در جهت توسعه کردستان و همچنین عدم راه‌یابی کوردها و اهل سنت به کابینه دوازدهم که مصادیق عینی توزیع عادلانه ثروت و قدرت می‌باشد؛ اما می‌توان گفت که فضای مجازی و سرعت فوق‌العاده زیادی که درزمینه ارائه و تبادل اطلاعات موجود است زمینه مناسبی است که می‌تواند در راستای آگاهی سازی عمومی و افزایش میزان اطلاعات عمومی افراد درزمینه محیط‌زیست مفید واقع گردد و اگر کاربران وقت خود را در راستای دامن زدن و بازنشر شایعات انتشار گسترده پست‌های حاوی مضامین محیط زیستی، کلیپ‌های مرتبط در این زمینه، انتشار اخبار و اطلاعات، عکس‌ها و تصاویر شکار و تخریب محیط‌زیست، رسانه فراگیر درزمینه آتش‌سوزی که می‌تواند به بسیج عمومی و تهییج افراد منتهی شود همگی ظرفیت‌هایی هستند که در سطحی وسیع می‌تواند در خدمت اهداف محیط‌زیست باشد. لذا به باور نگارنده در هنگام مواجهه با پست‌هایی که بدون هیچ‌گونه محمل قانونی و مستند اقدام به سیاه نمایی و ایجاد شائبه در خصوص افراد، فعالین، سیاسیون و مسئولین نموده و یا به شایعات موجود دامن می‌زند اخلاقی‌تر آن است که به‌هیچ‌عنوان آن را بازنشر ننموده و در نقطه مقابل آن به تولید و نشر محتواهای محیط زیستی بپردازیم و از این ظرفیت به‌مثابه ابزاری در جهت خدمت به محیط زیست بهره بگیریم.

۱- تخریب در فضای مجازی

علیرغم توصیه‌های مکرر و مستمر و نیز صرف هزینه‌های هنگفت توسط بعضی از دستگاه‌ها، رابطه جامعه ایرانی بامطالعه و کتاب هرروز کمتر و کمتر می‌شود به‌نحوی‌که بنا بر آمارهای موجود سرانه مطالعه در ایران به کمتر از ۱۰ دقیقه در روز رسیده است. به‌موازات این نقیصه، میزان وقتی‌که به بطالت گذرانده می‌شود هرروز بیشتر از روز قبل بوده که این گذران اوقات به بطالت به شیوه‌های مختلفی ازجمله خیابان‌گردی، ایجاد مزاحمت‌های خیابانی و ... انجام می‌شود. با در دسترس قرار گرفتن اینترنت و افزایش سرعت و خدمات آن، یکی از این موارد که می‌توان گفت بیشترین وقت کاربران را به خود اختصاص می‌دهد شبکه‌های اجتماعی و در میان آن تلگرام (فضای مجازی) می‌باشد. فضای مجازی اگرچه ظرفیت بسیار عظیمی درزمینهٔ تبادل اطلاعات می‌باشد اما متأسفانه در حال حاضر به پایگاهی جهت ایجاد شایعات درزمینه های مختلف و از همه مهم‌تر تخریب شخصیت‌ها و فعالین اجتماعی بدل گشته است. از طرفی در کشورهای توسعه‌نیافته سرعت انتشار شایعات، مطالب کذب و خلاف واقع و به عبارتی اخبار و محتواهای منفی فوق‌العاده زیاد می‌باشد که این موضوع می‌تواند بخش قابل‌توجهی از وقت، انرژی و ظرفیت افراد را به خود مشغول نماید.

۲- تخریب محیط زیست

به‌موازات افزایش و رشد دانش بشری تخریب محیط زیست افزایش‌یافته است. در این راستا رشد جمعیت نیز مزید بر علت بوده است. اگر در گذشته زندگی انسان‌ها به‌صورت طبیعی و متکی بر اجزای طبیعی بوده است امروزه با ورود صنایع پتروشیمی، پلاستیک، شیشه، فلزات و ... چرخه‌های بازیافت بسیار طولانی‌تر شده است. تغییر کاربری اراضی، بحران آب، پاک‌تراشی جنگل‌ها، زمین‌خواری، کوه خواری، دریا خواری، فرسایش، محصولات ترا ریخته، پسماند، پساب‌های صنعتی و هزاران آلودگی و تخریب دیگر وضعیت محیط‌زیست را به حالت غیرقابل برگشتی درآورده است. افزایش آلودگی و تخریب‌های محیط‌زیست و

شانۆی سەرشەقام، مایەی سەربەرزی و ناوداریی مەریوان

ئەم وتووێژە لە پەراوێزی دوازدەهەمین فستیوالّی نێونەتەوەیی شانۆی سەرشەقام لە مەریواندا، لە لایەن ڕۆژنامەوانی مانگنامەی «چیا»، ئارام فەتحییەوە لەگەڵ شانۆکاری ناودار و هەروەها یەک لە داوەرانی ئەم فستیوالّە دوکتور قوتبەدینی سادقیدا ساز کراوە:

پ ـ ئەگەر بکرێ سەرەتا پێناسەیەک لە شانۆی سەرشەقاممان بۆ باس بکەن، کە شانۆی سەرشەقام ئەساسەن ڕۆڵی چییە و لە چ چوارچێوەیەکدا دەگونجێ؟

بەرلە شەڕی یەکەمی جیهانی بوو و لە نێوان دوو شەڕەکەدا، لە لایەن گرووپە سیاسییە نەیارەکانەوە، گەرەکیان بوو ئەو شتەی کە دەزگاگەل تەبلیغاتیی حکوومەتگەل، تەبەقەی حاکمە وەکوو حەقیقەتێ ئینکاری ئەکەن، ئەوانە بخەنە بەرچاو؛ شانۆیەکە (تایبەت) لە تەرەف گرووپگەل شانۆییەوە نەبووە.

شانۆیەکە کورت و کۆتا لە ماوەی دە خولەکدا و بەبێ ئیجازەی پۆلیس ئەهاتن مەوزووعێکی گەورە وەکوو جەنگ، نەوت، بێکاری و بوحرانگەل جۆربەجۆریان ئەکردە دەسمایەی خۆیان و ئەهاتن لە سەحنەگەلێکی کورت و کۆتا و بەلەحنێکی خیتابییەوە و فرەگرۆتسک و کومیکەوە ئیجرایان ئەکرد و بەرلەوە پۆلیس بگەیەتە ئەو شوێنە، ئەوان دەرئەچوون. یانێ لەواقیعدا ئەوان گەرەکیان بوو لە ڕێگەی ئەم شانۆوە پرتۆکێ بدەن لەخەڵک و ئەو خەبەر و حەقیقەتگەلە وا ئینکار کراوە و خەڵک ئاگادار نین، ئەوانە بخەنە بەرچاو.

ئەمە سەرەتای شانۆی سەرشەقامە کە وردە وردە لە تەواو ئوروپا بڵاو بووەوە؛ لە فەرانسە، لە ڕووسیە، لە لهستان و لە ئالّمان گرووپگەلی چەپیش بوون کە ئەم کاریانە ئەکرد دژ بە سەرمایە داری؛ بەڵام ئێستا وردە وردە بەربڵاو بووەتەوە؛ ئیتر بە تەعریفگەلێکی تر ئەم کارە ئەکەن. ئیسە لە بڕێ لە شارەکانا فستیڤالّیی شانۆی سەرشەقامی شەهروەندی هەس. سەرجەم ئەو شتگەلە وەک ماف یان وەکوو ئەرک و وەزیفەی شەهروەند کە لەو جۆرە شانۆیەدا شارۆمەندەکە سەبارەت بەو شتانە ئاگاداری بەدەست دێنێت؛ یانی هونەرێکە کاربوردی.

پ ـ ئیستە بەم پێناسەیە کە لە شانۆی سەرشەقام هەیە، ئایا بەم جۆرەی ئەم فستیوالّەی لە مەریوان لەم چەند سالّەدا بەڕێوە ئەچێ: کە بە گرتنی مۆڵەت و ئەوەی کە کارەکان بنێردرێت بۆ لایەک و پەسەند بکرێ و ئەوجار بێتە ناو فستیوالّ، ئایا ئەمە لە پێناسەی شانۆی سەر شەقامدا ئەگونجێت؟

و ـ لە سەرەتادا شانۆی سەرشەقام چتێ بووە، ئیسە ئەوەیشە لە ئەوروپا نەماوە، سەد سالّ درێژەی مێژوویی هەس، لە ئێرانا سی سالّە ناسیگیانە، ئیسە کاربوردگەل تری هەس .ئەوە کە عەرزم کردی یەکێ لە گەورەترین کاربوردگەلی ئەوەسە فرەیەک لە کێشەکان تر کە ڕۆژنامە و تەلەفزیۆنەکان باسی ناکەن، وەک بێکاری، ئێعتیاد، تەڵاق، نەخۆشینگەل گەورە وەک ئەیدز وتەنیایی، ئەمانە بابەتگەلێکی گەورەن و فرە کەس باسیان ناکات، فرەیەک لە ڕۆژنامەکان و ڕادیۆ تەلەفزیۆنەکان باسی ناکەن؛ ئەم جۆرە بابەتانە زۆر زۆرن.

من خۆم شانۆیەکم کار کرد سەبارەت بە مافی ژنگەل، بێوەژنگەل و پیرەژنگەلێ کە وا ئەبێ دەوڵەت بڕوا بە هانایانەوە، بیمەیان بکات و نایکات؛ ئەمە مافێکی گەورەی مەدەنییە، ئەشێ باسی بکرێت؛ قازانجێ تریشی هەس کە فرە گرنگە ئەوەسە کە یەکێ لە تایبەتمەندییەکانی شارستانییەت فەرهەنگ و هونەرە لە ناو شارا. ئەگەر فەرهەنگ و هونەر نەبێ، شار جێگەیەک ئەبێ بۆ ژیانی غەریزی؛ ئەخۆن و ئەخەون و خۆیان خاڵی ئەکەنەوە و شەویش منالّ دڕووس ئەکەن و جیاوازییەکی نابێت لەگەڵ دێهاتا.

ئەوەی کە تایبەتمەندیی شارە، فەرهەنگ و هونەرە. مەگەر ئەبێ شارێ فەرهەنگ و هونەری نەبێت. یەکێ لەو هەنگاوە گەورانە ئەتوانین هەڵی بگرین بۆ ئەوەی گەشە بدەین بە فەرهەنگ و هونەر لە وڵاتەکەمانا، هەر ئەم شانۆی سەرشەقامەیە. خەڵک هێشتا فێر نەبوون بلیت بکڕن و بڕۆن بۆ تماشای شانۆ، هێشتا فێر نەبوون کتێب بسێنن، فێرنەبوون بڕۆنە پێشانگای نەقاشی، فەرهەنگ شار یانێ ئەمە. ئیسە کە خەڵک نایەن بۆ شانۆ، شانۆ بڕوا بۆ لای ئەوان و فەرهەنگی شانۆ و ناوەڕۆکگەلێک کە زۆر پێویستە بۆ ئاگادارییان، بۆ ژیانیان، ئەوانە بخەنە بەرچاو و بتوانن خەڵکەکە ئاگادار بکەنەوە و هەروەها چێژی دیتنی شانۆیشیان پێ ببەخشن، ئەمە کارکردێکی کەم نییە.

پ ـ ئیسە جیا لەم شتانەی باستان کرد ئەگەر بێینە سەر فستیوالّی نێونەتەوەیی شانۆی سەرشەقامی مەریوان، ئایا ئەم فستیوالّە تا ئێستا هیچ دەسکەوتێک وەکوو بەرهەم هێنانی شانۆکار و دەرهێنەر و شتێکی لەم شێوەیەی بووە لەم چەند سالّەدا کە کاری کردووە؟

و ـ فرە باش بووگە، کاریگەریی گرنگی بووە لەسەر مەریوان، لەسەر جەماوەرەکەی، هەر لە منالّ هەتا پیر، بە ئەشق و تاسەوە دێن و دائەنیشن، فێر بووگن تماشای شانۆ بکەن، فێر بووگن لە ژیانی غەریزی جیابنەوە و بڕۆنە ناو خەیالّات و بیرکردنەوە لە دنیایەک کە ئەتوانێ باشتر لە دنیای ئیسە بێت وا تیایا گیریان کردووە. وە ئێستا مەریوان شانۆکار، ئەکتەر و نووسەری باشی هەس و دڵنیام ئەم فستیوالّە کاریگەری بووە. ئەگەریش کاریگەری نەبێت، بەووڕە ئیتر خەتای شانۆکە نییە خەتای خەڵکەکەس، خەتای هونەرمەندەکانەن؛ حەز ناکەن فێر بن، حەز ناکەن بچنە پێشەوە، بەڵام دڵنیابە کاریگەری زۆرە!

پ ـ ئێوە خۆتان وەکوو شانۆکارێکی بەئەزموون، چ پەیوەندییەک لە نێوان ئەو بەشە هونەریبانە ئەبینن، ئیسە کە چەن ڕوانگەی جیاواز هەیە وەکوو هونەر بۆ هونەر یا هونەری موتەعەهێد یا هەرشتێکی تر لەم بەشانە، ئایا لەم نێوانەدا پەیوەندییەکی ئەوتۆ لە ناو شانۆی سەرشەقامەکان بابەتە کۆمەڵایەتیەکانەدا هەیە، بەتایبەت باسی ژینگە کە ئیمڕۆ لە کوردستانی ئێرانا بەشێکی گرینگە و بەرچاوە، وەکوو یەکێک لەو بابەتانە؟

و ـ ئەسڵەن ناوەڕۆکی شانۆی سەرشەقام، ناوەڕۆکێکی کۆمەڵایەتی و ژینگەییە، هونەر بۆ هونەر نییە .شانۆی سەرشەقام بۆ ڕابواردن و جوانیناسی نییە، کاربوردییە، ساف و ڕاستەوخۆ ئەچێتە سەر ناوەڕۆکەکە و ناوەڕۆکەکەیش بۆ ئەوەیە کە ئەو گیر و گرفتانە بخەنە بەرچاو و چارەسەریان کەین .ئەو ناکۆکیو ناشیرینییانە کەوا ها لە ناو کۆمەڵگە، خەڵک و وڵاتەکەمانا، گشت ئەمانە ئەبێ چارەسەر کەین، مەبەست و ئامانجی شانۆی سەرشەقام هەر ئەمەیە؛ بۆ جوانکاری و ڕابواردن نییە، ناوەڕۆکێکی خەڵکی هەیە و زۆر زۆر خەباتکارە؛ ئێمە دوو جۆر شانۆ زیاترمان نییە، یەکیان خەباتکار و ڕەخنەگرە و ئەوی تریان بۆ ڕابواردن و کات بەسەر بردن.

ئەمە لەو شانۆگەلەسە کە ئامانجی، جوانیناسی، ئەکتەری و هەموو شتێکی ڕەخنەگر و خەباتکارە. لە فستیڤالّی نێونەتەوەیی شانۆی سەرشەقامی ئەمسالّدا لە مەریوان شانۆیەکمان بینی سەبارەت بە ئاوایی ئەسراوا بوو کە بە هۆی ئەشخالّەکانی شاری مەریوانەوە بەگشتی تیا چووە، هونەرمەندی مەریوانی ئاگادار بووە کە ئەشێ باسی ئەمە بکات ناو شانۆکەیا، ئەمە بابەتێکی کەم نییە.

پ ـ ئایا ئەو شانۆیەیکە باستان کرد لەسەر ئەسراوا بوو لە حەوزەی فستیوالّی نێونەتەوەیی شانۆی سەرشەقامدا ئەگونجێ؟

و ـ بۆچی ناگونجێ، هەرکەس هەرچییەکی هاوردووە لە وڵاتی خۆیەوە هاوردوویە، لە ئۆکراینەوە چیرۆکێکی چێخۆفیان کردووە بە شانۆ و هاوردوویانە، باسی ئێمەیش ئەوەسە، بۆچی ناگونجێ؟ ئەشێ بگونجێ! ئەسڵەن ئەم جۆرە فستیوالّانە هەر بۆ ئەوەسە، بۆ ڕابواردنی ڕۆشنبیرانە و شبە ڕۆشنبیرانە، باسگەلی تیئۆریک نییە، ڕاستەوخۆ ئەرکێکە ها بەسەر شانۆوە ئەبێ یارمەتی خەڵک بدات، یارمەتی ژیانی خەڵک بدات. ئەگەر لەم ڕێگەیە لابدەین و ڕێزەیەک بچینە ئەولاوە بەخەسارمان داوە. ئەگەر بتوانین ئەم ئەرکە جێبەجێ بکەین، ئەبێ لە جێگەیەکا باسی ژینگە، موعتاد و بێکاری بکەین؛ ئەمانە کێشەگەلێکە ئەبێ چارەسەریان بکەین، ئەرکمان هەر ئەمەیە.

پ ـ بەپێی ئەوەی کە ئێوە خۆتان چەن خولێک داوەری ئەم فستیوالّەکە بە چ ئاقارێکدا ڕۆشتووە؟ باشتر بووە یا چۆنی لێهاتووە؟

و ـ فستیوالّەکە جێکەوتووە، گرنگترین شت ئەوەیە بەقەوڵی فارسەکان نەهادینە بووگە، جێگەی خۆی گرتووە هەم لای خەڵکەوە، هەم لای بەرپرسەکانەوە و هەم لای هونەرمەندانی وڵاتانی تردە؛ ئەمە زۆر گرنگە، لەحاڵەتی ڕێکەوت دەرچووە بووگە بە جەرەیان، کەس ناتوانێ بەری پێبگرێ .بووجە، تەشکیلات، بەرپرس و پسپۆڕی هەیە، ئەمە وەک نەهادێکی فەرهەنگی بۆ کۆمەڵگەی کوردەواری وەک ئۆکسیژنە.

ئێمە ئەبێ وردە وردە فێر زمانی فەرهەنگیی بین بۆ ئەوەی خەڵک تێبگات ئێمە بیروباوەڕمان چییە، ئێمەیش تێبگەێن بیروباوەڕی خەڵک چییە، تا پەیوەندی نەگرین ناتوانین کێشەکانمان چارەسەر کەین، لە گۆشەگیری لە سووچێکا بۆ خۆت ڕاوەستی و دەست بگری بە کڵاوەکەتەوە، هیچ کەس نازانێ دەرد و گیر وگرفتت چییە، ئەمە مێدیۆمی فەرهەنگی و زمانی فەرهەنگییە، زمانێکی جیهانییە، تا ئەتوانین ئەشێ گەشەی پێبدەین، تا ئەتوانین بەربڵاوی بکەینەوە، ئەبینی هەشت نۆ وڵات هاتوون، هەرئەمانە چواردانە گوزارش بدەن بۆ ئێمە بەسە .مەریوان چووگە بان تلکس خەبەری.

پ ـ وەک دواپرسیار، بەگشتی ئەم فستیوالّە(فستیوالّی نێونەتەوەیی شانۆی سەرشەقامی مەریوان) چۆن ئەبینن؟

و ـ شانۆی سەرشەقامی مەریوان گەییوەتە ئاستێک کە زۆر ئابڕوومەندە! چونکە جێگای خۆی لە ناو پێکهاتە و چوارچێوەی فەرهەنگی و هونەریی کوردستان و ئێرانیدا دۆزیوەتەوە و هەم پەیوەندیی جۆربەجۆری فەرهەنگی لە ئاستی جیهانیدا خولقاندووە، ئەمە گەییوەتە ئاستێک کە ئیتر بۆ گشتی سەلمێندراوە و بووگە بە شتێکی سروشتی، ئەمە هەنگاوی یەکەم؛ هەنگاوی دووهەم ئەوەیە کە بەشدار بووینە لە بینینی شانۆی وڵاتانی تر، ئەمە هەنگاوێکی مەزنە ئێمە بتوانین پەیوەندی بگرین لەگەڵ وڵاتانی تردا و ئەوان بێن و بەشدار بن .دنیای ئیمڕۆ دنیای پەیوەندییە، دنیای زمانی فەرهەنگی و هونەرییە، شتێکی تریش هەیە ئەویش ئەوەیە کە ئەوەندە لەم سالّانەدا کار کراوە، وردە وردە ئەو فەرهەنگە ئەو جوانناسییە و ئەو تایبەتمەندیگەلەی شانۆی سەرشەقامە کە چووگەسە ناو مێشک، هەست و بیروباوەڕی هونەرمەندەکانی ئێران، دڵنیا بە ئەمە کاریگەری زۆری ئەبێت لەسەر شانۆی سەرشەقامی کوردستان و هەر هەموجۆرەکانی تری شانۆیش لە کوردستان بەتایبەتیی.

سروشتییە لە هەر فستیوالّێکدا کاری دەرەجەی یەک و دوو و سێ ببێت، بە ڕای من ئەمانە گرنگ نییە، گرنگ ئەوەیە یەکتر ببینین و لە هونەری یەکتر ئاگادار بین و بگەینە ئەو قەناعەتە و بیروباوەڕە کە وتوێژ بکەین لەگەڵ غەیری کورداً، غەیری ئێرانیدا و لەگەڵ هەموو دنیادا، ئەمە ئەبێ ببێتە ڕوانگەیەکی فەرهەنگی .بەڕای من شانۆی سەرشەقامی مەریوان یەکێ لەو کارە فەرهەنگییە باشانەیە کە مایەی سەربەرزی و ناوداریی مەریوانە .میوانەکان لە ڕێگەی ئەم فستیوالّەوە توانیویانە سروشتی مەریوان، زرێبار و هەورامان و بەشێکی زۆری ئەم ناوچانە ببینن .ئەم بەشداریکردنە قازانجی مادیشی هەیە، هوتێلەکان پڕ بوون(کەسی زۆر هاتوون)، ئەمە یارمەتی گەورەیەکە بۆ باری ئابووری لە مەریوان .ئەمانە قازانجی فەرهەنگیی دنیای نوێی ئیمڕۆیە کە ئەتوانین بێژین لە مەریواندا لەم کاتا شانۆی سەرشەقام نوێنەرایەتی ئەکات.

خورما فرۆش...

■ ئەمجەد حەیدەری

ناوەڕاست مانگی زستانە و دنیا سارد و سەهۆڵبەندان.
لە دوێنێ ئێوارەوە کلوکلو بەفر وەک سەلکە چۆلە کە بەسەر ئاسمانی شارەوە سەما دەکەن و شار بە یەکجاری وێنەی تازەبووکی شەڕمن تارای سپی پۆشیوە.
هاڵاوی دووکەڵ کێشی سەربانەکان پرووشکەی بەفر دەتوێنێتەوە و هەڵمێکی مەیلەو خۆڵەمێشی بەناو گێژەڵووکەی بەفردا بەرەو ئاسمان خۆ بادەدا.
سنگی شەقامەکان وێنەی هێڵی شەمەندەفەر شوێنی تایەی ئۆتۆمبێلەکانی پێوە دیارە و جارجارەش چەن ڕێبوارێکی مل پێچ لەمل و کڵاو لەسەر ، ملیوان پاڵتاوەکانیان تابناگوێ هەڵکێشاوە و بەپەلە بەرەو دەرمانخانەکەی ئەوبەر جادە دەڕۆن.
لق و پۆپی درەختەکان قەراخ جادە لە ژێر باری قورسی بەفر دیمەنێکی پڕ لە جوانی زستان دەنوێنن و هەڵمی هەناسەی ڕێبوارەکان کزەبای ئێوارانی زستانی پێوە دیارە.
غەڵبەغەڵب و قەرەباڵغیەکی زۆر لەبەر نەخۆشخانەی شار دیارە و عەرەبانە دەسگێرەکان پاقلە و چۆنەری کوڵاو و میوە فرۆش پەیتا پەیتا بەرەوفولکەی جەنگەڵبانی تێ ئەپەڕن و نوقمی شەپۆلەکانی بەفر و کزەبای سارد ئەبن.
ئۆتۆمبێلێکی ڕەشی مۆدێل بەرز وەک ڕەشمار بەسەر بەفر و سەهۆڵی سەرجادەکەدا دەخزێ و دەنگی گۆرانی و قاقای پێکەنینی نەفەرەکان لەدوورەوە دەبیسرێ.
کابرایەکی بەتەمەن لە دەرگای دەرمانخانە دێتەدەر ، دەڵقێک دەرمانی بەدەستەوەیە و بەجامانەکەی سەروملی داپۆشیوە.
بە هێمنی گۆچانەکەی دەنێتە سەر عەرز و بە خەستی دەقۆزێ و لەبەرخۆوە هەر ورتەی دێ:
ـ ئاااای ڕۆژگار ، پێشینیان درۆیان نەکردوە ئەڵێن بەرگی فەقیر دڕاوە.
قۆزە و خیسەی سەرسنگی قسەکانی پێ دەبڕێ.
ـ ئاسمان دوور و زەوی سەخت ، لەم ڕۆژگارە تەنگانە و بێکاریەدا نەخۆش کەوی!...
بۆنی خۆشی کولێرەی سیاوڵەکراو لەژێر چارشێوی ژنێکی ڕێبواردا هەستی برسێتیم دەوروژێنێ ، ئیشتیهای خواردنی قاپێک شۆربای گەرم لەگەڵ پیاڵەیەک چای تازە دەم لەم تۆف و کڕێوەدا بە هەموو گیانمدا دەگەڕێ.
ـ مەرحەبا کاکە ، ئەرێ ماوی؟!...
ـ خۆ ناشوکری نەبێت تف هەڵخەی ئەبەسێت.
ـ خورما کیلۆی بەچەنە؟...
ئاکۆ خەیاڵاتی پێ دەپچڕێ و لە ژێر چاویلکە زەڕەبینیە کەیەوە دەڕوانێتە کابرای مشتەری و بزەیەکی سارد و بێ ڕۆح دێتە سەر لێوەکانی و هەڵمی دەمی دەکا بەناو لەپی هەردوو دەستیدا.
ـ سەر چاوەکانم کاکە گیان . بەخێر بێی ، ئەمر فەرموو.
ئەم خورما کیلۆی پێنج هەزار و ئەو نەوعەشیان حەوت هەزار تمەنە.
کابرای مشتەری جارێکی تر لەژێر چەترەکەیەوە سەرنجی ئاکۆ ئەدا و ئەڵێ:
ـ بۆ ئەونە گران کاکە؟...
ـ وەڵا چیت عەرزکەم ، کوا گرانە؟!....
خورماکەی دەنک ڕەشە ، بەدڵتان نەبوو بی هێننەوە.
کابرا پارەی خورماکە ئەدا بە ئاکۆ و خواحافیزی ئەکا.
ئاکۆ تۆزێ خۆی دەخا بە پشتا و ملی بەملاولادا بائەدا و تەزی لەشی دەرئەکا ، لەنێو پرووشکەی بەفرەوە بەحەسرەتەوە دەڕوانێتە باڵەخانەکەی ئەوبەرجادە و لەبەر خۆوە زەردەخەنەیەکی تاڵ ئەیگرێ...
هەڵمی دەمی ئەکا بە شووشەی چاویلکەکەیدا و بە سووچێکی چاکەتەکەی دەیسڕێتەوە و لە چاوی دەکا.
دیسان لە پشت تۆپتا چادر کێشراوەکەدا بە جیچکانەوە کتێب وقەڵەمەکەی هەڵدەگرێ و نوقمی بابەتەکانی سەر لاپەڕەکان دەبێت.
هەموو ئێواران کاتێ دنیا بەرەو تاریکی دەڕوات ، ئاکۆ وەک باڵندەیەکی کێوی دەستەمۆ نەکراو لە قەفەزی تەلبەنکراوی تۆپتاکەوە لەشەقەی باڵ ئەدات و تیژ تیژ بۆ سنگی ئاسمان ئەفڕێ.
پاش خواردنی ژەمی ئێواران و چایەکی دارچینی دەستی دایکی ، وەک هەمیشە مۆسیقا دەکاتە هەوێنی ساڕێژبوونی ئازارەکانی و تێکەڵی نەوای « چەن جارم ووت « ی عەلی مەردان ئەبێت و لە تەنیشت زۆپای ژوورەکەی خەونووچکە دەیباتەوە.
وەک تەیرێکی سەرمابردەڵەی دەرباز بوو لە چنگی واشەی ڕۆژگار کزکز هەڵدەکووڕمێ و لەگەڵ خەون و ئاواتەکانی دەست لەملان دەبێ...
ئاکۆ هێشتا میرمندانێکی تازەپێگەشتوبوو ، پڕبەدڵ تاسەی لە خۆشی ژیان و خۆشەویستی باوک و دایکی نەشکابوو شێرپەنجە وەک ڕەشەبای بەهێز هەڵی پێچایە باخچە بچکۆلانەکەی ژیانیان و لە عەتف و سۆزی باوکی بێ بەری کرد.
باری قورسی ژیان و دەستکورتی ، هەر لە منداڵیەوە ئاکۆی ڕاپێچی بازاڕی کار کرد و چەندین ساڵ شاگردی« خورما فرۆش « و کولێرە فرۆشی کانی دینار و کرێکاری بیناسازی کرد.
ڕۆژانی سەخت و پڕ چەرمەسەری وەک هەرەس ڕژایە ناو ژیانی ئاکۆ و دایکی و بە هەموو جۆرێک بەر چەپۆکی بێ بەزەییانە ڕۆژگارکەوتن.
بەڵام ئاکۆ هەرگیز نەدۆڕا و بەچۆکدانەهات ، چاونەترسانە بەرەوڕووی سەختی ژیان دەهاتەوە و لەگەڵ تێپەڕبوونی تەمەنی بااڵی حەز و ئاواتەکانی هەڵدەکشا و گەشەی دەکرد و ئومێدی بە داهاتوو قایمتر دەبوو.
گەڵابەی تۆپتا چادرکێشراوەکە بووە گەورەترین « زانکۆ « ی ئاکۆ و بڕیاریدا قۆناغەکانی خوێندن ببڕێت و توانی لەئاستێکی بەرزدا بڕوانامەی « لیسانس « بگرێت و دڵی دایکی شاد بکات.
ئاکۆی خورما فرۆش وەک سیمبوڵێک لە وەفاداری و خۆڕاگری لە نێو دۆست و ئاشنا و جێ متمانەی خاوەن کارەکەی ناسرابوو.
زۆرجار مامۆستای زانکۆ وەک نمونەی لێهاتوویی و بەرپرسیارەتی بەرامبەر بە ژیانی خێزانی لەنێو قوتابیان ناوی دەبرد و نمرەی بەرز و تێبینیەکانی مایەی دڵخۆشی مامۆستاکانبوو.
خۆشەویستی بوو بە میوانی دڵە مێهرەبانەکەی ئاکۆ و ڕەگی داکوتا ، بەڵام قەت نەیدەتوانی وەک هەواڵانی بیر لە ژیانی هاوبەشی بکاتەوە و قەدەر ئەمەشی پێ ڕەوانەبینی و داخێکی لە سەر داخان کەوت.
جارجارە « ساز دەهەنی «ەکەی لە نێو لەپی هەردوو دەستی دەگرت و سۆزی دڵی دەکردە نەوایەکی حەزین و بەکووڵ هەڵی دەڕشت.
هەر چۆنێک دەبێ بە کولە مەرگی و کوێرەوەری پاڵ دەنێن بە زستانەوە و خۆ بە نەورۆز و ساڵی نوێ و قەدەر و چارەنووس دەسپێرن.
ـ ناشوکری نەبێ ساڵ و وەرزەکانیش بەس لە لاپەڕەی ڕۆژمێرەکان بۆئێمە مانایان هەیە ، نەورۆز و ساڵی نوێش هەر بێکاری و ڕۆژانی نائومێدی لەگەڵ خۆهێنابوو.
ئێستا ئیتر وەک زستان « خورما « ناخورێت و کورەە گوتەنی هەنگوین بە دەممان تاڵە.
کۆتایی مانگی خەرمانانە و ئەڵێن ئێستا کاتی ڕنینەوەی « زەیتون « ە لە شارەکانی شومااڵ و جەماعەتێ کرێکار ڕۆشتوون بۆ ڕوودبار و مەنجیل بۆ ڕنینەوەی زەیتون ، کوڕی خۆی بێت ڕۆژی سەد هەزار تمەن ئەکەوێ...
خۆشم نازانم بەجارێ سەرم لێ شێواوە ، دوێنێ کابرایەکی دراوسێمان ئەیووت لە سلێمانی کار زۆرە و قیمەتی دینارێش لە تمەن زۆر بەرزترە!...
ـ قیر و سیا ، بۆ من هیچ تەوفیری نیە. نان لە کوێ بێت منیش ناچار دوای ئەکەوم.
مااڵی هەژاری وێران ، ناخۆشترین کاتەکانی تەمەنم دابڕانە لە دایکم.ئاخر ناشکوری نەبێ پاش مەرگی باوک و خاڵۆم ، دایکم لە جێی هەمووکەسێکمە.
ئێستا لێرە بە شاگرد گەچکارێکی ئێرانی دەمناسن و بەیانیان زوو تا شێوان ژووری باڵەخانەکان سپی دەکەینەوە ، کەچی ڕۆژ ڕەشی کاڵایەکە و بۆ هەمیشە بڕاوە بە باڵماندا.
دڵی ئاکۆ پڕە لە حەز و ئاواتی کپکراوی بەدی نەهاتوو ، هەرکات دەکەوێتە یادی چڵۆن لەبەر دەسکورتی کرێ خانووی چەند مانگیان بەسەرێکەدا دەکەوت و ئەستێرەیەکیان بەئاسمانەوە شک نەدەبرد ، بڕیاریدا تەنانەت ژەمی خواردنی کەم کاتەوە.ڕۆژانە کرێکاری دەکرد و شەوان دەبووە حەرەسی کۆمپانیاکان.
ئەگەرچی لەشوێنی کار وەک کەسێکی خوێندەوار و خاوەن کەسایەتی مامەڵەی لەگەڵ دەکرا بەڵام هەندێ جار خاوەن کارەکان غەدریان لێ دەکرد و بە بیانووی تەواوبوونی ئیقامە و بەڵگەی مانەوەی لە سلێمانی نیوەی پارەکەیان لێ دەخوارد.
هەموو ڕۆژ بەرەبەیان پێش کرێکاران لە خەو هەڵدەستا و بۆ ئەوەی پارەی کرێ تاکسی بۆ بگەڕێتەوە لەمپەڕ تا ئەوپەڕی سلێمانی بەپێ دەبڕی.
شەوان کاتی نووستن لەسەر گازی پشت دەکەوت و ئەسپی خەیاڵ هەڵی دەگرت ، بەنێو ئەستێرەکاندا پیاسەی دەکرد و ڕوومەتی میهرەبانی دایکی لە نێو تریفەی مانگدا دەهاتە پێش چاو. دایکی دەکردە شاژنی ئاسمانەکان و ئەستێرەکانی دەکردە ملوانکەی زیوین و لەگەردنی دەکرد.
ئێستا ئاکۆ بەنیازی بڕینی قۆناغی خوێندنی باڵا و « فەوق لیسانس « ی دەروون ناسیە و هەموو هەوڵێک ئەدا بۆئەوەی قەرەبووی ڕۆژانی پڕ مێحنەتی خۆیان بکاتەوە و داهاتوویەکی ڕوون دەستەبەر بکات.
کوردە گوتەنی دەستی ماندوو لەسەر سکی تێرە ، ئێستا ئاکۆ بەری ڕەنجی چەندین ساڵەی کۆکردۆتەوە و لە قەراخ شار خانوویەکی بچکۆلانە دەکاتەوە و لەگەڵ هەموو خشتێک حەز و ئاواتی چەندین ساڵەی بینا دەنێت و لەگەڵ دایکی ژیانێکی نوێ دەس پێ دەکات.

آسیب‌شناسی ارتباط معلولیت و فقر مزمن در کشورهای درحال‌توسعه (پاره دوم/ یاری گری اجتماعی)

نرگس رفیعی
کارشناس مطالعات زنان

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۰، یک دسته‌بندی بین‌المللی از اختلالات، معلولیت و ازکارافتادگی معرفی کرد. سازمان ملل متحد در اروپا و امریکا از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱، در آسیا و اقیانوسیه سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ و در افریقا سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را دهه معلولین اعلام کرد. هدف اصلی برای اجرا که توسط همه‌ی کشورهای سازمان ملل موردپذیرش قرار گرفت، تلاش برای برابری حقوق معلولان با افراد دیگر جامعه بود. کشورها ازنظر قانونی و سیاسی ملزم به اجرا نشدند؛ اما یک توافق و استاندارد بین‌المللی ضد تبعیض شکل گرفت. اگر معلول نتواند شغلی اختیار کند و درآمدی داشته باشد، بار مالی روی دوش دیگران است. در کشور زیمبابوه، تنها یک درصد از افراد معلول در اقتصاد مشارکت فعال دارند (لی، ۱۹۹۹).

دپارتمان توسعه بین‌المللی انگلستان مشخص کرد که معلولیت یکی از دلایل عمده محرومیت اجتماعی و دلیل وجود و تداوم فقر است (DFID، d،۲۰۰۰).

مطالعات بانک جهانی نشان داده است که نیمی از یک میلیارد معلول، بدون شک فقیرترین هستند (متز،۲۰۰۰) و تخمین زده می‌شود که ۱۵ تا ۲۰٪ این فقرا ساکن کشورهای درحال‌توسعه هستند (الوان ۱۹۹۹).

پژوهش‌ها در اوگاندا نشان داده است که معلولان مبتلا به صرع و دارای مشکلات یادگیری، ازنظر دور بودن از اجتماع و مشکلات مالی در درجه اول قرار دارند. کودکان مبتلا حتی در خانواده‌های ثروتمند به مدرسه فرستاده نمی‌شوند، مشکلات آنان با متخصص مطرح نمی‌شود و حمایت‌های موردنیاز را دریافت نمی‌کنند. این امر وابستگی مالی ایشان را برای همیشه به دنبال دارد. این مسئله در ایران نیز به‌وفور دیده می‌شود و چنانچه این کودکان سرپرست و اندوخته مالی، آن‌هم به میزان هنگفت نداشته باشند، آینده خود را بدون شک در فقر سپری خواهند کرد.

نیروهای یاری‌رسان به دولت برای گنجاندن معلولان در جایگاه‌های روزمره، گوناگون و کاربردی اجتماع:

۱.سازمان‌های مردم‌نهاد

دولت‌ها می‌بایست از گنجایش سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه‌ریزی برای کاهش فقر مزمن کمک بگیرند. این سازمان‌ها نزدیکی بیشتری با مردم از هر قشر به‌ویژه قشر آسیب‌دیده، توان‌خواهان و خانواده‌هایی که معلولیت از عوامل مهم فقر ایشان است، دارند. در درجه اول رده‌بندی و سپس ارجاع معلولان به دولت از کارایی‌های این سازمان‌ها است.

۲.وزارت بهداشت و درمان

در طرح سرتاسری که در هندوستان به‌منظور کشف راهکارهای کاهش فقر مزمن در میان معلولین اجرا شد، مجریان به این نتیجه رسیدند که شروع به درمان بیماران دچار مشکلات ذهنی، اعصاب و روان و کم‌توانی‌های جسمی، راه را برای وارد آمار شدن این افراد باز می‌کند. اینکه هریک از توان‌خواهان به‌تناسب همه‌ی گونه‌های کمبود خود پرونده‌ی درمان داشته باشند، از طرفی ملزم به پیگیری درمان و ارتباط مداوم با درمانگر چه به‌صورت فردی و چه گروهی می‌شوند؛ از طرف دیگر این پرونده‌ها، خود اطلاعات پایه و آمار مربوط به انواع و منشأ معلولیت‌ها و نحوه‌ی برخورد فردی، خانوادگی، موسسه‌ای و جامعه‌ای را فراهم می‌آورند. این آمار و داده‌ها زمینه تحقیقات و مطالبات حقوقی و شهروندی گسترده ملی و بین‌المللی را از دولت، سازمان‌های مسئول و سازمان ملل فراهم می‌آورد. گسترش همگانی طرح سلامت دولت در ایران نیز تحت عنوان بیمه سلامت همگانی ایران، راه و ابزاری برای کشف، آگاهی، آمارگیری، استانداردسازی و درنهایت تهیه تیپولوژی انواع معلولیت‌ها و آسیب‌ها و کمبودهای درگیر با آن است. تشکیل پرونده برای مراجع توان‌خواه به مراکز که تاکنون از هیچ نوع بیمه‌ای برخوردار نبوده‌اند، شروع کار آمارگیری است. جایگذاری پرسش‌های جمعیت شناختی، جامعه‌شناختی و آسیب‌شناختی در این پرونده‌ها که در طول مدت درمان سرپایی یا بستری، توسط مددکار اجتماعی از مراجع پرسیده می‌شود، مرحله‌ی بعدی در آگاهی و شناسایی ابعاد معیشتی و مشکلاتی است که اقشار آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر

توان‌خواه با آن درگیر هستند. برنامه‌ریزی برای پیگیری و رسیدگی به امور این افراد پس از بازگشت از مرکز درمانی، ارجاع و سیاست‌گذاری (قانون‌گذاری یا بهره‌برداری و پیاده‌سازی دقیق قوانین موجود) با مشارکت بخش‌های دولتی را می‌طلبد.

۳.بنگاه‌های کاریابی

آمار توان‌خواهانی که از پایین‌ترین سطح در سیستم سیاسی تا سطح پارلمان هندوستان مشغول به کار هستند، بیش از ۴۷۰۰۰ نفر است. این کشور همچنین وزارتخانه توان‌خواهان دارد. صنف ملی توان‌خواهان در آموزش توان‌خواهانی که پست‌های سیاسی را اشغال کرده‌اند، برای رساندن آن‌ها به حد مطلوب سرمایه‌گذاری کرده است. این مثال از یک کشور آسیایی است که با جمعیت ۱/۲ میلیارد نفر و علی‌رغم وجود فقر شدید بخشی از جامعه، در ردیف چهارمین اقتصاد بزرگ جهان قرار دارد. این کشور باوجود رکود اقتصادی جهانی رشد اقتصادی متوسط بالای هشت درصد دارد که با کشور همسایه‌اش چین تقریباً برابری می‌کند. شکافتن دلایل این پیشرفت و بالندگی اقتصادی، خود مجال مفصلی را طلب می‌کند اما به‌طور اجمل و اکمل، عوامل توفیق اقتصاد جامعه نگر بر پایه ارتقای سطح فرهنگ جامعه هندوستان، به قرار زیرند. تدوین برنامه‌های استراتژیک به‌وسیله خبرگان حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مردم‌شناسی در درجه اول، اهتمام گروه‌های اجرایی که ترکیبی از دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد هستند برای آموزش و اقدام اقتصادی و فرهنگی در درجه دوم و بازرسی و پیگیری کمی و کیفی اقدامات لازم‌الاجرا در درجه سوم. تدوین، اجرا و نظارت برنامه در موضوع ورود و نقش‌آفرینی معلولین در زمین‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور بدون تبعیض، سه جزء درهم‌تنیده و هم کنش هستند. سرمایه‌گذاری انسانی و مالی و بهره‌گیری از نیروی کارآزموده، کارا و منصف در این سیاست‌گذاری، شاخص توسعه ملی را درزمانی کوتاه به میزان زیاد افزایش خواهد داد. بهره حاصل از این افزایش ابزاری خواهد بود برای دستیابی به بهزیستی در جامعه و داشتن جمعیت سالم‌تر و زنده‌تر.

٤.آموزش‌وپرورش

در هند در هر خانواده که دارای فرزند معلول است، چهار فرزند می‌توانند به‌صورت رایگان تحصیلات ابتدایی خود را بگذرانند. فرزند معلول جسمی یا حسی نیز می‌بایست در مدرسه عادی (نه استثنائي) درس بخواند با این ویژگی که معلمان آموزش ویژه دیده‌اند که در چند کلاس اضافی کودک معلول را آموزش مضاعف بدهند. این امر می‌تواند تشویقی برای والدین باشد که کودک معلول خود را پنهان نکنند و وی را از آموزش و سایر حقوقش دور نکنند.

۵.مراکز آموزش عالی

دولت هندوستان دانشگاه‌ها و مراکز حرفه‌آموزی را تشویق می‌کند که معلولان را با شرایط آسان‌تری نسبت به سایرین پذیرش کنند. کمک‌های فیزیکی و مشاوره‌ای رایگان در این مراکز برای معلولان برای کمک به تحصیل دانش و مهارت در ایشان ممکن است در نگاه اول کوتاه‌مدت به نظر برسد؛ اما هدف اصلی تشویق همه‌ی افراد جامعه برای دیدن و به‌حساب آوردن توانایی‌های گوناگون معلولان و بالا بردن آگاهی عمومی نسبت به ارزش ورود معلولان درصحنه‌های اجتماع است.

هیئت اجرایی معلولیت و توسعه اخیراً کارگاهی با حضور نمایندگان بنگاه‌های کاریابی، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های معلولان ترتیب داد. این فرصتی برای معلولان فراهم کرد تا درباره تجربیات گذشته خود صحبت کنند. این فرصتی است برای تحت تأثیر قرار دادن بنگاه‌های کاریابی که از معلولان استفاده کنند و ارزش‌های نهفته و ناپیدای آن‌ها را به تصویر بکشند. درنتیجه چنین هم‌اندیشی‌ای، بنگاه‌ها را برای به‌کارگیری معلولان دارای مهارت و توان کار کردن برانگیخت. شبیه‌سازی نیروهای کمکی ذکرشده در کشور امری شدنی و اثرگذار است. اجرای این برنامه‌ها خشنودی و تائید توان‌خواهان را در پی دارد.

رابطه بین فقر مزمن و معلولیت با توجه به فرهنگ بومی و بین فرهنگی متفاوت است. باوجوداینکه معلولان بخش بزرگ‌تر نامتعارفی در جمع افراد دچار فقر مزمن هستند و همه‌ی معلولان تجربه‌ی نوعی از تبعیض را داشته‌اند، همه آن‌ها دچار فقر مزمن نیستند. فقر تنها کمبود درامد و منبع مالی نیست بلکه محدودیت و قدرت نداشتن در اجتماع را شامل می‌شود. سیمون مکی ول می‌گوید افراد به دلیل دور ماندن از سازمان‌هایی که کاربرد موقعیتی رسیدگی به مسائل جنسیتی و نژادی دارند، فقیر می‌شوند. محرومیت منجر به دسترسی نداشتن به منابع، کاهش انتظارات، بهداشت و سلامت نامناسب و تحصیلات ضعیف می‌شود. به همین دلیل ما به بررسی معلولان دچار فقر مزمن که دلیل آن کم بودن درامد است، به همان اندازه کسانی که محرومیت اجتماعي دارند می‌پردازیم. فرد معلول از همان آغاز تولد یا از زمانی که دچار معلولیت می‌شود، دچار تبعیض است. لزوم رسیدگی و داشتن یاریگر همیشگی، در بسیاری موارد مانعی برای تشکیل خانواده در آینده است. زمانی که کودک معلول مریض می‌شود، بسیار محتمل است برای درمان وی کاری انجام نشود و به امان خدا رها شود. ممکن است با این فرض که آن‌ها با محیط مدرسه و هم مدرسه‌ای‌ها کنار نمی‌آیند یا اینکه آگاه شدن جامعه از معلولیت فرزند، احتمال ازدواج سایر فرزندان را کمرنگ می‌کند یا اینکه ارزش سرمایه‌گذاری و خرج پول را ندارند چراکه به‌جایی نمی‌رسند، از مدرسه محروم شوند. ائتلاف بین‌المللی معلولیت و توسعه تخمین می‌زند ۹۸٪ کودکان معلول در کشورهای درحال‌توسعه از داشتن تحصیلات رسمی و پیگیر محروم‌اند (IDDC، ۱۹۹۹). آن‌هایی هم که بهره‌مند از تحصیلات‌اند معمولاً از آموزش درجه‌دو با سطح انتظارات پایین از خودشان و انتظار پایین خانواده روبرو هستند و نمی‌توانند به مساوات در این مورد مشارکت کنند. در خانواده معمولاً از فرد معلول درخواست‌های کم و دست پایینی دارند. آموزش اجتماعی آنان کمتر از خواهر برادرهای آن‌ها است؛ بنابراین از ابتدا آن‌ها از ارتباطات روزانه و معمول که به‌آسانی در اختیار افراد سالم قرار دارد، به دور هستند. در کشورهای درحال‌توسعه و فقیر، ضعف جسمانی ممکن است کودکان را اجباراً یا از روی بی‌توجهی و سهل‌انگاری به سمت خیابان و اختلالات متعاقب آن مانند گدایی بکشاند. چراکه باوجود خیابانی بودن، آن‌ها برای کار کردن و درآمد داشتن، توانایی هم‌ترازی با کودکان سالم خیابانی ندارند.

کۆڵبەرنامە...

هیچ کولبری زنده از مرز بازنمی‌گردد

■ **محمد دانش**

عکسی خوب و گویا، تعدادی نیروی ضد شورش مسلح به باطوم، کلاه‌خود ضدضربه، سپر دفاع در خیابانی نه‌چندان عریض و اما جلوشان مردی نزدیک به پنجاه سال سن و قدی متوسط، موهای کم‌پشت، ریشی جوگندمی با پیرهنی نارنجی و شلوار کوردی و کفش‌های صندل. مرد ایستاد محکم و بااراده سرش را بالا و دست‌هایش را پشتش قرار داده و سعی دارد هجوم نیروهای ضد شورش را به چالش بکشد.

دید مرکزگرایانه و مطرود کردن حواشی نشینان کشور

بعد از کشته شدن دو کولبر از هالی بانه به اسامی حیدر فرجی (۱۲ ساله) و قادر بهرامی (۱۴ ساله)، به تاریخ سیزدهم شهریور سال جاری، فضای عمومی کوردستان ملتهب و مردم عصبانی از تداوم این کشتارها بودند. شهرستان بانه با تعطیلی بازار اعتصاب عمومی اعلام کرده و با آمدن به جلو درب فرمانداری و دیگر اماکن عمومی و دولتی، خیابان را برای تریبون اعتراضات خود انتخاب کردند. تصویر مرد ایستاده‌ی بانه‌ای نمادی گویا از اعتراضات مدنی ست، مرد ایستاده فرار نمی‌کند چراکه با اعتمادبه‌نفس حقش را می‌خواهد، مرد ایستاده بانه‌ای از ضرب و شتم احتمالی عناصر نظامی هراسی ندارد چراکه معتقد است برای به دست آوردن حق باید هزینه داد، باید ایستاد.

دیگر شهرهای کوردستان نیز اعتراضات و اعتصاباتی را اعلام و به شیوه‌های مختلف و پراکنده برگزار کردند؛ اما به‌مانند اتفاقات مشابه قبلی در جای‌جای کوردستان، جو متشنج کمرنگ شده و علی‌رغم خون‌های ریخته شده و به‌جا ماندن فرزندان یتیم، غائله مختوم و مواضع افکار عمومی منتج به نتیجه ملموسی نشد. قربانیان به خاک سپرده شدند و از فردای اتمام اعتراضات برادرانشان بساط کولبری را برداشته و رفتند تا که شکار بعدی مرزبانان باشند.

به‌راستی چه کسی مقصر است؟ مرزبانان؟ اختلاس گران؟ مدیران توسعه کشوری و استانی؟ دید مرکزگرایانه به اقتصاد؟ عقده‌های نهفته به دلایل گوناگون؟ متولیان اشتغال؟ سرمایه‌داران و صاحبان اصلی کول ها؟ خود کولبران؟

راه‌حل کدام است؟ تغییر نگرش به معیشت؟ ایجاد فرصت‌های شغلی و جایگزین‌های مناسب؟ اعتراضات مدنی؟ حرکت‌های نمادین؟ استفاده از مجراهای قانونی؟ و ...

شاید اگر ریزبینانه تر به موضوع نگریست، مقصرین و راه‌حل‌های فراوانی یافت؟ اگر اراده‌ای در حد کلان مجالس قانون‌گذاران و محافل قدرت برای حل این بحران می‌بود کار به اینجاها نمی‌کشید. کولبری از عدم اهتمام مسئولین رده‌بالا و نمایندگان کوردستان در مجلس شورای اسلامی رنج می‌برد. کولبری و حواشی آن تبدیل به امری عطف به تغییر رویکرد جدی نشده است، دید مرکزگرایانه و مطرود کردن حواشی نشینان کشور مانع بررسی چنین موضوعی است و کولبران به‌مراتب خونی کم‌رنگ‌تر از مرکزنشینان دارند.

کولبر دچار خود استثماری می‌شود؛ اول عزت‌نفس خود را می‌بازد و سپس غرور انسانی‌اش را

و اما رسالت فعالین مدنی، کنشگران حوزه حقوق بشر، داعیه‌داران حقوق کارگران و مدافعین طبقه پایین‌دست جامعه چه می‌تواند باشد؟ کولبری کاری سخت، پراسترس و تحقیرکننده می‌باشد، کولبری شامل هیچ‌کدام از آیتم‌های جهانی و حتی ایرانی شغل نمی‌باشد، فاقد بیمه، فاقد مرخصی و عیدانه، فاقد بازنشستگی، فاقد امنیت و ... است. اولین کسی که به کولبر رنج روا می‌دارد خود اوست، کولبر دچار خود استثماری می‌شود، در اولین اقدام عزت‌نفس خود را می‌بازد، غرور انسانی‌اش بعدها پایمال می‌شود و عملا دچار بحران هویت انسانی می‌شود. هیچ کولبری زنده از مرز بازنمی‌گردد، یا جسمش را جا می‌گذارد یا روح و روانش را. با این اوصاف دفاع از کولبری نمی‌تواند کنشی انسانی باشد، چراکه انسان در شان این‌همه رنج نیست، کولبر به‌مثابه یک انسان باید تفکیک از این کنش گردد. کنشگر نماها خیلی اوقات دچار این مغلطه می‌شوند، کسانی که رنج انسان را در فضای مجازی در راستای بالا بردن لایک هایشان به نمایش می‌گذارند، کسانی که قبح خُرد کردن کرامت انسانی را می‌شکنند. «یک انسان باشرف که به دیدار کولبران رفته است»؛ این عنوان ویدئویی یک و نیم دقیقه‌ای است که یک مرکز نشین مرفه با تیپی شیک‌وپیک تهرانی با دوربینی به کوه‌های هورامان رفته و مسخ انسان را فیلم می‌گیرد، انسان باشرف (!) از کولبری که حین حمل کول، موسیقی گوش می‌دهد به شعف آمده و به‌مانند کشفی خارق‌العاده از آن حرف می‌زند. انسان باشرف (!) حین نمایش تحقیر برده‌ها لنز دوربین را به طرف خود گرفته و با این کار اورجینال فیلم را به نام خود ثبت می‌کند! فراوان‌اند کسانی که در فضای مجازی با جمله هائی چون: من نیز کولبرم»، «کولبر قهرمان است»، «کولبران شریف‌ترین انسان‌ها هستند» و ... صورت‌مسئله را به گند می‌کشند. البته که حذف و تعویض صورت‌مسئله راه‌حلی مرسوم از سوی نهادهای حکومتی است، ساماندهی کولبران، صدور کارت کولبری، مژده برای ایجاد معابر جدید، تفکیک کولبر و قاچاقچی (کارت دار و بی‌کارت)، ازجمله تلاش‌های دولت است برای چنین امری.

قهرمانان حبابی و موج‌سواران در پی بزرگنمایی شخصیتشان هستند

پروسه پاستوریزاسیون کردن مواضع از سوی کنشگر نماها به اینجاها ختم نمی‌شود بلکه به‌مرورزمان نسخه‌ای مسخ‌شده از فعالیت مدنی را عرضه می‌کنند که فاقد هرگونه تأثیری در حل مشکلات پیش روی جامعه می‌باشد. کاربران فضاهای مجازی با شعارهای آب و تابدار چنان به عوامل رخدادها می‌تازند که مخاطب از این‌همه جسارت متعجب می‌شود، اما عرصه عمل سوت‌وکور است. کنشگر نماها موضوعات داغ روز را که به‌شدت لایک آور است و در راستای بزرگنمایی شخصیتشان است انتخاب نموده و در این کار موج‌سواران قهاری هستند، ایشان با این کارهای لوس شده ارضا می‌شوند و رسالت انسانی خود را صرفاً در آن می‌بینند. قهرمانان حبابی کاروان حرکت‌های حق‌طلبانه را به ناکجاآباد هدایت می‌کنند و این زنگ خطری جدی است که نباید آسان از کنار آن گذشت.

(بەشی هەشتەم)

ناوی ئاژەڵان لە پەندی پێشینییان و کولتووری کوردەواریدا

■ **ئەحمەد موسەنەفی**

پیتی (ک)

ئەگەر **کەر** ببێ، کۆپان هەر دەس
ئەکەوێ
ئەو **کەرە**، **کەری** ئەم بارە نییە
ئەو کەسەی **کەری** نییە، لە جۆ
خەبەری نییە
ئەونە قەڵەو و چاخە، ئەڵێی **کەری**
چەرچییە
ئەڵێی **کەر** بە لووتیا تسیوە
ئەڵێی **کەری** کاروانییە
ئەڵێی **کەری** گوێ بڕاوە
ئەڵێی **کەرە** و بۆ نالبەن ئەڕوانێ
بووە بە **کەری** سوالکەر
بوو بە **کەری** نیوەسەڕ
هاهاها، **کەر**بازارە
بڵێی بە **ئەسپی** حاکم **یابوو**، ئەتکەن
بە **کەر**
بڵێن بە **کەر** ئاوێنە بێنە، ئاور ئەهێنێ
بۆ تۆ خۆم چڕان، **کەریشم** تۆپی
بۆ **کەری** وەستاو، سووزنێک بەسە
بۆ **کەری** شەل، کاروان ناخەوێ
بە پەتی درێژ، **کەری** بەستەوە
بە تانەوتەشەر، **فیل** ئەکەیتە **کەر**
بە چڵێ کەما، **کەر** دێتە سەما
بە سینە شێرە، بە پشت **ماکەرە**
بە سەروەر و بە پەروەر، تەواو نەبوو
باری **کەر**
بە سەپینی **کەر**، بەهار نایە
بە **کەر** و بە کۆڵ دار ئەهێنێ
بە **کەر** و بە کوڕ بۆ جیران، چاک بە
لەگەڵ فەقیران
بە **کەری** کۆڵ و سەوەتەی خاڵی، بۆ
ماڵ کوێخا ئەپرسێ
بە دۆعای **کەر**، جۆ نابارێ
بە نەقیزە نەبێ **کەر** حاڵی نابێ
بە ڕیشی سپی باوەڕ کەم یا بە سەڕەی
نێرەکەر
بەدکار، **کەر** و جۆ لەیەک ئەکا
بە **کەر** بڵێن ژیر، جۆی ئەچێ لە بیر
لە بەهارا، **کەر** دێتە سەرین
بێگاری وەک **کەر** ئەسەڕێنێ
ئەو **کەرە** لەو قوڕە دەربێنە
پاشاخوڕی **گا**، بۆ **کەر** باشە

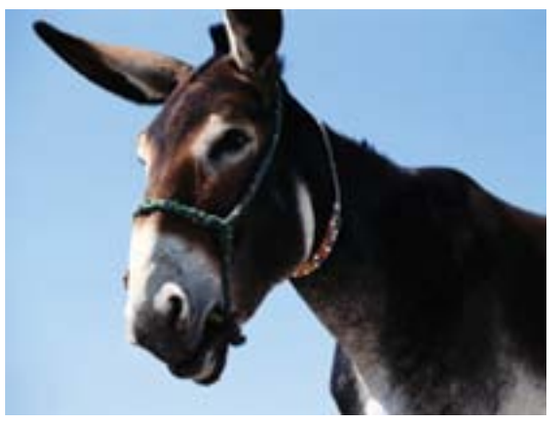

تا **کەر** لە بەغدا
نەسەڕێنێ، بەری نادا
تا **کەرێک** ئەتۆپێ، سەد
سەگ چاوەڕوانە
تا **کەرەشەلی** هاورد،
کاروان باری کرد
تا **کەرەشەل** هاتەوە،
کاروان حەسایەوە
تەشیڕێس ئازا بێ،
بە کلکی **کەریش** بێ
ئەیڕێسێ
تەقی زێر، لە ملی **کەرایە**
جاروباریش سمی **کەر**
ئەتاشن
جوان مەنێرە بۆ داوای ژن، پیر مەنێرە بۆ
کەرسەندن
حەیفە زین کەی لە **کەر**
چینی **گا** و **کەران**، ماڵ ئاواکەران
حاشا لە شاییە **کەر** هەڵی ئەسووڕێنێ
خاوەنی **کەر** لە دوای **کەرەوەیە**
خووی **کەر**، تڕینە
خۆ سەری **کەر** ناخورێ
بێستان بێ **سەلکەکەر** نابێ
خۆم و **کەرم** لە سێبەر، عالەم بسووتن
لە دەر
دارایەکەی باری **کەرێکە**
دانا بە حەرفێ، **کەر** بە نەقیزە
درۆ **کەری** درۆزنە
ڕەفیقی **کەر** بەشی تەرسە
زیوزەڕ، **کەر** ئەخاتە سەڕەسەڕ
ئەگەر **کەری** بەرابەری، ئەگەر **هێستری**
سەربەسەری
هێلکەوڕۆن کە بۆ **کەر**، گوێی تێ ئەخا
ئێژێ **کەرەکەی** من لای **ئەسپەکەی**
خان بەسنەوە
بۆ **کەرێک** ئەگەڕێ، کوتەنالێکی پێوە بێ
با بە لای **کەرا**، کۆپانەکەی لێ ئەگرێتەوە
باری **کەر** دایم قورسە
باڕێ بڕنەو بنێ لە **کەر**، **گورگ** ئەیخوا
بە **کەر** ناوێرێ، بە کۆپان شێرە
بەرەوخوار و بەرەوژوور، **کەرەکوڵ** و
خورجەسوور
بزن ئەڵێ بە **کەر**، لەقە مەوەشێنە،
خۆی شاخ تیژئەکا
بزن و **نێرەکەر** ماڵوێرانکەر، **مەڕ** و **ماکەر**،
مالئاواکەر
جا وەرە ئەم **کەرە** بێنە و ئەم تڕوێیە
بار کە
خۆزگە بەو کەسە بۆ خۆی مردووە، لە
هاوڕێی **کەر** نەجاتی بووە
خوا ... ئەداتە **نێرەکەر** و ماڵ بە
مووسایی
لەوەڕ خۆش ها لە ژێرسمی **کەرا**
کەر کە تۆپی ڕای ئەکێشن بۆ کەناو
سم سمی **کەرە** چنگ چنگی یاسێ، من
ئا لەم کارە سەرم ئەماسێ
گا کردی **کەر** خواردی
عەجەب **کەر** بە فاڵێکە
قەزای **کەری** خۆم ئەخەم لە **ئەسپی** تۆ
کەر تڕی، **جاشەکەر** دەرپەڕی
کەر خۆمە و گوێچکەی نالێ ئەکەم
کەر کەوتە قوڕ، ساحێوی بەقەی حەو
نەفەر زۆر ئەکا
کەر لە کوێ کەوتووە، کونە لە کوێ
دڕاوە
کەری کۆن و هەوساری تازە
وەک دوو گوێی **کەر** جووتن
نە **کەر** ژیر ئەبێ، نە حیز پیر ئەبێ
لە **کەر** مەپرسە دووشەممە کەیە
ئەڵێی **کەری** جووتیارە هەر لائەکاتەوە
وشتر گێجە شوێن **کەر** ئەکەوێ
هەرکە **کەر** بێ، هەر یەکێ سواری ئەبێ
دیانی **سەگ** بابەتی گۆشتی **کەرە**

ای قوم به حج رفته ...

■ مدرک کریمی

۱

تمایل به ردگیری مفاهیم عمیق و اندیشه‌های ناب بشری در دل کتاب‌ها و نوشته‌های فلسفی،ادبی و... دورانی طولانی است که مد شده، مخصوصاً حالا که سیل نوشته‌های آنلاین و آفلاین و کتابی و مطبوعاتی، حکایت هر محله و دکان و بازاری است!

از دست دادن بینایی درون، راه را بر کوری باطن می‌گشاید!

نسل ما هم که با اردنگی و ترکه و چوب و سیلی، زورچپان، وارد مدرسه و معرکه شدیم، کم‌کم و به‌ناچار، عادتمان دادند که بزرگی و عمق را از دهان کسانی بجوییم که اهل نوشتن و کتاب و کتابخانه‌اند و همین باعث شد؛ بت‌های ذهنی‌مان نه در محیط ملموس دوروبر، که در شهرهای دور و بلاد بعید جای داشته باشند: ازمابهترانی که کتاب نوشته اند–شاملو، صادق چوبک، امیرحسین آریانپور، مارکس، نیما، فروغ، گارسیا مارکز، کامو، و...–آن هم نه به اتکای مطالعات پیگیر و قوام‌یافته که بیشتر شعارزده و از روی تعصب و ذهن‌بینی، مثلاً شاملو را می‌پرستیم حتی سیگار و اعتیادش را توجیه شده می‌دانیم نه به پشتوانه‌ی غور و کنکاش در کتاب‌ها و افکارش بلکه با اطمینان از به‌روز بودن و مد بودن نام و شهرتش، البته برای دررفتن از اتهام عدم مطالعه‌اش چند شعر ساده‌ی و همه‌فهم وی مانند:"دهانت را می‌بویند/ مبادا که گفته باشی دوستت می‌دارم" و یا:"لبانت به ظرافت شعر/شهوانی‌ترین بوسه‌ها را به شرمی چنان مبدل می‌کند/که جاندار غارنشین/ از آن سود می‌جوید و..." را حفظ می‌کنیم، غافل از اینکه، شاملو یا هر نویسنده‌ی دیگری، مثل ما، موجودات خرده‌شیشه دار دوپا؛ که روزی سه الی چهار نوبت، مقدار معتنابه‌ای آذوقه را طی مراسمی مفصل و جان‌کن، به کودی بدبو تبدیل می‌کنیم، انسان و جایزالخطا بوده‌اند (اتفاقاً خیلی وقت‌ها خطاهای بزرگ را آدم‌های بزرگ مرتکب می‌شوند و این حرف من نیست گواهی تاریخ است) و نباید از آن‌ها بت و امامزاده ساخت، شاملو سهل است بزرگان فلسفه‌ی غرب و شرق و بودا و زرتشت هم هم‌ردیف این قافله‌اند. از بحث دور شدم، کتاب زده بودن و چشم و دل را معتاد نوشته و کتاب کردن در بسیاری اوقات باعث می‌شود دیدگاه نسبی و انتقادی را که ویژگی انسان مدرن و متفکر است از دست بدهیم! از دست دادن بینایی درون، راه را بر کوری باطن می‌گشاید! کورِ باطن که شدیم، دیگر، آدمی می‌شویم ظاهراً عالم که بسیاری مطالب و شعار و نوشته را حمل می‌کند امانگاهش تار و کج است و راه به پستوهای نمور دارد نه به پنجره‌ها و دریچه‌های گشاده به آغوش نور.

بدجور یک بُعدی بار آمده ایم

اعتراف می‌کنم خیلی وقت‌ها فکر کرده‌ام که در خانواده‌مان، چقدر بدبختی‌هایمان، ریشه در بی‌سوادی پدرم دارند و پیش خودم گله کرده‌ام که ای‌کاش پدرم دیپلم داشت، چراکه از این طریق راز دهر و ملکوت و سما را در سطرهای بیجان لبالب از تجربه و معنا و اندیشه بعد از ازدواج با مادرم حمل می‌کرد و هرروز جرعه‌ای از این بی‌کرانه را به مشام جان ما روانه می‌کرد و در معیت و همدوش پدری دیپلم، در نردبانی شبیه پله‌های برقی پاساژهای چندطبقه، سوت‌زنان و بی‌خیال، به اشراق و معراج و پیشرفت، صعود می‌کردیم. پدرم و هم‌قطاران هم‌نسل پدرم در نظر من آدم‌هایی بودند که از نعمت دمخور شدن با عمق اندیشه‌های نظام‌یافته‌ی بشری که در دل کتاب‌ها لانه داشت، دور بودند و لاجرم موجوداتی بودند فسیل، که نه از راز زندگی بهره‌ای برده بودند نه بلد بودند تصمیمات درست و امروزی بگیرند و نه با اندیشه‌ای عمیق حاضر بودند راجع به مرگ و پایان حیات فکر کنند چراکه نظام آموزشی ما را معتاد کرده بود که سراغ این مفاهیم را فقط از نوشته‌ها و منابع مکتوب باید گرفت؛ نه در کوچه‌پس‌کوچه‌های خاک گرفته‌ی نودشه و آدم‌های دم دست دوروبر! اما روزبه‌روز که گردونه‌ی زمان، کودکی و خامی چندلایه‌ی اولیه را از من گرفت پی بردم که همین بیخ گوشم متنی زنده و کواپاتول پوش، کتابخانه‌ای را از فراسوی پیشا تولدم تا اکنون سی‌وهفت‌سالگی‌ام حمل می‌کند که نام همیشه‌اش:"تاته "است فهمیدم پدر دیپلم نداشته‌ام، در دانشگاه باغ "دروعاز"* و" بیسکی "* و "سیروانسک "و"ملگاو قولی "*و... با استادانی همچون:انجیر و توت و چشمه، صدها هزار واحد رویش و برگ و بار و خزان و سرما و نوروز و آتش را در سکوتی بودایی و اهورایی، تنفس کرده –تفکر پدرم نه با واژه‌های پرطمطراق باب روز و روزنامه که با رفتار درست و درخور در حق یک سنجاب، گربه‌ی پشت‌بام، یک نه مام، پیرزن ندار همسایه، حس حلول بهار، گرمای هم‌نشینی‌های زمستان و کلاش چیدن‌های دورهم غروب‌های پشت‌بام و...آشیان دارد. نسل ما که با رکتاب و نوشته و سی دی و تبلت و لپ تاب و...بدجور یک بعدی بارمان آورده نیاز اکید داریم در عین احترام به نعمات دنیای مدرن با دیدی عاری از تعصب، تجربیات گذشتگان بلافصل خودمان را رصد کنیم تا آن‌وقت ببینیم مدرسه و دانشگاه و واحد و ژتون و. چه ها که با اعصاب و شخصیتمان نکرد.

مدینه‌ی فاضله دروغین و موهوم را در گذشته‌ی ازدست‌رفته‌ی چرکین دنبال نکنیم

اگر از پدر من بپرسید صادق هدایت کیست؟ به‌احتمال قوی نمی‌داند که در پرسپولیس بازی می‌کند یا در وزن منهای شصت کیلو کشتی می‌گیرد و اینکه بوف کور را فروغ فرخزاد نوشته یا محمدرضا شجریان ؟! اصلاً قاطی این چرت‌وپرت‌ها نشده، ولی اگر از پدرم درباره‌ی درخت و آب و آبیاری سؤال کنی، چنان به سلوک گردو و سایه‌ی چنار و رفتار توت و انگور وارد است که نسل جدید با کیبورد و پیت بال و جنیفر و کریس رونالدو و پلی‌استیشن و کلش اف کلنز و زهرمار!

قصد من در این نوشته نه متهم کردن تمام لحظات دنیای ظاهراً مدرن اکنون است که تا خواسته باشم مدینه‌ی فاضله‌ای دروغین و موهوم را در گذشته‌ی ازدست‌رفته‌ی چرکینی دنبال کنم، پدرم حکایت‌ها از وضعیت فاجعه‌بار بهداشت و حمام و دستشویی و شپش و...از وضعیت سرسام زنان و دختران سال‌های دور کودکی و جوانیش با خود دارد– که البته جای این سؤال هست که آیا وضعیت زنان و دختران از آژیر قرمز به آژیر سفید رسیده یا اسفبارتر و به وخامت رسیده است؟ و به گونه گذاری و بوتاکس و تحصیل نیمه‌کاره و خانه‌نشینی رسیده است؟ باید پرسید و دید و شنید –سیاه‌سفید جلوه دادن دنیا کار نامزدهای انتخاباتی برای قاپیدن چندروزه‌ی دل مردم جهت کش رفتن آرای آن‌هاست نه وظیفه‌ی این نوشته که فقط درد دل مکتوبی است.

*اسم باغات نودشه

۲

در کتاب زبان انگلیسی سوم دبیرستان در مبحث noitacudE به این جمله برمیخوریم:
gniraperp si noitacude fo esoprup ehT
.efil rof nerdlihc

مدعای بزرگ و بسیار مسئولیت آوری. چه ترسناک!. باید از نظام آموزشی پرسید بچه‌ها را از چه جهت آماده می‌کند؟ پرورش خلاقیت‌های فردی؟ هنر؟ ورزش و رقابت؟ احترام؟ هیجان؟ ...؟ ...؟ یا ...؟ قوت لایموت این نظام هزارساله‌ی دوازده‌ساله در کنکوری خلاصه می‌شود که شیطنت و بازی و رنگ و سؤال و هنر و اشتیاق را از بچه‌ها می‌گیرد در عوض با گاج و قلمچی و مدرسان شریف و تست‌های موهن، آن‌ها را پس از چهاااار ساااااال نخود سیاه دانشگاه و واداشتن لشکر داوطلبان به ثبت‌نام در سامانه‌ی سنجش دات آی آآآر و واریز مبلغ درخواستی و کد رشته‌ی شغل موردنظر به شرکت در آزمون سرسام و استخدام دل‌خوش کند آن هم استخدام یک نظرکرده‌ی مطمئن از میان سی چهل هزار رأس گماشته‌ی واحد پس داده ... چه شکلک زشت بی‌برگ و باری است این زندگی ... چه برهوت تاول و چرکابه‌ای است این ردیف صندلی‌های منتظر...

معلمانی که کلاس را با آشویتس اشتباه گرفته‌اند

از خودم بگویم، بچه‌ی ترد و نحیف و مشتاقی بودم که سال‌های باروت و آژیر و کاتیوشا را روی نیمکت‌های چوبی مخروبه‌ی تاریکی که هنوز نمی‌دانم چطور می‌شد کلاس باشد سر کردم ... موجود مهیب انکرالاصواتی را در کسوت معلم بالای سرمان اجیر کرده بودند که کلاس را با آشویتس اشتباه گرفته بود، کافی بود ما را در حین ارتکاب گناه کبیره‌ای چون جویدن ته چوبی مداد یا چروک کردن خفیف ورقه‌ی امتحان یا حتی دویدن در میان کوچه آن‌هم در روزهاااای تعطیل ببیند، همین فقره جرم کافی بود تا چیزی شبیه اتاق گاز اردوگاه داخائو در انتظارمان باشد. این آدولف حقوق بگیر بخشنامه پرست، تالی نحس اجناس ماقبل خود یعنی آیشمن و گوبلز و آتیلا بود منتها نه در جایگاه رئیس حزب نازی که در لباس آغه ی معالیم.

درِ این مدارس را با گِل باید بست

آن روزهای جیغ و خون و خانواده‌ی آقای هاشمی گذشت و آمدیم تاااااا کنکووورر! مثل این بود که جلوی منزلمان یک‌صد دستگاه اتوبوس منتظر، آماده‌ی عزیمت و کوچاندنمان باشند بدون اینکه نه از مقصد باخبر باشیم و نه از طبیعت راه نه حتی از هویت راننده، هریک از ما الله‌بختکی و بیشتر از روی شیک بودن اسم، اسم کد رشته‌ها را تا شماره صد در برگه‌ی مخصوص، الکی و بدون شناخت، لیست کردیم و نوشتیم ... آن‌طور که خودشان می‌گفتند ماشین مصحح از روی هزار معیار بی‌ربط که حتی یکی از آن‌ها سنجش میزان علاقه و اشتیاق داوطلب نبود، ما را ملزم به رفتن یا ماندن می‌کرد؛ اما به کجا می‌رفتیم؟ یکی الکی شیمی محض زابل آورده بود و آن دیگری ـشانسکی ـمدیریت گردشگری علامه، اما ما نه از رشته‌ی شیمی اطلاعی داشتیم نه از مدیریت و گردشگری ... روانه‌ی کلاس‌های دانشکده که شدیم وسوسه‌ی شماره یکمان وجود همکلاس‌هایی از جنس مخالف بود (من در دانشکده مات و مبهوت بودم چرا به این پری‌های مانتو پوش عشوه فروش میگویند: جنس مخالف! چون واااقعا با آن‌ها موافق بودم ...) خلاصه، سودای پسرها دختر بود و پرپرواز تخیلات اجناس لطیف، پسرهای واجد شرایط ازدواج. کمتر دانشجوئی سر در پی درس و کتاب و آموختن داشت، دانشکده بیشتر کارناوال سؤالات خفیه‌ی جنسی و تبادل روش‌های موهوم دلبری بود. یکی الکی به کلاس گیتار می‌رفت، آن دیگری یکهو سکولار دواتشه می‌شد نه اولی قادر به نواختن یک ملودی ساده بود و نه جناب متفکر سکولار اهل این عوالم و افکار بود اولی داروساز مایه‌داری شد که در کنار شغل شریف داروفروشی بسازبفروش هم هست دیگری کارمند دون‌پایه‌ی شهرداری است که دوراز چشم همسرش دو سیم‌کارت ایرانسل و رایتل دارد ... برای همین است که شلم‌شوربای اجتماع ما نه پرورشگاه اشتیاق علاقه‌مندان که پارکینگ بی‌رونق کارمندان و حقوق‌بگیران بی‌سؤال است.

کنکور و تست و گزینه‌های چسکی، آوردگاه توهین به انسان و کرامت علایق اوست ... تیراژ کتاب‌های قلمچی و گاج و مشاوره‌های تست‌زنی در چاپ‌های پنجاهم و هفتادم به یک‌صد هزار و بلکه بیشتر می‌رسد آن‌وقت فلان اندیشمند شناخته‌شده، داستان‌نویس خلاق، مورخ انسان‌دوست، کتاب‌هایش را با تیراژ کمتر از پانصد نسخه چاپ می‌کند. جامعه‌ی ما کتاب می‌خواند منتها گاج و تست و آزمون استخدامی ... خلاصه کنم، هر مدرسه‌ای که نتواند دانش‌آموزانش را به کسب مهارت و اشتیاق به یادگیری و پرورش خلاقیت و هنر به درجه‌های بالاتری برساند باااید درش را با گل بست.

قەیرانی ژینگە، دۆخی ئاڵۆزی ژیان

■ سەلام سماییل‌سورخ

هەوەڵ جار چەخماخەی ژیان لە کوێوە لێدرا؟ جومگەی ژیان، پێوەند پێوەلکانە، هیچ شتێک بە تەنیایی بەردەوام و بەروبوومی نابێ؛ نازانین باوک و باوەرەی ئێمە لە ڕابردووی دوور چلۆن ژیاون، بەڵام ئەوەی کە ڕوون و ئاشکرایە، هەتا بەو ڕۆژە گەیشتوون، ڕێگایەکی دوور و سەختیان پێواوە. زۆر ئازایانە لە دڵی ئەشکەوتەکان هاتنەدەرێ، بە کشت و کاڵ و پێکەوەژیان لە سەر زەوی خەریک بوون. ڕۆژگارێکی دی دەستی پێکرد، بەداخەوە مرۆڤ، بۆ قازانجی تاکەکەسیی خۆی، بەرژەوەندیی گشتی وەبەرچاو نەگرت. ئەوە یەکەم هۆکار بوو بۆ قەیران و گرفت لە داهاتووی زەوی. بوونەوەران بە هەزار شێوە تێکەڵاوییان هەیە. هەندێک خۆیان لەگەڵ ژینگە ڕاهێناوە، جاری وایە ژینگە خۆی لە گەڵ بوونەوەران هاوسۆز کردووە.

لە میرات و گە نجینەیەک کە ٤/٥ ملیارد ساڵ زەوی پێشکەشی کردبوو، کەڵک وەردەگرین. مرۆڤ بە هەموو چکۆلەیی خۆیەوە، هەموو شت دەخاتە ژێر ڕکێفی خۆی. هاوسەنگی لە نێوان مرۆڤ و سروشتدا بوو. زەوی پیرۆزییەکی بوو. تەنانەت کەوتە نێو ئایین. بە پارێزەوە لەگەڵ زەوی دانووستان دەکرا.

زانایی زۆرتری مرۆڤ دەبێتە هۆی پەرەپێدانی ژیان و دەسەڵاتی زۆرتر. نزیک بە ١٠ هەزار ساڵە کە زانایمان کەوتووەتە گەڕ؛ کشت و کاڵ بوو بە هۆی زۆربوونی خواردەمەنی.

ئێمەی مرۆڤ وەک بوونەوەرەکانی سەر زەوی، شارەکانمان ئاوەدان کردەوە، شاخ و بەرد توێکڵی وشکەوە بووی میلیاردەها بوونەوەری وردی ئاوین، کە دوای مردن، سەخت بوونەوە، سروشت وێنەیەکی دی بە خۆیەوە گرت، بەڵام مرۆڤ بە دادپەروەرییەوە دانوستانی لە گەڵ سروشتدا نەکرد. بۆ ئاسوودەیی خۆمان، هەموو شتێکمان ژێرۆژوور کرد. وەک ئەوەی هاتووینەتە سەر ئەم عەرزە کە کانگا و میراتی هەزاران ساڵەی ئەم سروشتە داپلۆسێنین.

شارەکان هەراو، لە گەنجینەیەک کە لە خولقاندنی ٤/٥ ملیارد ساڵ زەوی پێشکەشی ئێمەی کردووە، تەنیا بە ٢٠٠ هەزار ساڵ ژیان ژێرۆژوورمان کردووە، کە نزیک بە ١٨٠ ساڵ ژیانی قەڵەندەری و ئاوارەیی بوو. بەڵام بەیارمەتیی هەوای خاوێن، ئاو و خاک و ژینگەی لەبار، ژیانێکی نێومان دەست پێ کرد کە ئاکامی پەرەپێدانی دەسەڵاتی مرۆڤی لێ کەوتەوە. بوویـن بە سەییاح و گەڕیدەی وشیار، دابەزینە سەر سەیارەی مانگ، شاری گەورەمان پێکەوەنا، لە سەرەتای ٦هەزار ساڵ پێش ئێستا کە شارنشینی کەوتە گەڕ، بیر و سەروەت و سامان کەوتە کایە، ژیان دیمەنێکی دیکەی بە خۆوە گرت. مرۆڤی وشیار و زانا بە زگی برسی لە سەر سروشت، دنیا داگیر دەکا. زانایی لە سەر کشت و کاڵ، زۆربوونی حەشیمەت و شاری ئاوەدانی لێ دەکەوێتەوە. ژینگە و مرۆڤ کەوتنە ئامێزی یەکتر، ژیانی تازە کەوتە گەڕ؛ کە بە دۆزینەوەی (نەوت) سەرکەوتنێکی بەپەلە و سەرسوورهێنەری لێ دەکەوێتەوە. کە لە ٥٠ ساڵ دواییدا، بە قەد تەواوی ژیان، سەرکەوتن و سامان دەستەبەر دەکا؛ یەک لیتر نەوت لە ڕۆژێکدا بە قەرا ١٠٠ باسکی کرێکارێک توانایی وزەی هەیە. ٧٠ لە سەدی ئاوی جیهان بۆ کشت و کاڵ سەرف دەبێ؛ کشت و کاڵ دۆخێکی دیکە دەخولقێنێ. لە دەسەڵات خوازیی مرۆڤەوە، بە هەزاران جۆر دار و باڵندە و گیا و گوڵی لێڕەوار لەناو ئەچن. کشت و کاڵی بەپەلە دەبێتە کاری هەموو ڕۆژمان، جارەکان دەکێڵدرێن، دەشت و کێو بە ئاسن ژێرۆژوور ئەبن، شاخ و کێو بە دەست جادە و گۆڕەپانەکانەوە دەنالێنن. مرۆڤی سکەڕۆ چاوی تەماح و ناپاک دەبڕێتە هەر زیندەوەرێک.

بە یارمەتیی (نەوت) و کاری هەرزان ئاڵوگۆڕی بەپرتاو و بەپەلە وەک شێرپەنجە وڵات دادەگرێت. لەو ٢٠ ساڵەدا بە قەد تەواوی مێژووی مرۆڤ کانگا و مەعدەنمان دەرهێناوە. لە ساڵی ١٩٥٠ی زایینی بەولاوە ئالووێر ٢٠ بەرامبەر بووەتەوە، کە نەوەد لە سەدی لە ڕێگای زەریاوەیە. بە داهاتی نەوت لە (دوبەی) هەموو شتێک دەکرێ، وەک چێ کردنی بەرزترین بورجی دنیا بە ٨٠٠میتر بەرزایی، بالاخانەی سەیروسەمەر، عەیباش خانەی سیحراوی، کە لە خەون و خەیاڵی خەلیفەکانی عەباسیشدا ناگونجێ. شاری دەستکرد لە سەر زەریا چێ دەکەن. بە پارەی نەوت هەموو بەرهەمی خەڵکی وشیار و ڕەنجدەری دنیا دەکڕن. لە هیچ کوێی دونیا وەک دوبەی لە سەرچاوەی ژینگە و سروشت دوور نەکەوتوونەوە. ئایا ئەو سەرخۆشییە دەتوانێ بەردەوام بێ؟

زەوی لە ٤/٥ ملیارد ساڵ وەدی هاتنەیەوە، هەموو بەروبوومی خۆی بەسەخاوەتەوە پێشکەشی ئێمە کرد؛ مرۆڤ تەنیا بە ٢٠٠ هەزار ساڵ ژیان هەموو شتێکی ژێرۆژوور کرد، ئێمە ڕوودەاوی نالەبار دەبینین، بەڵام نامانەوێ دەرووبەک لە گرفتەکان بکەینەوە، وێرانکاری حاشاهەڵنەگرە.

کەس خۆی بە بەرپرسیار نازانێ! ڕادەی ئاوی ژێر زەوی خەریکە تەواو دەبێت، تێربوونی ٧ میلیارد مرۆڤ بە نرخێکی گران تەواو بووە، تەنیا لە (هێند) ٢١ میلیون چاڵاو لێ دراوە. بۆچی دوور بڕۆین، دەشتی قوروە و هەمەدان هەتا ١٥ ساڵ لەوەبەر چاڵاوەکانیان لە ١٠ میتریدا دەگەیشتنە ئاو، ئێستاکە لە ١٥٠ میتریشدا ئاوێک نەماوە؛ ئەویش بە نرخێکی زۆر گران ئاو هەڵدەهێنجرێ. زۆربەی چۆماوەکان ناگەنە زەریا، چۆمی جەغەتوو(زرینەرود) و تەتەهوو(سیمینەرود) لە زۆربەی وەرزەکان ناگەنە گۆلاوی ورمێ.

هەتا ٢٠٢٠ی زایینی، ٢ میلیارد حەشیمەت ئاوی خواردنەوەی نابێ؛ ئەو ئاوەی کە لە دڵی زەویدا ماوەتەوە، بەرهەمی ٢٥ هەزار ساڵەی زەویە کە پاشەکەوتی کردووە. ئەگەر هەڵنجرێن،تازە ئاوێک کۆ نابێتەوە. لە زۆر شوێن و دەشت و ساراکان، لە بێئاویدا، کشت و کاڵ بووەتە خەونێک.

بەسەرهاتی (گۆلی بەختەگان) و (پەرێشان) و (ورمێ) ئیدی زۆر بۆمان نامۆ نییە.

ژیان پەیوەندیی زیندووی مرۆڤ و سروشتە، ئاو، خاک، هەوا و دارستان، هەموویان جەستەی پەیکەرێکن. دارستان دااڵدە و پشتیوانی مرۆڤ و مەکۆی بارانە. هەوای پیس دەگرن، هەوای خاوێن دەدەنە دەرێ . بەڵام ئێمەی مرۆڤ لێرەشدا خەریکی کاولکارین. هەر ساڵە ١٣ میلیۆن هێکتار دارستان بە قەد ڕووبەری وڵاتی فەرانسە لەناو ئەچێ، یان بۆ کشت و کاڵ بەتایبەت لە وڵاتانی دەستەنگ و هەژار کە هیچ شتێک لە جێی خۆیدا نامێنێ. چ ناخۆشە ژینگەیەک کانیاوەکانی وشک دابێ. چۆماوەکانی بێئاو بن، دارستانی تاپۆ بێ. یەکێکی دیکە لەو قەیرانانە ئاگر تێبەردانی دارستان و سروشتە کە بووەتە هۆی گەرمتر بوونی گۆی زەوی، کە هاوکاتە بە تێکچوونی ژینگە و گیانی هەزاران پەلەوەر و باڵندە و تەواوی گیانلەبەران. وڵاتی (بورنوئۆ) کە ژینگەی گەورەترین دارستان بوو بۆ کارگەی کاغەز، هاتن لە قۆرغۆ دارستانەکانیان تیا بڕد، داری (ئۆکالیپتووس)یان چەقاند، ماکی کارگەی کاغەزە، بەهۆی ژەهراوی بوونی گەڵای ئەو دارانە، هیچ گیا و پەلەوەرێک لەو دارستانە هەڵ ناکا و ناژی. یان (هائیتی) کە بەشی هەژارترین وڵاتی دونیایە و بە بێ یارمەتیی وڵاتانی دەرەکی، ڕۆژێکیش ناتوانێ خۆی بەڕێوەبەرێ؛ شاخ و پێدەشتەکانی هائیتی تەنها دوو لە سەدی دارستانی تێدا ماوەتەوە، وڵاتێکی وشک و قاقڕ و بێ لەوەڕگە و دارستان. لە ٥٠ سالی ڕابردووەدا زۆربەی دارستانەکانی پارێزگای کوردستان لە ١ ملیۆن هیکتار گەیشتووەتە ٣٠٠ هەزار هێکتار کە ئەویش کۆمەڵێک داری بەربڵاون، کە ناکرێ ناوی دارستانیان لێ بنرێ.

تەنیا لە ٥٠ ساڵدا لە ئاستی ٢٠٠ هەزار ساڵ ژیان، کاریگەریی نەرێنیمان لەسەر زەوی داناوە. ئەوە بەشێکە لە دیرۆکی ژیانمان، لەو قۆناغەدا چارە چییە؟ ٧٠ لە سەدی خەڵکی (نیجریە) دەستەنگن و نیوەی خەڵکی هەژاری دونیا لەو وڵاتانە دەژین کە سەرچاوەی سامان و داراییگەلێکن وەک نەوت و کانگا و مەعدەن. تەواوی سەروەت و سامانی جیهان کەوتووەتە دەستی ٢ لە سەدی خەڵکی دنیا. چۆڵ بوونی دێهاتەکان و پێکهێنانی شاری بێ قەوارە کە ڕۆژ بە ڕۆژ بە ئاپۆرەی خەڵکی دەستەنگ و نەدار دەتەنرێ. هەر حەوتوویەک ١ ملیۆن بە حەشیمەتی شارەکانی جیهان زیاد دەبێ. کە لە بەستێنی شاری بێشوناس(حاشیەنشینی)خۆی دەنوێنێت. دەبێتە دەستە چیلەی بەیداخی مافیای پەراوێزنشینی کاری ڕەش و قاچاخ و لەش فرۆشی و...

٢٠ لە سەدی خەڵکی ساماندار ی دنیا ٨٠ لە سەدی کانگا و داراییەکانی ژێر زەوی دێننە دەرێ و هەڵی دەلووشن.

شاری (لاگۆس) وێنای شارێکی هەرا و بێ قەوارەیە. لە ساڵی ١٩٦٠ی زایینی شارێکی چکۆلەیە بە ئەژماری ٧٠٠ هەزار حەشیمەت، هەتا ساڵی ٢٠٢٥ی زایینی، ١٦ ملیۆن حەشیمەتی هەژار و دەستەنگ لە خۆ کۆ دەکاتەوە؛ کە زۆربەیان کۆخ نشینن کە دەستیان بە ئاو و کارەبا ناگا و تەنانەت ئاوەدەستیشیان نابێ. جا بۆ دوور بڕۆین، لە ئاوایی (نایسەر) لە دەوری شاری سنە، هەتا ٣٠ ساڵ پێش، ئاواییەکی چکۆلە کە ڕادەی حەشیمەتی نەدەگیشتە ١٠٠٠ کەس، بەڵام ئێستا ٧٠هەزار خەڵکی ڕەش و ڕووتی تێدا کۆبووەتەوە کە کرێن و فرۆشتنی ماده سڕکەرەکان و هێلانەی لەشفرۆشی لەوێدا ئاپۆرەی بەستووە. ئەمڕۆ ١ میلیارد کەس لە خەڵکی دنیا برسین؛ مرۆڤی هەژار بۆ مانەوەی ژیانی، زبڵدانەکان دەپشکنێ. زەوی گەرمتر دەبێ، چاومان بڕیوەتە سەهۆڵەکانی جەمسەر(قطب)ی زەوی، کە زۆری پێ ناچێ گەرمای بەپرتاوی زەوی ئەویش دادەگرێ و هەتا ساڵی ٢٠٣٠ ئەو سەهۆڵانەش بتوێنەوە، ئاپۆرەی حەشیمەت و گەرمای زەوی بەپرتاو هورۆژم دێنێ، ئێمەش بۆ تەماحی خۆمان دونیا دەپشکنین. دەستدرێژی و کەڵک وەرگرتنی زیادە لە سەرچاوەکانی ژیان وەک: ئاو، خاک، هەوا و دارستان، هاوەنگی و هاوڕیزی سروشتی تێک داوە.

ئاپۆرەی حەشیمەتی بێکار لە شارەکان، دژوازییەکە لە نێوان شارستانییەت و شارنشینیدا. ئێمە بە شوین ڕێگاچارەوە نین. گەرمای زەوی هۆکارێکە بۆ ئەوەی لە جەمسەری زەوی(قطب) ٤٠ لە سەدی سەهۆڵەکان بتوێتەوە، بەو شێوەیە هەتا ساڵی ٢٠٣٠ شتێک لە سەهۆڵەکانی دوو جەمسەری زەوی(قطبین)نامێنێتەوە. ئاوەکانی زەریا لێڵ دەبن و ئەمەش هۆکارێکی دیکەیە بۆ گەرمتربوونی زەوی.

مەترسیی گەورەی ئاو و هەوای دونیا لە(سیبری) وەک کێشەیەک خۆ دەنوێنێ، وڵاتێک دایمە بەستەڵەک و سەهۆڵە. لە ژێر ئەو تاتە سەهۆڵانە(گازی متان) وەک بومبی پرمەترسی قەتیس ماوە، ئەگەر ڕۆژێک بتوێنەوە، ٢٠ بەرامبەری گازی(کەربۆن) دەبێنە هۆی گەرم بوونی زەوی.

هەموو ئەو ئاڵۆزییانە ئێمەی مرۆڤ پێکمان هێناوە. لە دوای ئەو سەدەیە زەوی چۆن هەڵگری ٩ میلیارد حەشیمەتە؟ وڵاتانی دونیا ١٢ بەرانبەری ئەوەی پارە و کات بۆ بەرژەوەندیی گشتی و ئاشتی و تەبایی و فێرکردن و ژینگەپارێزی سەرف بکەن، بۆ شەڕ و کرینی چەک و چۆڵ و کاولکاری دادەنێن. ٥ هەزار مرۆڤ هەموو ڕۆژێ بە خواردنەوەی ئاوی پیس تیا ئەچن. زۆرتر لە ١ ملیارد مرۆڤ برسین. ٢٠ لە سەدی زەویە کشت و کاڵییەکان لەناو چوون. ٢٠ لە سەدی دەسەڵاتداران و خاوەن سەروەتانی دنیا، لە زۆرتر لە ٨٠ لە سەدی بەروبوومی دنیا کەڵک وەردەگرن. پێویستە ئاوڕێک لە ڕابردوومان بدەینەوە و قەدری ژینگە بزانین. هەر حەوتوو ١ ملیۆن حەشیمەت بە ئاپۆرەی خەڵکی شارەکانی دنیا زیاد دەبێت.

بەڵام هێشتاکە ڕووناکی، هیوا و ئومێد لە دڵمان ئەدرەوشێتەوە، بە میلیۆن مرۆڤی خۆبەخش دەبینین؛ چاوپاک، دەستپاک و بێ دەمارگرژی، بۆ بەختەوەریی مرۆڤ و زیندووکردنەوەی سەرچاوەکانی ژیان و ژینگە تێدەکۆشن. کە میژووی تەماویی ڕابردوومان ڕابمالن. بیر و هەزری ژینگەپارێزی بووەتە کولتوور و خولیایەک کە ڕەگاژۆی کردووە بۆ هەر شوێنێک و لە ١٥ ساڵی ڕابردوودا زۆر لێپرسراوانە لە ئاستی داروودەوەن و هەموو بوونەوەرێکدا هەڵسووڕاون و بەنیسبەت نەزانکاریی بەرپرسەکانەوە هەڵوێستی مەدەنییان گرتووە.

وڵاتی دەستەنگ و هەژاری (کاستاریکا) لە مابەینی هێزی نیزامی و پارێزگاری لە سروشت و ژیان، فێرکاری و ڕاهێنان، دەسەڵات و پارەی بۆ پاراستنی سروشت و فێرکاری خستووەتە گەڕ.

وڵاتی (لۆسۆتۆ) هەژارترین وڵاتی جیهانە کە زۆرترین سامان و پارەی بۆ پاراستنی ژینگە و بەرژەوندیی گشتی خستووەتە گەڕ. ئاوی پێویستی شاری نیۆیۆرک لە دارستانەکانەوە دابین دە کرێ و ئاوی ژێرزەوینی بۆ بەکار ناهێنن. لە وڵاتی(کۆریای باشوور) ئەو دارستانانەی کە لە شەڕی دوو کۆریاکەدا لەناو چوو بوو، ئێستاکە ٧٠ لە سەدی دارستانەکانیان زیندوو کردووەتەوە. لە بڕێک لە وڵاتە پێشکەوتووەکان لە وزەی خۆر کەڵک وەردەگرن؛ وەک وڵاتانی(نیووزلەند) (ئوتریش)(سوئێد) جیا لە وزەی خۆر، لە هێزی با و شەپۆلی ئاوی زەویش بۆ وزەی کارەبا کەڵک وەر دەگرن؛ کەوایە ئەگرێ خۆر، ئاو و با لە داهاتوودا بۆ وزەی کارەبا جێگرەوەی نەوت و خەڵووزی بەرد(زغال سەنگ) بن. خۆر لە ماوەی یەک کاتژمێر و نیوەدا، وزەی پێویستی یەک سالی مرۆڤ دابین دەکات. کەچی هێشتاکە ٨٠ لە سەدی وزە، لە کانگاکانی ژێر زەوی وەک نەوت و خەڵووزی بەردەوە دێنە ئەنجام. مرۆڤەکان ئەگەر لە وڵاتێکیشدا نەژین و پێداویستیشیان جیاواز بێت، هەر دیسان دەبێ هاندەر و پیشتیوانی یەکتر بن. ناکرێ خۆمان حەساوە ببین، وڵاتانی تر پرئاژاوە. لە سەر چاوەکانمان بۆ فێر کاری و بارهێنان و ژیانەوەی سروشت و دارستانەکان و بەرژەوەندیی مرۆڤ، لە ئاشتی و پێکەوەژیان کەڵک وەرگرین. ئەوەی بۆمان ماوەتەوە بیپارێزین.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: امید رشیدی | زیرنظر: شورای سردبیری | ماهنامه کوردی - فارسی | مدیرهنری: صلاح علمی‌زاده | تلفن و نمابر: ۵۰۹۷۲ ۳۴۵ ۰۸۷ | روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۹۱۸۵۱۵۲۴۸۸ | گستره‌ی توزیع: استان‌های کوردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، آذربایجان غربی | نشانی دفترمرکزی: استان کوردستان، مریوان، خیابان مولوی کورد، ساختمان روژ، طبقه‌ی اول، واحد ۱۰۵، کدپستی: ۶۶۷۱۹۱۵۶۴۰ | ایمیل: chya.govar@gmail.com | ماهنامه چیا در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است | مطالب و آثار چاپ شده لزوما نظر گردانندگان چیا نمی باشد | **شماره حساب: ۰۱۱۰۳۲۲۹۴۹۰۰۱ بانک ملی** | **شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۴۸۷۴۱** | چاپخانه: پیام رسانه همدان

له شاییـــــدا، له وەختی هەڵپەڕینا
له خۆشیـــدا، له کاتی پێـــکەنینا
له کـــۆڕی ماتەم و گریان و شـینا
ئەمن ئەی نیشتمان تۆم هەر لەبیرە
«مامۆستا هێمن»

عکسنامه کاوه کوردستانی

تلخند

نمی‌دونم شما کجای دنیا زندگی می‌کنید اما من جایی زندگی می‌کنم که صندلی، تنها یک وسیله برای نشستن و استراحت نیست، اینجا صندلی از اهمیت و جایگاه عجیب‌وغریب و فوق‌العاده مهمی برخوردار است.
بعضی‌ها برای نشستن بر روی صندلی موردنظر خود، حاضرند حق دیگران را نادیده بگیرند. بعضی‌ها برای به دست آوردن صندلی از سروکول خیلی‌های دیگر بالا می‌روند. بعضی‌ها برای کسب صندلی حاضرند از همه چی بگذرند. کم نیستند افرادی که برای به دست آوردن صندلی، سر می‌برند، سر می‌زنند، سر می‌دهند، سر می‌کشند.
تا صندلی را به دست نیاورده‌اند، خادم مردم هستند. به صندلی که رسیدند، مردم را فراموش می‌کنند. تا به صندلی نرسیده‌اند، حامی حق مردم هستند. به صندلی که رسیدند، حق قانونی مردم را نادیده می‌گیرند.
کم نیستند کسانی که برای ماندن روی صندلی خاک خود را می‌فروشند. سراغ دارم و سراغ دارید کسانی را که برای حفظ صندلی، آرمان‌های مردم را زیر پا می‌گذارند. بسیارند افرادی که برای ماندن بر روی صندلی روی خود را سیاه می‌کنند. بسیارند افرادی که برای ماندن روی صندلی حقایق را نادیده می‌گیرند، بسیارند افرادی که برای ماندن بر روی صندلی عقل و علم خود را زیر سؤال می‌برند.
خلاصه صندلی در این ولایت بسیار مهم است؛ مهم‌تر از وجدان، مهم‌تر از عقل، مهم‌تر از انصاف، مهم‌تر از علم، غافل از اینکه:

اساساً اگر صندلی وفا داشت
برای مدیران قبل شما
داشت

کاریکاتور احسان گنجی

چگاد

مردی از جنس پشتکار، اراده‌ای به قامت تاریخ

نوشتن از انسانی که کلمات عاجز از وصفش هستند به‌راستی کاری سخت و گاها ناممکن است، انسانی دریادل که نمادی گویا و تمام‌قد از ایثار، مهربانی و خدمت به زمین است. انسانی که بی‌گمان در گسترش جغرافیای محدود مهربانی مؤثر بوده و سعی در کاهش خشونت‌های جامعه داشته است.
«عبدالله آزادیان» چهره شناخته‌شده در میان روستانشینان مریوان، انسانی آراسته به خدمت و آبادانی موطن خویش. متولد ۱۳۵۰ در روستای ینگیجه در بخش خاومیراباد مریوان است. از همان جوانی احساس مسئولیت نسبت به محیط و جامعه خود درک کرده و تلاش کرده خدمتی گرچه کوچک به همنوعان خود کند. در سال ۱۳۷۸ به کمک چندی از دوستان دیگر اقدام به تأسیس کتابخانه‌ای عمومی در روستای ینگیجه نمودند، کتابخانه **«دارستان»** علاوه بر کتاب و کتابداری، دیگر کارهای فرهنگی و مراسم خاص را در دایره وظایف خود می‌دید و انجام می‌داد. به‌مرورزمان اندیشه زیست‌محیطی‌اش بیشتر و بیشتر شده تا جایی که به همراه چند دوست دیگر پیشنهاد تأسیس یک انجمن زیست‌محیطی در میان فعالان چند روستای مجاور و شهر مریوان را می‌دهد.
آقای **آزادیان** یکی از اعضای هیئت مؤسس **«انجمن سبزدارستان»** بود که بعدها به **«انجمن سبزچیا»** تغییر نام داد. آزادیان، مؤسس انجمنی شد که سال‌های بعد یکی از موفق‌ترین جریان‌های زیست‌محیطی کوردستان و ایران گردید.
مرزی بودن، معیشت ناپایدار، جنگ و دیگر مشکلات جاری در این منطقه، زندگی این بزرگ‌مرد را همیشه در نشیب‌های ناگوار قرارداده است. هشت سال جنگ ایران و عراق؛ آوارگی، بی‌خانمانی و خسارات زیاد دیگری را به کوردستان و مخصوصاً شهرهای مرزی وارد آورد. یکی از مصیبت‌های این جنگ خانمان‌سوز، مین‌های به‌جامانده از آن دوران است که بعد از سال‌ها همچنان قربانی می‌گیرد و درواقع می‌توان گفت جنگ در کوردستان هنوز تمام نشده است. آزادیان هم یکی از قربانیان این داستان تلخ و تراژیک است، ایشان در سال ۱۳۷۹ در جنگل‌های روستای خودشان روی مین رفت و پاشنه پای راستش را برای همیشه در آن جنگل‌ها به‌جا گذاشت.
گرچه این حادثه حضور ایشان را تا حدودی از اطفای آتش‌سوزی‌های جنگل‌های کوردستان کمرنگ کرد اما نتوانست او را از ادامه دیگر فعالیت‌های انجمن بازدارد.
شخصیتی محکم، متین و خردمند که ناجی روزهای سخت انجمن بوده است. با تدابیری دوراندیشانه، علی‌رغم حضور فیزیکی کم در انجمن، مشکلات انجمن را بررسی کرده و همیشه سعی در اخذ تصمیم‌های منطقی و در راستای مصلحت و منافع انجمن داشته و از پیشکسوتان انجمن می‌باشند.
کاک عبدالله از سال ۱۳۸۶ به‌عنوان دهیار روستای ینگیجه انتخاب شد که با همکاری و پشتیبانی اهالی روستا، به‌عنوان دهیار نمونه انتخاب شد. وی نقشی اساسی در گسترش فرهنگ زیست‌محیطی، بهداشت محیط، مقابله با شکار در ینگیجه و روستاهای مجاور داشته است.
ایشان علاوه بر مشارکت فعال در کارهای زیست‌محیطی انجمن سبز چیا، فعالیت‌های عام‌المنفعه ذیل را نیز انجام داده است:
- تشکیل گروه سرود کودکان و نوجوانان روستای ینگیجه و فعالیت از این طریق در راستای آموزش شعر و سرود به کودکان و نوجوانان روستا.
- تشکیل گروه نمایش روستای ینگیجه.
- سازماندهی و برگزاری مراسم و سنت‌های فرهنگی، ملی و مناسبات جهانی با همکاری فعالین روستا. مراسم‌هایی از قبیل: نوروز - روز جهانی کودکان - فستیوال آدم برفی و ...
- راه‌اندازی فستیوالی تحت عنوان «هاومالی». مراسمی ویژه روستانشینان، فستیوالی که در آن روستانشینان با وظایف و تکالیف خود آشنا گردیده و سعی بر آن دارد که مردم را بیشتر به همکاری و همدلی دعوت و ترغیب کند. در این مراسم سالانه از کسی که در روستای خود فعالیت‌های فرهنگی، زیست‌محیطی و عام‌المنفعه داشته است، تقدیر می‌شود و هرسال یک نفر به‌عنوان «هاومال نمونه» انتخاب می‌گردد و تندیس «لق‌لق زێرین» (لک‌لک زرین) را به او اهدا می‌کنند.
- تلاش برای توسعه و آبادانی هر چه بیشتر روستای ینگیجه از طرق ذیل:
- همکاری برای اجرای طرح هادی در روستا با کیفیتی مثال‌زدنی: کوچه تراشی‌های یکدست و عریض، تعبیه فضاهای سبز و مکان کاشت نهال و...
- جذب بودجه از بخشداری و جلب رضایت مردم برای همکاری، جهت ساخت جایگاه مخصوص فضولات دامی در مکان‌های دور از روستا، برای رعایت بهداشت محیط و نمای بصری روستا.
- کاشت نهال گردو در دو مسیر مختلف با همکاری جوانان روستا و انجمن سبزچیا. (درآمد حاصل از این درختان صرف آبادانی و توسعه روستا می‌شود)
- ایجاد میدان تره‌بار در ورودی روستا، جهت عرضه محصولات کشاورزی و فروش مستقیم محصولات.
- ترغیب اهالی روستا برای ارائه خدماتی چون نان‌های محلی، بربری، لبنیات، گل‌های خانگی و ... به گردشگران تا جایی که اکنون افراد زیادی از روستا ازجمله زنان از این طریق امرارمعاش می‌نمایند.
- تشویق دانش آموزان روستا به ادامه تحصیل و ورود به دانشگاه و مراتب عالی‌تر تحصیل، از راه‌های مختلف ازجمله دعوت از اساتید مختلف به روستا و یا برگزاری اردوی دبیرستانی‌ها به دانشگاه‌های استان.

خانه‌ی سبز

سطل زباله

همه ما می‌دانیم که مواد داخل سطل زباله به‌سرعت می‌تواند فاسد شده و باعث ایجاد آلودگی در فضا شود، اما اکثر ما اغلب صبر می‌کنیم تا پرشده و شیرابه فاضلاب در آن جاری شود تا آن را برای خالی کردن آماده کنیم. البته که هیچ‌کدام از ما نمی‌خواهیم که سطل زباله‌ای کثیف و جرم‌گرفته باعث شود تا حشرات برای یافتن غذا و محلی برای تخم‌گذاری تحریک شوند.
با گذشت زمان سطل‌های زباله جرم‌گرفته و غذاهای مانده در آن جرم‌ها با فاسدشدن باعث تحریک مگس‌ها و جذب آن‌ها می‌شود. نکته دیگر اینکه هر سطل زباله مانند هر وسیله دیگری دارای عمر مفیدی برای استفاده است و می‌توان با استفاده از تمیزکاری آن با آب گرم و بوراکس عمر آن را اندکی بیشتر کرده و البته که سطل زباله‌ای تمیزتر داشته‌باشیم.

سایت انجمن سبز چیا
www.chya.ir
کانال رسمی انجمن سبز چیا در تلگرام
@chya2716

عکس نوشت

پێشانگای وێنه‌ی به‌شداربووانی کارگه‌ی وێنه‌گری ناوه‌ندی "قه‌ژین" وئه‌نجومه‌نی هونه‌ره‌ته‌جه‌سسومییه‌کانی مه‌ریوان | وێنه‌گر: کامه‌ران به‌هرامی

دوازده‌هه‌مین فستیڤاڵی نێونه‌ته‌وه‌یی شانۆی سه‌رشه‌قامی مه‌ریوان | وێنه‌گر: کامه‌ران به‌هرامی

دوازده‌هه‌مین فستیڤاڵی نێونه‌ته‌وه‌یی شانۆی سه‌رشه‌قامی مه‌ریوان | وێنه‌گر: کامه‌ران به‌هرامی

اعلامیه‌های جهانی

فرازی از
قطعنامه (۱۹۶۰) ۱۵۱۴ سازمان ملل متحد و اسناد بین‌المللی در خصوص؛
"حقِ تعیینِ سرنوشت"

یکی از بنیادی‌ترین حقوق اقوام و ملل گوناگون، حق تعیین سرنوشت است. اندیشه‌های جدید، این حق را به انسان می‌دهد که خود درباره سرنوشت خویش و مصلحت خود تصمیم بگیرد و شیوه زندگانی خود و حتی نظام سیاسی خود را تعیین کند.

حق مشارکت در حکومت و تعیین سرنوشت، در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۴ و ۳۸ اعلامیه امریکایی حقوق بشر، بندهای الف، ب و ج ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بندهای اول و دوم از ماده ۲۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و مواد ۱۳ (بندهای اول و دوم) ۲۷ (بند اول) و ۲۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها قابل‌مطالعه و بررسی است.
در سال ۱۹۶۰ اعلامیه مهمی در زمینه اعطای استقلال به مستعمرات، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. ماده ۲۵ این اعلامیه بر این فلسفه استوار بود که تحت انقیاد و تسلط بیگانه قرار گرفتن، به‌نوعی انکار حقوق اساسی بشر و مخالف منشور ملل متحد است؛ لذا این اعلامیه مقرر داشت که همه ملت‌ها حق‌دارند، از حق خودمختاری برخوردار باشند و حق‌دارند که آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین نموده و به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش ادامه دهند.

اصل آزادی تعیین سرنوشت و جدایی چاره‌ساز

اصل تعیین سرنوشت یکی از اصول پایه حقوق بین‌الملل معاصراست و یکی از اصول حقوقی است که از قرن معاصر برای کشورها و ملت‌ها در نظر گرفته‌شده است. این حق Erga Omnes یعنی جهان‌شمول است و همه مردم حق‌دارند آزادانه و فارغ از مرزها، فرهنگ‌ها و مذاهب بیگانگان وضعیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را دنبال کنند و هر دولتی وظیفه دارد این حق را طبق مقررات منشور رعایت نماید. این اصل در ماده یک منشور و در زمره اهداف و مقاصد ملل متحد ذکرشده است.
منشور از حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یکی از مبانی و پایه‌های روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها و ملت‌ها یادکرده است. توجه روزافزون به مسئله دموکراسی، ارزش‌های حکومت دمکراتیک و حقوق بشر از یک‌سو و حقوق اقلیت‌ها از سوی دیگر دامنه مفهومی این اصل را غنی کرد و به آن استحکام بخشید. حق تعیین سرنوشت به‌عنوان حق مردم برای تعیین نظام سیاسی و اقتصادی و Self (در عبارت Self، اجتماعی که در چارچوب آن زندگی می‌کنند) تعریف‌شده است.
ماحصل فعالیت‌های ملل متحد بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۹، استقلال ۷۰ سرزمین بود؛ از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ نیز ۲۸ سرزمین دیگر به استقلال رسیدند و مورد آخر نیز استقلال تیمور شرقی در ۱۹۹۹ بود که البته جزو سرزمین‌های غیر خودمختار محسوب می‌شود. ماده ۷۳ منشور در ذیل تعهدات مقام اداره‌کننده، موارد زیر را برمی‌شمارد؛ رعایت فرهنگ مردم، توسعه و ترقی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی، رفتار عادلانه، حمایت در برابر اجحاف و سوءاستفاده و انعکاس آمال سیاسی مردم.

مأموریت مقدس

قطعنامه (۱۹۶۰) ۱۵۱۴ سازمان ملل متحد نیز متذکر می‌شود که باید اقدامات عاجلی صورت بگیرد تا همه اختیارات و قدرت‌های حکومتی ـ بدون هیچ قید و شرطی و مطابق با خواست مردم و بدون اعمال هیچ‌گونه تمایزی از حیث نژاد، زبان، مذهب یا رنگ ـ به مردم این سرزمین‌ها انتقال پیدا کند تا آن‌ها را به برخورداری کامل از استقلال و آزادی قادر سازد.
دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۷۱ می‌گوید: «توسعه و تحول متعاقب حقوق بین‌الملل در مورد سرزمین‌ها قابل‌اعمال ساخته است». تحولات موردنظر دیوان خصوصاً با بند ۳ ماده ۱ مشترک در میثاقین و اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ تکمیل شد. بر اساس بند ۳ ماده مذکور تکلیفی به مقام اداره‌کننده تحمیل می‌شد که در منشور صراحتاً ذکر نشده بود؛ دولت اداره‌کننده موظف بود که به تحقق حق تعیین سرنوشت کمک کند. به‌عبارت‌دیگر به سرزمین‌های غیر خودمختار در کسب استقلال کمک نماید. این بند مکمل مقررات منشور به‌حساب می‌آمد. اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ نیز وضعیت مردم سرزمین‌های غیر خودمختار را به‌موازات وضعیت مردم مستعمرات و در کنار آن ذکر کرده بود؛ بنابراین حق تعیین سرنوشت به همان صورتی که برای مردم مستعمرات وجود داشت، برای مردم سرزمین‌های غیر خودمختار نیز تعریف می‌شد. دیوان بین‌المللی دادگستری می‌گوید: «تحولات حقوق بین‌الملل تردیدی به‌جای نگذاشته که هدف نهایی «مأموریت مقدس» که در بند ۱ ماده ۲۲ میثاق جامعه آمده، «تعیین سرنوشت همه مردم آن سرزمین است». دیوان می‌گوید: «حق مردم برای تعیین سرنوشت امروز حقی عام‌المشمول (Erga Omnes) است.

منبع: دفتر سازمان ملل
http://www.humanrights-iran.ir/aspx.۱۶۵۴۸-news